

توافق خطرناک

در میانه‌ی جنگی سهمگین

استاد رحیم‌پور ازغدی:

در برجام بخش‌های مثبت، منفی و حتی مشکوک و خطرناک وجود دارد.

نمایندگان، رئیس‌جمهور و شورای امنیت

باید خیلی سریع

جلوی بخش‌هایی از این توافقنامه که به ضرر منافع ملت است را بگیرند.

فهرست

۵	مقدمه
۶	فصل اول: چرا و با چه مبنایی به دنبال توافقیم؟
۹	از چه زمانی در آمریکا مذاکره با ایران به طور جدی مطرح شد؟
۱۱	چه شد آمریکا یاد مذاکره افتاد؟
۱۱	از بین رفتن مقبولیت دکترین بوش و قرار گرفتن آمریکا در موضع ضعف
۱۳	کارکرد داخلی مذاکره با ایران برای دولت اوباما
۱۳	تحریم‌ها داشت فرومی‌پاشید/نگرانی آمریکا از موقعیت خود بین متحدانش
۱۴	نگرانی برای دلار!
۱۵	ناکارآمدی تحریم‌ها در پیشرفت هسته‌ای ایران
۱۵	مذاکرات از چه زمانی آغاز شد؟ واسطه‌ی مذاکره کدام کشور بود؟
۱۶	چه کسی در دولت مجوز مذاکره را گرفت و کار را پیش بُرد؟
۱۸	چه شد رهبری موافقت کردند؟/رونمایی از وضع داخلی، طرح اوباما و مدیریت رهبری
۲۷	رهبر انقلاب راه‌حل اصلی مشکلات کشور را چه می‌دانستند؟
۲۷	فکر اساسی این است که کاری کنید کشور از آخم دشمن ضربه نبیند
۲۷	هر جا ضعیف بودید، بدآدایی آنها بیشتر می‌شود
۲۸	چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، به درک!
۲۸	این آسیب‌ها ناشی از وابستگی ما به نفت و دولتی بودن اقتصاد است
۲۹	کلید حل مشکلات کشور در لوزان و ژنو و نیویورک نیست
۲۹	آیا رفع مشکل تحریم‌ها منوط به بستن پرونده‌هسته‌ای است؟
۲۹	بعضی از روی غرض تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم همه‌ی مشکلات اقتصادی حل خواهد شد
۳۰	دشمنی آنها با علی خامنه‌ای نیست
۳۰	مذاکرات، دشمنی دشمن، نرمش قهرمانانه و دل بستن به غیر خدا
۳۷	منشأ عدم خوش‌بینی رهبر انقلاب
۳۸	آیا اگر توافق نشد، آسمان به زمین می‌آید؟
۳۸	اهمیت و جایگاه طرح خطوط قرمز/رهبری: جزئیات مذاکره تحت نظر من نیست
۳۹	رهبر انقلاب: مواضع ما همان چیزی است که علناً اعلام می‌کنیم/الحمدلله زبانم از کار نیفتاده

۴۰ _____ جمع‌بندی

۴۰ _____ فصل دوم: چرا این توافق خطرناک است؟

۴۰ _____ بازخوانی حمایت‌های مکرر رهبرانقلاب از تیم مذاکره‌کننده و تذکرات ایشان

۴۳ _____ با وجود حمایت‌های رهبری، قابل نقد دانستن توافق چه جایگاهی دارد؟

۴۵ _____ نقد و بررسی فضای شکل‌گیری توافق

۴۶ _____ دشمن ما را در موضع ضعف قلمداد کرد

۴۹ _____ چشم‌داشت به بیگانه به جای تحرک جدی داخلی

۴۹ _____ دشمن به تعهداتش در زنو و لوزان عمل نکرده بود

۵۰ _____ کاهش تحریم‌ها

۵۰ _____ بیمه و درآمدهای نفتی

۵۱ _____ تحریم‌های صنعت هواپیمایی

۵۲ _____ کم‌ارزش تلقی کردن دستاوردهای هسته‌ای

۵۲ _____ مذاکره زیر شبح تهدید

۵۴ _____ اذعان آمریکا به بدعهدی و نقض توافق

۵۵ _____ خوش‌بینی به دشمن

۵۵ _____ نقد و بررسی توافق

۵۶ _____ ماهیت خطرناک و ظالمانه‌ی کمیسیون مشترک

۵۸ _____ هیأت مشورتی حل اختلاف؛ جایگاهی زینتی!

۵۹ _____ اگر ایران از تخلف طرف مقابل شکایت کند، تحریم‌ها برمی‌گردد

۶۰ _____ مکانیسم ماشه؛ اسباب دور خوردن روسیه و چین و شمشیری بر سر ایران

۶۱ _____ امکان تمدید تحریم‌ها و بسته نشدن پرونده ایران در شورای امنیت

۶۳ _____ محدودیت‌های موشکی ایجاد شده برای ایران

۶۴ _____ محدودیت‌های تسلیحاتی ایجاد شده برای ایران

۶۷ _____ نقض قطعنامه‌ی شورای امنیت یعنی استقبال از نسل‌جدیدی از قطعنامه‌ها

۶۹ _____ بازگشت‌پذیری سخت برای ایران و جیب خالی بعد از معامله

۷۱ _____ بازرسی از سایت‌های نظامی و پاراچین؛ بازجویی از دانشمندان

۷۵ _____ بازرسی‌های فراپروتکل و محدودیت‌های جدی بر سر راه اقلام دارای کاربرد دوگانه

۷۸ _____ امکان کلید خوردن بازی ایالتی برای حفظ تحریم‌های آمریکا

۷۹ _____ پا بر جا ماندن تحریم سوئیفت و دارای‌های بلوکه شده ایران تا ۸ سال

۷۹ _____ محدودیت‌های عجیب در مسیر تحقیق و توسعه

۸۱ _____ رؤیایی شدن ظرفیت غنی‌سازی ۱۹۰ هزار سو؛ ۱۵ سال بعد ایران تنها ۴۷ هزار سو دارد

۸۳ _____ جمع‌بندی

۸۴ _____ فصل سوم: چه باید کرد؟

۸۴ _____ مشکلات موافقت مجلس با توافق

۸۵ _____ مشکلات مخالفت مجلس با توافق

۸۶ _____ تبدیل شدن بازی باخت باخت ایران برای آمریکا به بازی باخت باخت برای ایران

۸۸ _____ راه برون‌رفت از بازی جدید آمریکا

مقدمه

"این عمار" ندایی است برای سراسر تاریخ خطاب به همه‌ی نخبگان و خواص که بدانند اگر نقش بایسته‌ی خود را به جا، به موقع و درست ایفا نکنند، "ولی" تنها می‌ماند. همیشه این‌گونه نیست که امام امت فریاد بزند و از عمار یاد کند. عمار اگر عمار باشد، اصلاً نباید بگذارد کار به جایی برسد که ندای "این عمار" که همان ندای مظلومیت ولی است، بلند شود.

و امروز همین که رهبر انقلاب دو بار در جریان مذاکرات هسته‌ای تأکید می‌کنند: «اما لازم است ملت بیدار باشد، اما لازم است ملت بیدار باشد»، یعنی هوشیاری در این صحنه کلیدی است؛ و کسی که ندای ولی را نشنود و نپرسد که چه رخ داده و می‌دهد؛ نمی‌تواند شعار بدهد: «ما اهل کوفه نیستیم؛ علی تنها بماند.»

"اما لازم است ملت بیدار باشد"، یعنی فرد فرد ملت باید روند مذاکرات را پیگیری و تحلیل کند. به بیان رهبری یعنی: «بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.» یعنی این خطر هست که تبلیغات دشمن یا ساده‌لوحی برخی افراد، مسیر را به سوی دیگری بکشاند. یعنی این صحنه حساس است و بیداری در آن شرط و تعیین‌کننده.

امروز ایران اسلامی با مذاکرات هسته‌ای مواجه است و توافقی که با تلاش دولتمردان و تیم مذاکره‌کننده به جمع‌بندی اولیه رسیده فراروی آن می‌باشد. رهبر انقلاب ضمن قدردانی از دولتمردان تأکید کردند: «لازم است متنی که فراهم آمده با دقت ملاحظه و در مسیر قانونی پیش‌بینی شده قرار گیرد.» و اکنون زمان ملاحظه و بررسی با دقت متن است تا مسیر قانونی طی شود. رهبری تأکید کردند: «و آنگاه در صورت تصویب، مراقبت از نقض عهدهای محتمل طرف مقابل صورت گرفته و راه آن بسته شود. به خوبی می‌دانید که برخی از شش دولت طرف مقابل به هیچ رو قابل اعتماد نیستند.» یعنی با وجود تمام تلاش‌هایی که صورت گرفته و باید قدر دانسته شود، اولاً ممکن است لزوماً توافق در مسیر قانونی خود به نفع منافع ملی ارزیابی نشود و به تصویب نرسد که این یعنی بررسی‌ها در داخل، صوری نیست و باید با جدیت و دقت باشد تا مبدا با وجود تمام تلاش‌ها آنچه می‌پذیریم به نفع کشور نباشد. ثانیاً اگر هم به تصویب رسید باید در عین تصویب، راه نقض عهد طرف مقابل که به هیچ رو قابل اعتماد نیست، به گونه‌ای بسته شود. این همان چیزی است که امروز باید مسئولین کشور ضمن بررسی توافق، مورد توجه قرار دهند و ببینند آیا این توافق در درون خود اجازه‌ی نقض عهد و سوء استفاده را می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر امکان سوء استفاده از آن وجود داشته باشد، باید این امکان هر طوری هست از بین برود.

رهبر انقلاب سخنی هم با مردم داشتند: «از ملت عزیز انتظار دارم که همچنان وحدت و متانت خود را حفظ کنند تا بتوان در فضای آرام و خردمندانه به منافع ملی دست یافت.» و این یعنی کار ملت دشوار است. از یک سو باید بیداری و اثرگذاری خود را حفظ کند و از سوی دیگر باید از هر گونه حرکت احساسی که به ایجاد فضای غیرمنطقی و وحدت‌شکن در کشور بیانجامد، خودداری نماید. طبیعتاً مراعات وحدت و متانت به معنی بی‌تفاوت نشستن یا سکوت کردن نیست که اگر این‌گونه بود دیگر بیداری معنا نداشت! مراعات وحدت و متانت یعنی ورود در این صحنه حساسیت‌های خود را دارد و باید با این ملاحظه عمل کرد. یعنی اگر بدون در نظر گرفتن این حساسیت‌ها عمل شد، به اصل حرکت ضربه می‌زند.

این جزوه می‌کوشد با بیانی علمی و در عین حال به دور از پیچیدگی و به دور از سوگیری‌های سیاسی ضمن ارج نهادن به تلاش و زحمات دولتمردان، حاصل این تلاش‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد.

در اینجا در گام نخست می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که اصلاً چرا به دنبال توافقیم؟ آیا به دنبال توافق بودن با آرمان‌های انقلاب اسلامی و تلاش‌های گذشته‌ی ما برای غنی‌سازی سازگار است؟ دیدگاه رهبر انقلاب در این خصوص چیست؟ آیا رهبری با مذاکرات موافق بودند؟ آیا بر سر میز مذاکره نشستن با نگاه توحیدی، و اتکاء به خداوند متعال ناسازگار نیست؟ در فصل اول به سؤالاتی از این دست به تفصیل پاسخ داده خواهد شد.

در فصل دوم این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا پذیرش این توافق به نفع کشور است یا به ضرر کشور. برآورد این نوشتار با توجه به نظرات کارشناسی متعددی که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت این است که این توافق با مفاد کنونی به شدت خطرناک است. طبعاً مستندات این مدعا در این جزوه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

پرسش بعدی که در فصل سوم بررسی می‌شود این است که با توجه به تحلیل ذکر شده، ایران در شرایط کنونی چه باید بکند؟ آیا باید با توافق مخالفت کند؟ پاسخ این جزوه این است که ایران نه باید توافق را تأیید کند و نه رد. بلکه راه سومی در میان است که مورد اشاره قرار می‌گیرد. و پرسش دیگری که همین جا مطرح می‌شود در خصوص نحوه‌ی ایفای نقش مردم، دانشجویان، طلاب و اقشار مختلف است. چگونه می‌توان بیدار بود و ایفای نقش کرد و همزمان وحدت و متانت را نیز حفظ کرد؟ با توجه به راه سومی که مطرح می‌شود، پاسخ به این سوال نیز دشوار نخواهد بود.

امید است این تلاش اندک و ناچیز مورد رضایت مولایمان حضرت حجت بن الحسن (عج) که همگان در انتظار ظهور ملکوتی‌اش نشسته‌ایم و رضایت رهبر و قائد گرانقدر و عزیزمان سید علی خامنه‌ای، پیر جماران روح‌الله خمینی (ره) و شهدای خونین کفن انقلاب اسلامی قرار گیرد. تقدیم به همه‌ی آنان که در راه حق در خون خویش غلطیدند؛ تقدیم به شهید مهدی زین‌الدین.

فصل اول: چرا و با چه مبنایی به دنبال توافقیم؟

ایران اسلامی به دنبال اصرار طرف آمریکایی و تقاضای برخی مسئولین دولتی درصدد توافق برآمد تا ضمن حفظ دستاوردهای هسته‌ای و با پذیرفتن برخی محدودیت‌ها، فشار تحریم‌ها در این مقطع بر کشور کم شود و طرف غربی همه‌ی تحریم‌های هسته‌ای را یکجا و در روز توافق بردارد. ایران اسلامی در حالی وارد مذاکرات شد که نسبت به طرف مقابل به جهت بدعهدی‌هایش خوشبین نبود و می‌دانست حتی اگر توافق هم شود، طرف غربی دست از سر کشورمان برنخواهد داشت؛ چون دشمنی کار دشمن است.

برای رفع تحریم‌ها پذیرفتیم وارد یک بده‌بستان شویم. رهبر انقلاب تصریح کردند: «ما از اول، منطقی وارد شدیم، منطقی حرف زدیم، زیاده‌خواهی نکردیم؛ ما گفتیم طرف، یک تحریم ظالمانه‌ای را تحمیل کرده است، ما می‌خواهیم این تحریم برداشته بشود؛ خیلی خُب، این یک بده‌بستان است، حرفی نداریم که در این زمینه یک چیزی بدهیم، یک چیزی بستانیم تا تحریم‌ها برداشته بشود؛ اما صنعت هسته‌ای متوقف نباید بشود، لطمه نباید بخورد؛ این حرف اول است؛ از اول این حرف را زدیم و دنبال کردیم تا امروز».^۱

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

ایشان همچنین تصریح کردند: «ما حاضر بودیم هزینه هم بدهیم، یعنی ما عقیده نداریم که در یک مذاکره هیچ هزینه‌ای نباید داد، هیچ عقب‌گردی نسبت به بخشی از موضوعات نباید کرد؛ نه، به‌قدر صحیح و منطقی و عقلایی حاضر به هزینه دادن هم بودیم؛ منتها ما دنبال توافق خوب بودیم.»^۲

ایران اسلامی اقداماتی نیز در حین مذاکرات انجام داد. رهبر انقلاب به این اقدامات که طی این چند ماه تا کنون انجام شده نیز اشاره کردند: «طرف ایرانی، برخی از کارهایی که می‌توانست او را به توافق نزدیک کند، انجام داده است. کارهای متعددی را انجام داده: گسترش و توسعه‌ی ماشین‌های غنی‌سازی را متوقف کرده، خُب این را لازم دانستند که یک برهه‌ای متوقف کنند؛ تولید اورانیوم بیست درصد را - که یک کار بسیار بزرگی است رسیدن به دانش و فناوری بیست درصد، کار بسیار بزرگی بود؛ این را کسانی که اهل فنند می‌دانند که رسیدن از پنج درصد به بیست درصد، اهمیتش خیلی بیشتر است از رسیدن از بیست درصد به بالا؛ این کار بزرگ را جوانان ما و فناوران متعهد ما انجام دادند - متوقف کردند، اقتضای مذاکره این بود که متوقف بکنند؛ کارخانه‌ی اراک را که یکی از کارهای بسیار بزرگ و مهم فناوری و یک هنر بزرگ فناوری است، فعلاً متوقف کرده‌اند؛ فردو را که یکی از برترین ابتکارهایی است که نیروهای ما و عناصر داخلی ما آن را برای امنیت دستگاه‌های سانتریفیوژ ما توانستند تأمین بکنند و تضمین بکنند، فعلاً متوقف کرده‌اند. این همه کارهای بزرگ انجام داده‌اند، طرف ایرانی بنابراین منطقی عمل کرده است، طبق منطق مذاکره عمل کرده است.»^۳

ایشان همچنین تأکید کردند که در جمهوری اسلامی همه به دنبال توافقند. ایشان فرمودند: «ما دنبال توافقیم. اگر کسی بگوید که در مسئولین جمهوری اسلامی کسی هست که توافق را نمی‌خواهد، خلاف گفته؛ این را همه بدانند. مسئولین جمهوری اسلامی - بنده، دولت، مجلس، قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون امنیتی، نظامی، غیره - همه در این جهت متفقیم و موافقیم که توافق باید انجام بگیرد. در این جهت هم باز همه متفقند که این توافق باید عزتمندانه باشد، مصالح جمهوری اسلامی به دقت و با وسواس باید در آن رعایت بشود؛ در این هم هیچ اختلافی نیست؛ دولت، مجلس، بنده، دیگران و دیگران همه در این جهت متفقیم، نظرمان یکی است. توافق بایستی توافقی باشد منصفانه و منافع جمهوری اسلامی را بایستی تأمین بکند.»^۴

پیش از این نیز مسئولین مذاکره‌کنندگی کشور در ادوار مختلف تلاش‌های زیادی کردند. سعید جلیلی در خصوص مذاکرات آلمانی می‌گوید: «آنجا بحث شد که ما به آنها گفتیم ما حاضریم گام‌های متقابل برداریم. هر میزان که شما می‌آید ما هم می‌آییم. اگر شما پنج کیلومتر، ما هم پنج کیلومتر. ۲۵ کیلومتر و ۱۰۰ کیلومتر هم همین‌طور. آنجا نماینده‌ی انگلیس گفت شما حاضرید همین الان این را انجام دهید؟ گفتم بله. گفتم شروع کنیم. من کاغذم را در آوردم. نماینده‌ی آمریکا به نماینده‌ی انگلیس گفت ساکت، چیزی نگو! ایشان متوقف شد که همه خندیدند. گفتم خب ادامه دهیم! شما می‌گویید ۲۵ کیلومتر، خب ۲۵ کیلومتر.»^۵ مسئولین به دنبال به سرانجام رسیدن پرونده‌ی ایران بودند اما با مراعات شرایط عادلانه و البته این طرف غربی بود که همواره مانع تراشی می‌کرد؛ موضوعی که علی‌اکبر صالحی نیز آن را تایید می‌کند.^۶

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^۳ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹.

^۴ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^۵ سایت خبری رجانیوز، جلیلی: آقای ولایتی این‌ها را برای ثبت در تاریخ می‌گویم/رهبرانقلاب نوشتند این گزارش را ایشان از کجا می‌گویند؟! ولایتی:

بحث دیپلماسی کلاس فلسفه نیست؛ با سارکوزی توافق کردیم که پرونده هسته‌ای حل شود، ۱۳۹۲/۳/۱۷.

^۶ روزنامه ایران، ویژه‌نامه‌ی از تولد تا توافق، جعبه سیاه مذاکره محرمانه ایران و آمریکا.

رهبر انقلاب ضمن پذیرفتن اصل بده‌بستان در جای خود تصریح کردند: «ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم؛ منتها در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت؛ شگردهای او را باید دانست؛ هدف‌های اساسی و کلان را باید در مدّ نظر داشت. ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود؛ و الاً اگر چنانچه توافق و تفاهم به این معنا بود که او بگوید شما باید از این راه برگردید، شما هم بگوئید خیلی خُب، این که خسارت است. توجه به این جهات باید از سوی مسئولین و دولتمردان وجود داشته باشد.»^۷

با این همه اما مسئله به هیچ‌وجه به همین سادگی‌ها نیست. در اینجا چند سؤال جدی مطرح است که پاسخ به این سؤال‌ها پشت‌پرده‌های توافق، هدف و انتظار ما از توافق و نگاه ما به توافق را روشن‌تر و شفاف‌تر می‌کند. نسبت ما و آمریکا چگونه نسبتی بود و طراحی‌های متقابل در چه وضعیتی قرار داشت؟ از چه زمانی و چرا مذاکره از سوی آمریکا مطرح شد؟ آیا رهبری از اول با مذاکره موافق بود؟ چه شد که رهبری اجازه‌ی مذاکره را به مسئولین دادند؟ چه کسی پیگیر مذاکره شد؟ آیا ما راهکار اصلی رفع تحریم‌ها را مذاکرات و حل مشکل هسته‌ای کشور می‌دانیم؟ آیا اگر از هسته‌ای یا مواضع خود چشم‌پوشیم، مشکل ما با غرب حل می‌شود؟ ماجرای نرمش قهرمانانه چه بود؟ آیا رهبری از روی انفعال و ناچاری این بحث را پیش کشیدند؟ آیا به واسطه‌ی مذاکرات به جای خدا به بیگانگان دل بستیم؟ چه نوع عملکرد و توافقی مصداق نرمش قهرمانانه است؟ آیا اینکه طرف غربی پای میز مذاکره نشسته و از توافق سخن می‌گوید یعنی سر عقل آمده؟ توافق چقدر برای ما حیاتی است؟ آیا مردم خسته شده‌اند؟

مشخص است که پاسخ به این سؤال‌ها ابعاد بسیار گسترده‌تری از نگاه ما به اصل توافق را روشن می‌کند. فارغ از اینکه نتیجه‌ی مذاکرات و توافق چه شده و می‌شود، نوع نگاه ما به این صحنه، ضرورتی که برای مذاکره و توافق می‌بینیم و تعریفی که از توافق داریم، اهمیت جدی دارد. برخی اختلاف‌نظرها در کشور نیز اتفاقاً از همین جا آغاز می‌شود.

آیا اصلاً این قابل قبول است که ما محدودیتی ولو جزئی در روند پیشرفت هسته‌ای خود بپذیریم تا تحریمی برداشته شود؟ اگر کسی به این سؤال پاسخ منفی دهد، مشخص است که از همان نخست با هرگونه توافق مخالف است و طبعاً دیگر اصلاً نوبت به بحث بر سر اینکه توافق حاضر به ضرر ماست یا نه نمی‌رسد. همچنین اگر کسی معتقد باشد رهبری از اول با هرگونه مذاکره مخالف بودند و این مذاکرات تحمیلی به ایشان است، باز هم اگر ولایتمدار باشد، طبعاً با هر نوع توافقی مخالف خواهد بود.

نیاز ما به توافق و نقش آن در پایان دادن یا ندادن همیشگی به تحریم‌ها و مخاصمه‌ی ما با غرب و نیز خسته شدن یا نشدن مردم نیز از جمله محورهایی است که تعیین می‌کند در موضع ضعیف یا قدرت؟ و چه نوع توافقی را حاضریم بپذیریم؟ کسی که ایران را در موضع ضعف قلمداد کند، مردم را خسته تلقی نماید و بر این باور باشد که با توافق، مشکل ما به طور کلی حل می‌شود، با روی گشاده‌تر و با سخت‌گیری کمتری به استقبال توافق می‌رود؛ اما کسی که این نگاه را ساده‌اندیشانه و سطحی‌نگرانه بداند، هر توافقی را برکتی تاریخی و مائده‌ای آسمانی تلقی نمی‌کند و بهترین توافق را هم حلال همه‌ی مشکلات نمی‌داند.

پاسخ به بسیاری از سؤالات فوق، بخش اصلی بیانات رهبرانقلاب در خصوص مسائل هسته‌ای را طی این مدت شکل می‌داده است. در واقع ایشان در جایگاه رهبر دلسوز انقلاب و پدر پیر امت توجه خود را بیش از پیش به ریشه‌های گفتمانی اختلاف نظرها معطوف داشتند و این همان چیزی است که سیاسیون و رسانه‌ها با وجود تمرکز و تأکید

^۷ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

جدی رهبر انقلاب، توجه کمتری بدان نمودند. در ادامه به سؤالات فوق‌الذکر می‌پردازیم و نکاتی مهم و پنهان را مورد توجه قرار می‌دهیم.

از چه زمانی در آمریکا مذاکره با ایران به طور جدی مطرح شد؟

رویکرد اوباما به مذاکره از همان آغاز روی کار آمدنش و قبل از انتخابات ۸۸ وجود داشت. او حتی در مناظرات انتخاباتی سیاست‌های دولت بوش در قبال ایران را تخطئه کرد. همفکران او نیز در آمریکا بوش را به باد انتقاد گرفتند. البرادعی می‌نویسد: «در ماه می، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور سابق، از دولت بوش به خاطر مخالفت با گفت‌وگو با کشورهایی که ایالات متحده با آنها تفاوت‌های جدی داشت، انتقاد کرد و آن را یک انحراف وحشتناک از عملکرد گذشته‌ی ریاست‌جمهوری دانست. گفت‌وگوها زمانی داغ‌تر شد که کاندیدای دموکرات ریاست‌جمهوری، سناتور باراک اوباما ابتدا مورد ناسزا قرار گرفت و سپس به خاطر اینکه گفته بود در صورتی که انتخاب شود با ایران بدون هیچ شرطی وارد مذاکرات مستقیم خواهد شد، مورد تحسین قرار گرفت. در یک انجمن برجسته در دانشگاه جورج واشنگتن در ۱۵ سپتامبر پنج وزیر امور خارجه‌ی سابق آمریکا-کالین پاول، مادلین آلبرایت، وارن کریستوفر، جیمز بیکر و هنری کیسینجر- همه موافقت خود را از مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا بر سر برنامه‌ی اتمی ایران اعلام کردند.»^۸

البرادعی همچنین با اشاره به برگزاری انتخابات در آمریکا و پیروزی اوباما می‌نویسد: «دو روز بعد، احمدی‌نژاد برای اوباما پیام تبریک فرستاد و تغییرات عمده، عادلانه و واقعی در سیاست‌ها و اقدامات را آرزو کرد. این پیغام به عنوان اولین پیام تهران به رئیس‌جمهور تازه انتخاب‌شده‌ی آمریکا از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ به طور گسترده‌ای منتشر شد.»^۹

طرف آمریکایی تا پیش از این حتی برای اینکه در مذاکرات به جمع کشورهای اروپایی بپیوندد، پیش‌شرط می‌گذاشت و تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای را طلب می‌کرد. پیشرفت فعالیت‌های هسته‌ای در ایران منجر به این شد که آمریکا خود به بی‌فایده بودن تعیین پیش‌شرط‌های این‌چنینی برای ایران اسلامی پی‌برد و علاوه بر این در گامی فراتر، مذاکره‌ی مستقیم با ایران را مطرح کند.

انتخابات ۸۸ اما همه چیز را به هم ریخت. طرف آمریکایی بار دیگر جرأت پیدا کرد و روند مقابله با ایران قوت گرفت. ادبیات اوباما نیز به ادبیات دولت‌مردان قبل گرایش پیدا کرد. رهبر انقلاب در همان نماز جمعه‌ی طوفانی بعد از انتخابات که خطاب به سید و مولایمان سخن گفتند، تصریح کردند: «من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دست‌های دشمن را ببینید؛ گرگ‌های گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید. امروز - حالا عرض خواهم کرد - دیپلمات‌های برجسته‌ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره‌ی واقعی خودشان را دارند نشان می‌دهند؛ "قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر"^{۱۰}. دشمنی‌های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان می‌دهند؛ از همه هم خبیث‌تر دولت انگلیس.»

^۸ عصر فریب، خاطرات محمد البرادعی، ص ۳۱۸.

^۹ عصر فریب، خاطرات محمد البرادعی، ص ۳۲۱.

^{۱۰} آل عمران: ۱۱۸.

ایشان تصریح کردند: «این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کار ۸۵ درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمی‌کردند. بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این شرائط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین‌الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مسئله‌ی هسته‌ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد که مجبورند این را بپذیرند. این مالِ هنگامی بود که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از اینجا مرتب به وسیله‌ی ایادی خودشان مخابره شد و همه‌شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آنجا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد. وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج‌سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابان‌ها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقاب‌هایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولت‌های چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرف‌هایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان می‌داد. از قول رئیس‌جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابان‌ها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه‌ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرف‌ها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟»^{۱۱} فتنه‌گران با جهالت خود انتخاباتی که می‌توانست برگ برنده‌ای بر برگ‌های برنده‌ی ایران بیافزاید و بر موضع قدرت و اقتدار ایران افزون کند، به نقطه‌ی ضعف ایران اسلامی و نقطه‌ی امید دشمن بدل کردند.

رهبر انقلاب بعدها که بحث مذاکره بار دیگر جدی شد نیز تصریح کردند: «من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی امریکا - که باز همین حرف‌ها را می‌زدند، اعلام کردم، گفتم که ما پیش‌داوری نمی‌کنیم، قضاوت زودهنگام نمی‌کنیم؛ ما نگاه می‌کنیم ببینیم عمل اینها چگونه است، آن وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه‌ی داخلی حمایت کردند، به فتنه‌گران کمک کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشگرکشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریست‌ها امروز دارند در سوریه همکاری می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند؛ همان تروریست‌ها را در هر جایی که توانستند در ایران به کار بگیرند، به کار گرفتند، عوامل آنها، هم‌پیمان‌های آنها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند، صریح اینها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکرد آنهاست؛ علیه ملت ایران تحریم‌هایی را که خودشان می‌خواستند این تحریم‌ها فلج کننده باشد، به کار گرفتند و این را تصریح کردند و گفتند فلج‌کننده. چه کسی را می‌خواستید فلج کنید؟ ملت ایران را می‌خواستید فلج کنید؟ شما حُسن نیت دارید؟ مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمی‌خواهند به یکدیگر کلک بزنند، معنا پیدا می‌کند. مذاکره به صورت یک تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره یک حرکت حيله‌گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست. من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه می‌گویم. دیپلمات یک کلمه‌ای را می‌گوید، معنای دیگری را اراده می‌کند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را می‌زنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را می‌زنیم. مذاکره آن وقتی معنا پیدا می‌کند که طرف، حُسن نیت خود را نشان بدهد؛ وقتی طرف، حُسن نیت نشان نمی‌دهد، خودتان می‌گویید فشار و

^{۱۱} خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

مذاکره؛ این دوتا با هم سازگار نیست. شما می‌خواهید اسلحه را مقابل ملت ایران بگیرید، بگویید: یا مذاکره کن یا شلیک می‌کنم؛ برای اینکه ملت ایران را بترسانید. بدانید ملت ایران در مقابل این چیزها مرعوب نخواهد شد.^{۱۲}

چه شد آمریکا یاد مذاکره افتاد؟

طرح مسئله‌ی مذاکره با ایران در آمریکا ابعاد مختلفی دارد. ایالات متحده نیازمند مذاکره با ایران بود و این واقعیتی است که مکرراً رهبر انقلاب نیز بدان اشاره داشتند: «دولت کنونی آمریکا به این مذاکرات نیاز واقعی دارد؛ اینها در کارنامه‌ی خودشان، یک نقطه‌ی اساسی که می‌توانند مطرح کنند، این است که ما توانستیم جمهوری اسلامی ایران را بیاوریم سر میز مذاکره و فلان مطلب را به او تحمیل کنیم؛ اینها احتیاج دارند به این. اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباشد - که حتماً هست - لاقلاً کمتر از ما نیست.»^{۱۳}

ایشان تأکید کردند: «طرف مقابل ما، یعنی دولت کنونی و مدیریت کنونی آمریکا، به این توافق احتیاج دارد؛ این هم یک طرف دیگر قضیه است؛ اینها نیاز دارند به این؛ یک پیروزی بزرگی برای آنها محسوب می‌شود اگر بتوانند به آن مقصود خودشان در اینجا برسند. این در واقع پیروزی بر انقلاب اسلامی است؛ پیروزی بر ملّتی است که داعیه‌ی استقلال دارد؛ پیروزی بر کشوری است که می‌تواند الگوی کشورهای دیگر باشد؛ دستگاه مدیریت آمریکا به این [توافق] نیازمند است.»^{۱۴}

رهبر انقلاب همچنین تصریح کردند: «این اختلافاتی هم که می‌بینید در بین آمریکایی‌ها هست، سناتورهای آمریکا یک‌جور، دولت آمریکا یک‌جور، این معنایش این نیست که اینها به این مذاکرات نیازمند نیستند؛ نه، آن جناح مقابل دولت، مایل است امتیازی را که در این مذاکرات وجود دارد، به نام حریفش که حزب دموکرات است ثبت نشود؛ دنبال این هستند. به این مذاکرات احتیاج دارند و این مذاکرات را برای خودشان لازم می‌دانند اما ابراز استغنا می‌کنند.»^{۱۵}

نیازمند بودن آمریکا به مذاکرات به واسطه‌ی ناتوانی این کشور در تداوم تحریم‌ها، ناکارآمدی تحریم‌ها در پیشرفت ایران، نگرانی برای ارزش دلار، از بین رفتن مقبولیت دکترین بوش و متعاقب آن کارکرد داخلی مذاکره با ایران برای دولت اوباما بود. در ادامه به شرح بیشتر هر یک از این محورها می‌پردازیم.

از بین رفتن مقبولیت دکترین بوش و قرار گرفتن آمریکا در موضع ضعف

"یک‌جانبه‌گرایی" عنوانی است که برای توصیف سیاست‌های آمریکا که در دوران جورج بوش به جنگ افغانستان و عراق انجامید، به کار می‌رود. سیاستی که بر مبنای آن آمریکا بدون نیاز به کسب همراهی کشورهای دیگر و یا اجازه‌ی سازمان‌های بین‌المللی به خود حق می‌داد به کشورهای مختلف لشگرکشی کند. اگر چه به واسطه‌ی حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر فضای روانی تا حدود زیادی با حمله‌ی آمریکا به افغانستان همراه بود اما در خصوص عراق مسئله کاملاً تفاوت داشت. لشگرکشی آمریکا به عراق از همان نخست با انتقادهایی در داخل و خارج آمریکا همراه شد.

^{۱۲} بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.

^{۱۳} بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

^{۱۴} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^{۱۵} بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.

در فاصله‌ی بین ۳ ژانویه تا ۱۲ آوریل ۲۰۰۳، ۳۶ میلیون نفر در قالب مجموعه‌هایی ۳ هزار نفری در تظاهرات ضدجنگ در سطح جهان شرکت کردند. در اکتبر ۲۰۰۵ نیز حدود ۵۵ درصد از آمریکایی‌ها معتقد بودند که آمریکا نباید به عراق تجاوز می‌کرد. این آمار در مارس ۲۰۰۷ به ۶۱ درصد رسید.^{۱۶}

پروفسور رابرت جرویس رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا و استاد دانشگاه کلمبیا در توضیح نتایج سیاست‌های بوش می‌نویسد: «یک‌جانبه‌گرایی و جنگ‌طلبی دولت بوش، پیوندهای آمریکا با هم‌پیمانانش را تضعیف نموده و همسویی‌های اندوخته شده پس از واقعه‌ی یازده سپتامبر را از بین برده است و افراد بسیاری را این‌گونه متقاعد نموده که آمریکا درصدد ایجاد یک امپراطوری است که در آن فضای اندکی برای منافع و ارزش‌های مورد نظرشان قائل است. بازیافتن قلمرو از دست رفته برای هر دولتی که در آینده روی کار بیاید، بسیار دشوار خواهد بود.»^{۱۷}

دولت نهم اتفاقاً با درک همین شرایط بود که موضع فعال را با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات بین‌المللی در دستور کار قرار داد. دولت نهم به خوبی واقف بود امکان حمله به ایران برای آمریکا حداقل در آن شرایط وجود ندارد. سیاست‌های بوش دیگر نمی‌توانست ادامه پیدا کند و از همین رو بود که باراک اوباما با شعار تغییر در آمریکا به پیروزی رسید.

رهبر انقلاب تصریح می‌کنند: «البته درک می‌کنیم چرا آمریکایی‌ها این روزها باز مجدداً مسئله‌ی مذاکره را می‌تکرار می‌کنند، می‌گویند پشت سر هم به زبان‌های گوناگون؛ ما می‌فهمیم علت چیست. به قول خود آمریکایی‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای آنها دچار شکست شده. آمریکا در سیاست‌های خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه یک برگ برنده‌ای را به قول خودهاشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، بکشاند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند. می‌خواهند به دنیا اعلام کنند که ما حُسن نیت داریم. نه، ما حُسن نیتی مشاهده نمی‌کنیم.»^{۱۸}

کلینتون در خاطرات خود اعتراف می‌کند که قدرت و اعتبار آمریکا در منطقه به سطح پایینی رسیده بود. او می‌نویسد: «اوایل سال ۲۰۰۹، به نظر می‌رسید ایران در حال پیشرفت در خاورمیانه است. حمله‌ی آمریکا به عراق، «صدام حسین» رقیب دیرینه ایران را از صحنه حذف کرده و به جای او دولتی شیعه را گذاشته بود که بیش‌تر به مذاق ایران خوش می‌آمد. قدرت و اعتبار آمریکا در منطقه به سطح پایینی رسیده بود. حزب‌الله سال ۲۰۰۶ اسرائیل را به بن‌بست خونینی در لبنان گرفتار کرد، و حماس، [حتی] پس از حمله‌ی دو هفته‌ای اسرائیل در ژانویه سال ۲۰۰۹ هنوز محکم و پایدار، کنترل نوار غزه را به دست داشت. پادشاهان سنّی خلیج [فارس] با ترس تماشا می‌کردند که ایران چگونه ارتش خود را می‌سازد، نفوذ خود را گسترش می‌دهد، و تهدید می‌کند که بر تنگه‌ی استراتژیک و حیاتی هرمز مسلط شود.»

او تصریح می‌کند: «در داخل ایران، چنگال آهنی رژیم، بلامنازع بود و از صادرات پررونق نفت، لذت می‌بردند. احمدی‌نژاد، طاووسی جنگ‌جو بود که در صحنه‌ی نمایش بین‌المللی قدم می‌زد. با این حال، قدرت واقعی در اختیار آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران بود که سال ۱۹۸۹ جایگزین [امام] خمینی شد و هرگز نفرت خود از آمریکا را پنهان نمی‌کرد. سپاه پاسداران تندرو، چنان قدرت قابل توجه و دارایی‌های گسترده اقتصادی در داخل ایران به دست آورده

^{۱۶} مجرد، محسن، راهبرد جنگ پیش‌دستانه از نظریه تا واقعیت، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۷.

^{۱۷} چرا دکتترین بوش نمی‌تواند تداوم یابد؟، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۳۷-۳۸.

^{۱۸} بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.

بود که به نظر می‌رسید این کشور در حال حرکت به سوی یک دیکتاتوری نظامی تحت پوشش رهبران دینی است. من و اوباما در مواجهه با این وضعیت دشوار، مصمم بودیم هم از تعامل و هم از فشار استفاده کنیم و یک انتخاب روشن مقابل رهبران ایران بگذاریم.^{۱۹} آمریکا خود را در موضع ضعف می‌دید و ایران را در موضع قدرت. دولتمردان جدید آمریکا این همه را نتیجه‌ی سیاست‌های بوش ارزیابی می‌کردند.

کارکرد داخلی مذاکره با ایران برای دولت اوباما

در آمریکا دولتی با شعار تغییر روی کار آمد که رویکرد سیاست خارجی بوش را به چالش کشیده بود و از مسیر گفت‌وگو سخن می‌گفت. طبیعی است که این دولت باید می‌توانست کارآمدی ادعای خود و موفقیت خود در جامعه‌ی عمل پوشاندن به شعارهایش را به اثبات برساند. باراک اوباما می‌خواست به جمهوری خواهان بفهماند سیاست‌های شما موجب پیشرفت هسته‌ای ایران شد و سیاست‌های من به متوقف شدن و محدودیت هسته‌ای ایران انجامید. او حتی اکنون نیز با طعنه می‌گوید: «کسانی که اکنون با یک توافق سیاسی مخالفت می‌کنند، همان کسانی هستند که برای جنگ در عراق عجله داشتند.»^{۲۰}

تحریم‌ها داشت فرومی‌پاشید/ نگرانی آمریکا از موقعیت خود بین متحدانش

آمریکا در مقاطع مختلف به دلیل ناتوانی در تداوم تحریم‌ها کشورهایی را استثناء کرد. هند، مالزی، کره جنوبی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، ترکیه، و تایوان کشورهایی بودند که در خردادماه ۹۱ از مشارکت در تحریم‌های نفتی ایران مستثنی شدند.

کلینتون پیش از این کشورهای اروپایی و ژاپن را از این تحریم‌ها مستثنی کرده بود. گرچه وی این اقدام را یک "تاکتیک موقتی" تا پیدا شدن جایگزینی برای نفت ایران برای این کشورها عنوان کرد اما بررسی نیازهای رو به رشد آنها نشان از آن داشت که سرنوشت تحریم‌های نفتی ایران از سوی آمریکا به گونه‌ی دیگری رقم می‌خورد و به احتمال زیاد نتیجه‌ای غیر از آنچه که آمریکا به دنبال آن بود، خواهد داد.

خبرگزاری مهر در این خصوص نوشت: «مشکلات و بحران بدهی‌ها در اتحادیه اروپا، و نیاز کشورهای در حال رشد و در عین حال متحدان آمریکا به نفت ایران سبب شد تا واشنگتن آن گونه که در ابتدا برنامه را تدوین کرده بود، نتواند برنامه‌ی تحریم‌های ایران را پیش ببرد. این روند سبب شده تا حتی زمزمه‌ی انصراف آمریکا از تحریم‌های نفتی ایران در برخی رسانه‌های غربی نیز به گوش برسد.» این خبرگزاری با اشاره به مخالفت برخی کشورها مثل روسیه و چین با این تحریم‌ها افزود: «استثنائات وارده در روزهای اخیر و همچنین مخالفت رقبای آمریکا با تحریم ایران در واقع به نوعی این تحریم‌ها را بی‌اثر کرده و حرکت تحریم به سوی مرگ و تبدیل شدن آن به شیرینی بی‌یال و دم را فراهم کرده است.»^{۲۱}

کمی بعد و در آذرماه ۹۱ نیز آمریکا کشورهای چین و هند را به مدت شش ماه از تحریم‌های نفتی خود علیه ایران استثناء کرد.^{۲۲} اینها نشان می‌داد تحریم کردن ایران برای آمریکا چندان هم بی‌مشکل و ساده نیست.

^{۱۹} سایت خبری مشرق‌نیوز، مرتبطین ما در ایران اصرار داشتند سکوت کنیم/ یک ساعت با رئیس‌جمهور روسیه درباره تأسیسات قم جلسه گذاشتیم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۸.

^{۲۰} سایت خبری گزارشگر، ۱۳۸۴/۵/۱.

^{۲۱} خبرگزاری مهر، تحریم‌های آمریکا علیه ایران؛ قانونی با ده‌ها استثناء، ۱۳۹۱/۳/۲۴.

^{۲۲} خبرگزاری دانشجو، چین و هند از تحریم نفتی ایران استثناء شدند، ۱۳۹۱/۹/۱۸.

چندی پیش باراک اوباما در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک تایمز از توافق هسته‌ای سخن گفت و اعترافات مهمی در خصوص تحریم‌ها مطرح کرد: «آنچه من تلاش کرده‌ام برای مردم، از جمله بنیامین نتانیاهو توضیح دهم، این است که بدون یک توافق، توانایی ما برای برپا نگه داشتن این تحریم‌ها حتمی نبود. در نظر داشته باشید که فقط ایران نبود که برای تحریم‌ها هزینه می‌پرداخت، بلکه چین، ژاپن، کره جنوبی، هند و تقریباً هر کشور واردکننده نفت در سراسر جهان، پس از ساز و کار تحریم، خود را در موقعیتی یافته بود که ادامه یافتن این تحریم‌ها برای آنان میلیارد‌ها دلار هزینه دربر داشت.»

اوباما در ادامه تصریح کرد: «آمریکا کمترین هزینه را برای حفظ تحریم‌ها می‌پرداخت، زیرا ما از همان ابتدا با ایران تجارت نمی‌کردیم. آنها از خودگذشتگی قابل توجهی کردند، به این دلیل که دولت من، دیپلمات‌های ما و بارها من شخصاً قادر بودیم آنان را متقاعد کنیم که تنها راه حل و فصل مشکل هسته‌ای، تشدید این تحریم‌هاست. اگر آنها می‌دیدند ما از ساز و کاری قانونی و مؤثر برای تضمین عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای فاصله می‌گیریم؛ اگر آنان می‌دیدند که تلاش‌های دیپلماتیک ما صادقانه نیست، یا ما تلاش داریم نه فقط برنامه هسته‌ای، بلکه هر اختلاف سیاسی که ممکن است با ایران داشته باشیم را در این مذاکرات بگنجانیم، آنگاه واقعاً تحریم‌ها به سرعت از هم فرو می‌پاشید بنابراین شاید ایران در آن صورت ۱۵۰ میلیارد دلار کسب نمی‌کرد، اما بخش عمده‌ای از آن را می‌گرفت، زیرا ما قادر نبودیم حمایت متحدان خود را از تحریم‌ها حفظ کنیم.»^{۲۳}

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان در همین زمینه تصریح می‌کند: «شاید تنها فایده‌ی مذاکرات برای ما اعترافاتی است که دشمنان ما بعد از بیانیه‌ی توافق انجام دادند، و رییس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه آمریکا به این اعترافات تصریح کردند... آنها صریحاً گفتند: "اگر ما مذاکره نمی‌کردیم و به توافق نمی‌رسیدیم، تحریم‌ها فرو می‌پاشید." تحریم‌ها خودش-خودبه‌خود- داشت فرو می‌پاشید، و این را رییس جمهور آمریکا گفت. آیا این سخن درست است؟ اگر این سخن درست باشد، سیاستمداران برجسته‌ی کشور ما دو سال است که دارند اشتباه می‌کنند و به مردم، سخن اشتباه می‌گویند. حالا نکند ما با امضای خودمان آن را تثبیت کنیم؟ چون ما تا به حال مبنای تحریم‌ها را قبول نکرده بودیم و آنها یک‌سویه این تحریم‌ها را بر ما تحمیل کرده بودند. نکند نمایندگان محترم مجلس و شورای عالی امنیت ملی، یک‌طوری این توافق را امضا کنند که من بعد اگر قرار شد تحریمی علیه ما صورت بگیرد، با امضای خودمان باشد! چون تا به حال ما امضا نکرده بودیم، و خود به خود تحریم‌ها داشت از بین می‌رفت، ولی از این به بعد دیگر از بین نمی‌رود، چون می‌گوید: خودتان امضاء کرده‌اید!»^{۲۴}

نگرانی برای دلار!

برخی اظهار نظرهای مقامات آمریکایی از اینجا هم فراتر می‌رود. به عنوان مثال بعد از توافق جان کری به احتمال عدم تصویب برجام در کنگره پرداخت و در خصوص تبعات آن گفت: «اگر از توافق عقب بکشیم، دیگر دلار ارز اصلی دنیا نخواهد بود.»^{۲۵}

^{۲۳} خبرگزاری تسنیم، اوباما: علیرغم استفاده سلاح شیمیایی علیه ایران از صدام حمایت کردیم، ۱۳۹۴/۴/۲۴.

^{۲۴} فرهنگ‌نیوز، ۶ نکته از استاد پناهیان درباره مذاکرات هسته‌ای، ۱۳۹۴/۵/۱۱.

^{۲۵} خبرگزاری فارس، کری: آمریکا به تنهایی می‌تواند تحریم‌ها را بازگرداند/نقض تحریم‌های تسلیحاتی ربطی به مکانیسم ماشه ندارد/اگر توافق را رد کنیم، دیگر دلار ارز اصلی دنیا نخواهد بود/ابزارهایی برای واکنش به نقض تحریم تسلیحاتی داریم، ۱۳۹۴/۵/۲۰.

ناکارآمدی تحریم‌ها در پیشرفت هسته‌ای ایران

ایستادگی ملت ایران و دولت نهم موجب شد طرف آمریکایی راه تحریم‌ها را ناکارآمد قلمداد کند و از ضرورت مذاکره سخن بگوید. تحریم‌ها نه تنها ایران را از دستیابی به انرژی هسته‌ای باز نداشته بود بلکه به حرکت او شتاب نیز بخشید. جان کری در مصاحبه با شبکه سی ان ان با اشاره به افزایش توان غنی‌سازی ایران در دوره جورج بوش با طعنه به دولت قبل تأکید کرد: «زمانی باراک اوباما روی کار آمد ایران دارای ۱۹ هزار شانتریفیوژ فعال بود.»^{۲۶}

مذاکرات از چه زمانی آغاز شد؟ واسطه‌ی مذاکره کدام کشور بود؟

رهبر انقلاب می‌فرماید: «من یک تاریخچه‌ی کوتاهی از این مذاکرات عرض بکنم. این مذاکراتی که در واقع فراتر از مذاکرات ما با پنج به علاوه‌ی یک است؛ مذاکره‌ی با آمریکایی‌هاست. متقاضی این مذاکرات آمریکایی‌ها بودند. مربوط به زمان دولت دهم هم هست. قبل از آمدن این دولت این مذاکرات شروع شد. آنها درخواست کردند، واسطه‌ای قرار دادند و یکی از محترمین منطقه، آمد اینجا با من ملاقات کرد، گفت که رئیس‌جمهور آمریکا با او تماس گرفته و از او خواهش کرده و گفته است که ما می‌خواهیم مسئله‌ی هسته‌ای را با ایران حل‌وفصل کنیم و تحریم‌ها را هم می‌خواهیم برداریم. دو نقطه‌ی اساسی در حرف او وجود داشت: یکی اینکه گفت ما ایران را به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای خواهیم شناخت؛ دوم اینکه گفت ما تحریم‌ها را در ظرف شش‌ماه به تدریج برمی‌داریم. بیاید بنشینید مذاکره کنید، این کار انجام بگیرد. من به آن واسطه‌ی محترم گفتم که ما به آمریکایی‌ها اطمینانی نداریم، به حرف اینها اطمینانی نیست. گفت حالا امتحان کنید؛ گفتیم خیلی خُب، این دفعه هم امتحان می‌کنیم. مذاکرات این‌جوری شروع شد.»^{۲۷}

ایشان پیش از این نیز تصریح کردند: «بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر می‌کنند در قضیه‌ی هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمی‌کنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی‌درپی اظهارات سخیف آمریکایی‌ها را...»^{۲۸}

مذاکرات در دولت دهم و با اصرار طرف آمریکایی آغاز شد. رهبر انقلاب در آن سال‌ها مکرراً از تقاضای آمریکایی‌ها برای مذاکره سخن به میان آوردند و این تقاضا را با عملکرد طرف آمریکایی در تعارض دانستند. با این همه کلید خوردن مذاکرات در اواخر دولت دهم تا مدت‌ها علنی نشد. طرف مذاکره در داخل کشور نیز برخلاف برخی شایعات، نمایندگان رهبری نبودند بلکه برخی مسئولین دولت دهم و نه خود دولت این مسیر را پیش می‌بردند.

البته نامه‌نگاری‌هایی هم در آغاز بین رهبری و اوباما صورت پذیرفت. رهبر انقلاب با اشاره به دروغ‌گویی و عهدشکنی طرف آمریکایی تصریح کردند: «من نمونه‌های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحثش نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که آمریکایی‌ها کردند، رئیس‌جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری‌اند، حرفشان چقدر اهمیت

^{۲۶} سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴/۴/۳۰.

^{۲۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^{۲۸} بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸.

و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فریب لبخند و وعده‌ی دروغ اینها را نخوریم.^{۲۹}

آن روزها حتی محمود احمدی‌نژاد نیز با وجود اینکه در سفر خود به نیویورک در خصوص پرونده‌ی هسته‌ای تصریح کرده بود "این موضوع بین ایران و آمریکاست و اگر امروز آمریکا خود را از آن کنار بکشد، دیگر کسی در جهان ادعایی علیه ایران ندارد و لذا معتقدم باید در عرصه‌ای جدا از مذاکرات هسته‌ای آن را حل و فصل کنیم"^{۳۰}، با شرایطی که مذاکرات در آن شکل گرفت موافق نبود و در جلسه‌ی هیئت دولت نیز بر این مسئله تأکید کرده بود.^{۳۱}

چه کسی در دولت مجوز مذاکره را گرفت و کار را پیش بُرد؟

علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در جمع تعدادی از فعالین جریان اصلاحات با اشاره به مذاکرات هسته‌ای در زمان حضور دکتر سعید جلیلی گفت: «در زمان آقای دکتر جلیلی به دلیل نبود موضع بی‌طرفی در میان کشورهای درگیر در موضوع، مذاکرات به نتیجه‌ی خاصی نرسید. ما شاهد بودیم که فاصله‌ی نشست‌ها نامنظم بود و از فاصله‌ی نشست قبلی تا بعدی همه چیز یک‌باره تغییر می‌کرد و طرف‌های مذاکره با رویکرد جدیدی وارد مذاکرات می‌شدند.» وی افزود: «زمانی که اینجانب به وزارت خارجه رفتم قبل از انتخابات دوم آقای اوباما، ما متوجه شدیم که مذاکرات با این گروه، راه به جایی نمی‌برد. زیرا برخلاف تلاش گروه مذاکره‌کننده‌ی ایرانی، آنها آمادگی تعامل و همکاری با ایران را نداشتند. مذاکره همزمان با شش کشور بسیار سخت بود ضمن اینکه وزن و جایگاه کشورها نیز با یکدیگر متفاوت بود. بدین معنا که میزان تأثیر ایالات متحده نسبت به سایر کشورهای درگیر در موضوع بیشتر بود.»

او با اشاره به ملاقاتش در آن مقطع با رهبر معظم انقلاب تصریح کرد: «بنده به عنوان وزیر خارجه خدمت مقام معظم رهبری رسیدم و درخواست کردم راه دیگری را امتحان کنیم. آمریکایی‌ها در آن زمان پیشنهاد خود را از طریق عمان به ما اعلام کرده بودند بنابراین اینجانب با توجه به وزنی که آمریکا در مذاکرات داشت، از محضر مقام معظم رهبری تقاضا کردم که اجازه دهند ما مسیر دوم را امتحان کنیم. ایشان با توجه به سابقه‌ای که آمریکا داشت، فرمودند: "آمریکا عهدشکنی می‌کند." اینجانب عرض کردم که اجازه دهند برای اتمام حجت هم که شده ما این مذاکره را انجام دهیم؛ اگر به نتیجه نرسیدیم، برای همگان روشن خواهد شد که این طرف مقابل است که می‌خواهد لجاجت کند. با بزرگواری مقام معظم رهبری با انجام این گفت‌وگوها موافقت شد. البته ایشان شروطی را برای این کار مقرر فرمودند.»

رئیس سازمان انرژی اتمی در خصوص شروط مقام معظم رهبری برای مذاکره با طرف آمریکایی در آن مقطع گفت: «ایشان شروطی را تعیین کردند. یکی اینکه مذاکره برای مذاکره نباشد تا آمریکایی‌ها بخواهند وقت‌کشی کنند.

^{۲۹} خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

^{۳۰} پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، دکتر احمدی‌نژاد در دیدار با جمعی از نخبگان آمریکایی: جامعه انسانی راهی جز رفتن به سوی گسترش دوستی‌ها و همکاری‌ها ندارد، ۱۳۹۱/۷/۴.

^{۳۱} دکتر الهام در این خصوص می‌گوید: «من در جلسه‌ای که در دولت بودم آقای دکتر احمدی‌نژاد خطاب به وزیر امور خارجه تصریح کردند که موضوع مذاکره با آمریکا مربوط به دولت نیست و مسئول آن نظام است. احمدی‌نژاد گفت شما هم در این قضیه به توصیه‌ی من، اعتبار سیاسی و علمی را خرج نکن چون که آسیب می‌بینید؛ خودتان می‌دانید، من مخالفت نمی‌کنم ولی من موافق نیستم و آن را منجر به نتیجه نمی‌دانم.» الهام همچنین به اظهار نظر دیگر احمدی‌نژاد اشاره می‌کند که همان زمان ابراز شد: «در جلسه عالی سران کشور با حضور مسئولین همه قوا، من در آنجا گفتم که در این شرایط موافق با مذاکره نیستم.» (سایت خبری صابرنیوز، در دولت قبل چه کسی به دنبال مذاکره با آمریکا بود؟، ۱۳۹۳/۲/۶) احمدی‌نژاد اگر چه پیشتر در نیویورک از ضرورت حل و فصل پرونده هسته‌ای با آمریکا در عرصه‌ای جداگانه سخن گفته بود و اظهاراتش واکنش‌ها و مخالفت‌هایی را نیز در داخل داشت، اما در آن شرایط موافق روندی که آغاز شده بود، نبود.

شرط دیگر اینکه مذاکره فقط اختصاص به موضوع هسته‌ای داشته باشد و درباره‌ی روابط دوجانبه و موضوعات دیگر نباشد.^{۳۲}

صالحی در گفت‌وگو با روزنامه ایران نیز ماجرا را این گونه شرح می‌دهد: «رهبر معظم انقلاب نکاتی را مورد اشاره قرار دادند که شامل این موارد بود "نمی‌توانیم به آمریکایی‌ها اعتماد کنیم؛ با توجه به خلف وعده‌ای که می‌کنند، تجربه‌ی بدی از آنها داریم. آنها هیچ وقت پایبند به عهد و پیمان نبودند." اینجانب در ادامه عرض کردم "اگر اجازه دهید برای اتمام حجت در این زمینه اقدام کنیم، به هر حال چیزی را از دست نمی‌دهیم یا به نتیجه می‌رسیم یا نمی‌رسیم. این مذاکرات، محرمانه هم خواهد بود و سعی می‌کنیم آنها سوءاستفاده نکنند." حضرت آقا در نهایت فرمودند که برای اتمام حجت، امر درستی است با این کار مخالفتی ندارم، اما چند شرط دارم. اول؛ مذاکره فقط در ارتباط با مسئله‌ی هسته‌ای باشد یعنی در خصوص مسئله‌ی روابط دوجانبه هیچ مذاکره‌ای انجام نشود. دوم؛ هشیار باشید تا مانند گفت‌وگو با ۱+۵ بازی "مذاکره برای مذاکره" نشود و در همان یکی دو جلسه‌ی اول بتوانید به یک جمع بندی برسید.^{۳۳}

وزیر سابق امور خارجه در مورد هماهنگی‌ها پس از موافقت رهبر معظم انقلاب گفت: «پس از موافقت با معظم‌له، ضروری بود تا هماهنگی‌هایی در سطح دولت انجام گیرد که در این مرحله با مشکل مواجه شدیم و با یک سری ناهماهنگی‌ها روبه‌رو شدیم.»

وی افزود: «البته آمریکایی‌ها هم اصرار داشتند که این کار قبل از انتخابات آنها انجام شود. با اینکه ما ارتباط مکاتبه‌ای غیر رسمی از طریق عمان داشتیم، اما مذاکره‌ی حضوری دیر اتفاق افتاد.»

رئیس سازمان انرژی اتمی به برقراری جلسه اول ملاقات تیم مذاکره کننده ایرانی و آمریکایی اشاره کرد و گفت: «بالاخره ما جلسه اول را برگزار کردیم و در آن زمان معاون وزارت خارجه آقای "خاجی" به اتفاق تعدادی از مدیران کل وزارتخانه، به عنوان مسئول مذاکره به این جلسه رفتند و در جلسه‌ی اول روی یک سری اصول، موافقت‌های اولیه انجام شد اما جلسه‌ی دوم به دلیل همین عدم هماهنگی‌ها به تعویق افتاد. هر چقدر ما فشار آوردیم کار پیش نمی‌رفت و در نهایت جلسه‌ی دوم هم برگزار شد که همه‌ی این موارد مستند است.»

وی درخصوص موانع پیش آمده گفت: «نامه‌نگاری‌ها و بداخلاقی‌هایی که در این فرایند انجام شده به صورت مستند وجود دارد که تاریخ در مورد آن قضاوت خواهد کرد.» وی یادآور شد: «من در دولت گذشته مصاحبه‌ای را انجام دادم پس از آنکه این اجازه را گرفتم گفتم به زودی شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود البته با این تصور که می‌توانیم این مذاکرات را به راحتی جلو ببریم و نمی‌دانستم با مانع مواجه می‌شویم.»

وزیر سابق امور خارجه با اشاره به جلسه دوم این مقطع از مذاکرات اظهار داشت: «خوشبختانه بار دوم منجر به این شد در نامه‌ای که سلطان عمان برای آقای دکتر احمدی‌نژاد نوشت این نکته ذکر شد که نماینده آمریکا و نماینده ایران نزد بنده آمدند و نمایندگان آمریکا اعلام کردند که غنی‌سازی را به رسمیت می‌شناسند. این نخستین قدمی بود که در راه مذاکرات برداشته شد. پس از آن، چارچوب مورد نظر برای ادامه‌ی کار مشخص شد.»

رئیس سازمان انرژی اتمی به رویدادهای جلسه سوم اشاره کرد و گفت: «همین اتفاقات موجب شد که ما به جلسه سوم برویم که به آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایران رسیدیم. برای هر دور از این گفت‌وگوها آنقدر انرژی و وقت

^{۳۲} سایت خبری جهان‌نیوز، جزئیات مذاکرات ایران و آمریکا در دولت‌دهم، ۱۳۹۴/۵/۱۲.

^{۳۳} روزنامه ایران، ویژه‌نامه‌ی از تولد تا توافق، جعبه سیاه مذاکره محرمانه ایران و آمریکا.

صرف گردید که تا این حد زمان بر شد. اما نتیجه این بود که خود آمریکایی‌ها متعهد شده بودند که توافقاتی که با ما انجام می‌دهند را خودشان به گروه ۵+۱ اعلام کنند. زیرا در نهایت ما باید از مسیر همین گروه به نتیجه می‌رسیدیم.»
 صالحی افزود: «در آستانه دور سوم مذاکرات، اراده‌ی مقام معظم رهبری بر این تعلق گرفت که ادامه‌ی مذاکرات به دولت یازدهم واگذار شود و در نهایت با شروع به کار دولت آقای روحانی وقتی ما خدمت ایشان رسیدیم و گزارش فرایند کار را ارائه دادیم، روند اجرای کار بسیار برای ایشان شایان توجه بود.»

وی افزود: «در دولت آقای دکتر روحانی، کمیته سیاسی تشکیل شد که جناب آقای ظریف و تنی چند از مشاوران رئیس‌جمهور در آن حضور داشتند. من از آقای خاجی و آقای عراقچی درخواست کردم که این کمیته را در جریان امور قرار دهند. خوشبختانه در دولت یازدهم با همدلی و همکاری جمعی، راه باز شد. ریاست محترم جمهوری، وزیر محترم امور خارجه و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، جملگی هم‌فکر بودند و همین موضوع به پیشبرد امور سرعت بخشید.»

وزیر سابق امور خارجه تصریح کرد: «این روایت مستند و تاریخی از یک فرایند سخت بود اما بدون تردید، شخص مقام معظم رهبری هستند که راهگشای این فرایند بودند. اینجانب صرفاً نقش انتقال‌دهنده‌ی پیشنهادات را بر عهده داشتم.»^{۳۴}

صالحی در مورد مطرح شدن تداوم پیگیری مذاکره در دولت یازدهم در مصاحبه با روزنامه ایران نیز می‌گوید: «آقای دکتر روحانی، کمیته‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... تشکیل دادند. آقای ظریف و آقای زمانی‌نیا هم در این کمیته‌ها حضور داشتند. آن هنگام آقای عراقچی به عنوان معاون وزارت امور خارجه به همراه آقای جلیلی در مذاکره با گروه ۵+۱ حضور داشت. من آقای عراقچی را به عنوان رابط و نماینده‌ی وزارت امور خارجه با کمیته‌های تشکیل شده‌ی مرتبط توسط آقای روحانی تعیین کردم تا دوستان دولت یازدهم را در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ قرار دهد. آقای خاجی را هم مأمور گزارش‌دهی - همراه با مستندات و مدارک - درباره‌ی مذاکرات محرمانه‌ی ایران و آمریکا کردم. خودم هم نامه‌ای برای آقای دکتر روحانی نوشتم و خدمت ایشان هم رفتم و گفتم که ما چنین مذاکراتی را با آمریکا انجام دادیم و الان هم بنا به توصیه‌ی رهبر معظم انقلاب این مذاکرات را متوقف کردیم تا حضرتعالی این مسیر را ادامه دهید. آقای روحانی وقتی در جریان جزئیات این مذاکرات قرار گرفتند، موضوع برایشان باورپذیر نبود. به ایشان گفتم که حضرتعالی بعد از اینکه تنفیذ انجام شد، این مسئله را سرعت دهید. خدای نکرده آن را رها نکنید تا مانند گذشته، حدود هشت ماه را به عنوان فاصله‌ی تشکیل دو جلسه از دست ندهیم.»^{۳۵}

چه شد رهبری موافقت کردند؟/رونمایی از وضع داخلی، طرح اوپاما و مدیریت رهبری

کسی نبود که فرمایشات رهبرانقلاب را خوانده باشد و دریافته باشد که ایشان کشور را در وضعیت بدر و خیر می‌دیدند و مشکلات موجود را نیز چون گذرگاهی برآورد می‌کردند که تنها با مقاومت می‌توان و باید از آن عبور کرد. رهبرانقلاب در دیدار مهمی با کارگزاران نظام در مردادماه ۹۱ این صحنه را به طور کامل تبیین کردند. ایشان به انعطاف‌های گذشته اشاره کردند و توضیح دادند که آن انعطاف‌ها هیچ‌گاه کاری از پیش نبرده. ایشان فرمودند: «در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبهه‌ی دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه‌هایی عقب‌نشینی کردیم - مثلاً یک وقت گفتیم بگذارید بهانه را از دست دشمن بگیریم، یک وقت گفتیم بگذارید سوءظن دشمن را از خودمان زائل کنیم -

^{۳۴} سایت خبری جهان‌نیوز، جزئیات مذاکرات ایران و آمریکا در دولت‌دهم، ۱۳۹۴/۵/۱۲.

^{۳۵} روزنامه ایران، ویژه‌نامه‌ی از تولد تا توافق، جعبه سیاه مذاکره محرمانه ایران و آمریکا.

دشمن مواضع گستاخانه‌تری علیه ما گرفته. در آن روزی که ادبیات مسئولین ما آلوده شد به حرف‌ها و تعبیرات تملق‌آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غربی، در آن روز اینها ما را "محور شرارت" معرفی کردند! چه کسی؟ آن کسی که خودش مجسمه‌ی شرارت بود. رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - مجسمه‌ی شرارت - ایران اسلامی را "محور شرارت" معرفی کرد! این کی بود؟ آن وقتی که ما در ادبیات خودمان، در اظهارات خودمان، حرف‌های تملق‌آمیز نسبت به غرب و نسبت به آمریکا و اینها را تکرار می‌کردیم. اینها اینجوری‌اند. در همین قضیه‌ی هسته‌ای، آن وقتی که ما با اینها همراهی کردیم و عقب‌نشینی کردیم - البته برای ما تجربه‌ای بود، اما این واقعیت است - اینها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین حسینی‌ه گفتم اگر بنا باشد که این روال از سوی آنها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم.»

ایشان ادامه دادند: «عقب‌نشینی‌ها آنها را گستاخ‌تر کرد، طلبکارتر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آنها گفتند نمی‌شود! اینها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمی‌شود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمی‌شود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطاف‌ها را ادامه می‌دادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای که هیچ خبری نبود، به این نشاط علمی هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده - این حرکت علمی، این جوان‌ها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفت‌های گوناگون در بخش‌های مختلف - قطعاً لطمه می‌خورد؛ چون اولاً نسبت به هر یک از آنها ممکن بود یک بهانه‌ای بیاورند؛ ثانیاً حرکت هسته‌ای و صنعت هسته‌ای، نماد پیشرفت یک کشور است.»

رهبر انقلاب در مقام ارائه‌ی راهبرد، شرایط موجود را به یک گذرگاه تشبیه کردند. ایشان فرمودند: «اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهایی که الان آنها تهدید می‌کنند، تحریم می‌کنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستی، هیچ‌کس ذی‌نفع از این تحریم‌ها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند. خُب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمی‌تواند خیلی ادامه پیدا کند - یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریم‌های نفتی و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانی هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما می‌خواهیم، آنها دنبال راه‌حل می‌گردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد. خُب، اینها واقعیت‌های ملموس است. اینهایی که عرض کردم، هیچ‌کدامش تحلیل نبود، ذهنی نبود؛ چیزهایی است که مشاهده می‌کنیم.»^{۳۶} امروز با اظهارات باراک اوباما در مورد عدم امکان تداوم تحریم‌ها حکمت بیانات آن روز رهبر انقلاب بیش از پیش روشن شده است.

رهبر انقلاب در همان سخنرانی که تصریح کردند من انقلابی‌ام، در بهمن‌ماه سال ۹۱ فرمودند: «یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی بعضاً، بعضی هم از روی غرض - نمی‌شود انسان قضاوت قطعی نسبت به اشخاص بکند، اما کار آدم ساده‌لوح، با کار آدم مغرض، در ماهیت خود تفاوتی پیدا نمی‌کند - خوشحال می‌شوند که بله، بیاید؛ نه، اینجور نیست، مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند؛ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند؛ کجا اینها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور

^{۳۶} دیدار با کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳.

اعتماد کردند، ضربه خوردند. یک روزی مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، به آنها تکیه کرد، آنها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه‌ی پهلوی را سال‌های متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه‌ای مسئولین کشور روی خوش‌بینی‌های خود به اینها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را در محور شرارت قرار داد. مظهر شرارت شماست؛ شما هستید که در دنیا دارید شرارت می‌کنید، جنگ راه می‌اندازید، ملت‌ها را می‌چاپید، از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنید، ملت‌های به‌پاخاسته را در این ماجرای بیداری اسلامی تا هر جا که بتوانید دچار سرکوب می‌کنید و به استضعاف می‌کشید و بین آنها اختلاف می‌اندازید؛ شرارت متعلق به شماست؛ شأن شماست. ملت ایران را متهم کردند به شرارت؛ اهانت بزرگ. هر جا به اینها اعتماد شد، اینها این جوری حرکت کردند. باید حُسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه‌ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟»

ایشان ادامه دادند: «امروز ملت ایران بیدار است. چهره‌ی آمریکا نه فقط در ایران، در منطقه شناخته شده است؛ ملت‌ها به آمریکا سوء ظن دارند و این سوء ظن قرائن متعددی برای آنها دارد؛ ملت ایران هم دست آمریکا را خوانده است، می‌فهمد که مقصود آنها چیست؛ ملت بیدار است. امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را مجدداً در این کشور برقرار کنند، بخواهند از منافع ملی، از پیشرفت علمی، از حرکت مستقل صرف‌نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت؛ بنده هم اگر بخواهم بر خلاف این حرکت عمومی و خواست عمومی حرکت کنم، ملت اعتراض خواهد کرد؛ معلوم است. همه‌ی مسئولین موظفند منافع ملی را رعایت کنند؛ استقلال ملی را رعایت کنند؛ آبروی ملت ایران را حفظ کنند.»^{۳۷}

ایشان چند روز بعد نیز طی سخنانی فرمودند: «بحث مذاکره را پیش کشیدند، که ایران بیاید بنشینیم مذاکره کنیم. همین رفتار غیرمنطقی، در این دعوت به مذاکره هم وجود دارد. غرض آنها حل مشکلات و مسائل نیست - که من بعد توضیح خواهم داد - غرضشان یک کار تبلیغاتی است برای اینکه به ملت‌های مسلمان نشان دهند که ببینید این نظام جمهوری اسلامی بود با آن سرسختی، با آن ایستادگی، اما عاقبت مجبور شد بیاید باب مصالحه و گفت‌وگو را با ما باز کند. وقتی ملت ایران اینجور است، شماها چه می‌گوئید دیگر؟ این را برای خاموش کردن و ناامید کردن ملت‌های سربرافراشته‌ی مسلمان که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی اینها نسیم بیداری وزیده است و به خاطر اسلام احساس عزت می‌کنند، لازم دارند. از اول انقلاب، این یکی از هدف‌ها بود. از سال‌های اول انقلاب، یکی از هدف‌های آنها همین بود که ایران را پای میز مصالحه و بده‌بستان بکشانند؛ بگویند بالاخره دیدید ایران هم که ادعا می‌کرد مستقل است، ایستاده است، نترس است، شجاع است، مجبور شد بیاید بنشیند پای میز مذاکره؟ امروز هم همین هدف را دنبال می‌کنند. این، مطلب مهمی است. وقتی هدف از مذاکره، یک هدف غیرمربوط به مسائل اساسی است، یک هدف تبلیغاتی است، حُب معلوم است طرف مقابل که جمهوری اسلامی است، خام نیست، چشم‌پسته نیست، می‌فهمد که هدف شما چیست؛ لذا متناسب با همان نیت خودتان، جواب شما را می‌دهد.»

^{۳۷} بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.

رهبر انقلاب به سوابق شیطنت‌های طرف مقابل اشاره کردند: «مأمورین دولتی - معمولاً یک نفر، دو نفر - رفتند یک جایی نشستند صحبت کردند؛ به مجرد اینکه حرف منطقی اینها بیان شد و آنها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکرها قطع شد! البته استفاده‌ی تبلیغاتی‌شان را هم کردند. این، تجربه‌ی ماست. خب، "من جرب المجرب حلت به الندامة."»

ایشان تأکید کردند: «در تبلیغات وانمود می‌کنند که اگر ایران با آمریکا سر میز مذاکره بنشیند، تحریم‌ها برداشته می‌شود. این هم دروغ است. هدفشان این است که با وعده‌ی برداشتن تحریم‌ها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره‌ی با آمریکا پیدا کند. تصور آنها این است که ملت ایران دیگر از تحریم‌ها به ستوه آمده‌اند، پدرشان دارد در می‌آید، همه چیز به هم ریخته است؛ پس ما بگوئیم خیلی خُب، بیائید مذاکره کنید تا تحریم را برداریم، یکپهو جمعیت ملت ایران راه بیفتند که بله، بیائید مذاکره کنیم. این حرف هم از همان حرف‌های غیر منطقی و همراه با فریب و یک وسیله‌ای برای زورگوئی است. اولاً - همان طور که عرض کردیم - اینکه می‌گویند بیائید مذاکره کنیم، مقصودشان از مذاکره، واقعاً یک گفت‌وگوی عادلانه و منطقی نیست؛ مذاکره یعنی شما بیائید حرف‌های ما را قبول کنید، تسلیم شوید، تا ما تحریم‌ها را برداریم. خُب، اگر ملت ایران می‌خواستند تسلیم شوند، چرا انقلاب کردند؟ آمریکا بر اوضاع ایران مسلط بود و هر کار دلش می‌خواست، می‌کرد. ملت ایران انقلاب کردند برای اینکه از زیر یوغ آمریکا خارج شوند؛ حالا بیایند بنشینند باز مجدداً تسلیم شما شوند؟ این، اشکال اول. اشکال بعد این است که تحریم‌ها با مذاکره برداشته نخواهد شد؛ این را من به شما عرض بکنم. هدف تحریم‌ها چیز دیگری است. هدف تحریم‌ها خسته کردن ملت ایران است، جدا کردن ملت ایران از نظام اسلامی است. مذاکره هم که انجام بگیرد، اگر ملت ایران باز در صحنه باقی باشد و بر حقوق خود اصرار بورزد، این تحریم‌ها وجود خواهد داشت.»^{۳۸}

رهبر انقلاب در فروردین ماه ۹۲ با تأکید بر اینکه به گفت‌وگوها خوش بین نیستند اما مخالفت هم ندارند، تصریح کردند: «اگر آمریکائی‌ها صادقانه می‌خواهند کار تمام شود، بنده راه حل را ارائه می‌دهم. راه حل این است: آمریکائی‌ها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند، از دشمنی با ملت ایران دست بردارند. پیشنهاد مذاکره، حرف منطقی و متین و مستدلی نیست؛ حرف درست این است. اگر می‌خواهند مشکلات فی‌مابین وجود نداشته باشد - که می‌گویند ما می‌خواهیم بین ایران و آمریکا مشکلی وجود نداشته باشد - دست از دشمنی بردارند.»^{۳۹}

پس رهبر انقلاب تصریح دارند عقب‌نشینی‌ها آنها را گستاخ‌تر و طلبکارتر کرد، با مقاومت مدبرانه نه تنها حربه‌ی تحریم کُند می‌شود بلکه امکان تکرار آن هم از بین می‌رود، مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند، کسانی که فکر می‌کنند با مذاکره مشکل حل می‌شود، ساده‌لوح یا مغرض هستند، هدف آمریکا از مذاکره تبلیغاتی است و می‌خواهند به ملت‌های مسلمان بگویند ایران هم با آن سرسختی پای میز مذاکره آمد، اینکه در تبلیغات وانمود می‌کنند با مذاکره تحریم‌ها برداشته می‌شود، دروغ است، مذاکره هم که انجام بگیرد، این تحریم‌ها وجود خواهد داشت و...

پرسشی که پیش می‌آید این است که رهبر انقلاب با این دیدگاه‌ها اصلاً چرا با مذاکره موافقت کردند؟! مگر رهبر انقلاب نفرمودند من انقلابی‌ام؛ دیپلمات نیستم و حرفم را صریح می‌زنم؟ وقتی با مذاکره مشکلی حل نمی‌شود و حتی تحریم‌ها هم برداشته نخواهد شد و مهمتر از همه هدف آمریکا از طرح مذاکره بازی تبلیغاتی است، چرا باید مذاکره را پذیرفت؟! آیا این افتادن در دام آمریکا نبود؟

^{۳۸} بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

^{۳۹} بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

پرسش جدی دیگری که پیش می‌آید این است که آقای صالحی در شرایطی که رهبر انقلاب مواضع این‌چنینی داشتند و محمود احمدی‌نژاد هم به عنوان رئیس‌جمهور با چنین مذاکراتی موافق نبود، با کدام پشتوانه و چگونه توانست موافقت رهبر انقلاب را کسب کند؟!

ماجرای ضرورت مذاکره در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به اوج خود می‌رسد تا آنجا که علی‌اکبر ولایتی که مشاور رهبر انقلاب نیز هست، پیکان نقد خود را به سوی سعید جلیلی می‌برد و می‌گوید: «دیپلماسی این نیست که فقط بنشینند بیانیه بدهند و حرف‌هایی را بزنند.» او تأکید می‌کند: «جناب آقای جلیلی! بحث دیپلماسی، کلاس فلسفه نیست.»^{۴۰}

احمد پورنجاتی نماینده‌ی مشارکتی مجلس ششم چند روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری با تجلیل از نقش ولایتی در مناظره‌ها به نکته‌ی مهمی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «اینگونه نبود که بخشی از کاندیداهایی که در جبهه اصول‌گرا تعریف می‌شدند خود خواسته و اتفاقی موضوعی را بگیرند که نهایتاً به سود کاندیدای پیروز باشد. تمام اینها با برنامه‌ریزی بود به این معنا که با تدبیر عقلانی همراه بود. به عنوان نمونه موضع‌گیری آقای ولایتی در مسائل سیاست خارجی و مواجهه‌ی ایشان با آقای جلیلی صرفاً به خاطر خاستگاه شخصی ایشان نبود بلکه نتیجه تدبیر عقلانی بود که به شکل دقیقی اندیشیده شده بود. من این را با اطلاع می‌گویم و تحلیل نیست.»^{۴۱} او توضیح نمی‌دهد که این تدبیر عقلانی کجا، چگونه و در چه فرآیندی اندیشیده شده بود و آیا فرد خاصی محور همگرایی ولایتی و روحانی بود یا نه.

برخلاف نگاهی که ولایتی در مناظرات انتخاباتی نیز طرح کرد، علی‌اکبر صالحی اما معتقد است این طرف غربی بوده که نمی‌خواسته با جلیلی به توافق برسد. او تصریح می‌کند: «اینجانب از زمانی که پرونده‌ی ساختگی هسته‌ای ایجاد شد، در جریان همه‌ی جزئیات این چالش قرار داشتم و به عنوان کسی که قبلاً مسئولیت نمایندگی ایران در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را عهده دار بود، بر موضوع هسته‌ای متمرکز شده و به عنوان نمونه با رسانه‌های بین‌المللی زیادی درباره‌ی این موضوع مصاحبه داشته یا مقاله نوشتم؛ بعدها که به سازمان انرژی اتمی و پس از آن به وزارت خارجه رفتم با توجه به سوابق کاری متوجه شدم ظاهراً کشورهای عضو گروه ۵+۱ با شیوه‌ای که در پیش گرفته‌اند، خیلی دنبال دستیابی به نتیجه نیستند. هر بار که تیم مذاکره‌کننده‌ی ایران در مذاکرات حضور می‌یافت، طرف مقابل، موانع جدیدی را برای ایران ایجاد می‌کرد و به جای برطرف شدن موانع، یک "مذاکره برای مذاکره"ی دیگر، به فهرست مطول مذاکرات قبلی، اضافه و کار مذاکره‌کنندگان ما سخت‌تر می‌شد.»

صالحی در پاسخ به اظهارنظر مصاحبه‌کننده که گفت "البته طرف مقابل مدعی بود که ایران خیلی در مذاکره جدی نیست و جلیلی را متهم می‌کردند که به جای مذاکره‌ی هسته‌ای، در نشست‌ها مسائل غیر مرتبط و شعاری مطرح می‌کند..."، تصریح کرد: «خیر. بنده در جریان بودم که ایران جدی بود. آقای جلیلی خودسرانه کار نمی‌کرد؛ کمیته‌های متعددی در شورای عالی امنیت ملی وجود داشت. نمایندگان نهادها و سازمان‌های مختلف از جمله سازمان انرژی اتمی و وزارت خارجه در این کمیته‌ها حضور داشتند و موضوعات را مورد بررسی قرار می‌دادند. آقای دکتر جلیلی در این چارچوب کار می‌کرد.»

^{۴۰} سایت خبری رجانیز، جلیلی: آقای ولایتی این‌ها را برای ثبت در تاریخ می‌گویم/رهبرانقلاب نوشتند این گزارش را ایشان از کجا می‌گویند؟!/ولایتی: بحث دیپلماسی کلاس فلسفه نیست؛ با سارکوزی توافق کردیم که پرونده هسته‌ای حل شود، ۱۳۹۲/۳/۱۷.

^{۴۱} سایت خبری رجانیز، پس از دو سال ولایتی اظهاراتش در مناظره‌های انتخاباتی را نقض کرد: عادت آمریکا همین است که بعد شروع مذاکرات دبه می‌کند!، ۱۳۹۴/۲/۲۸.

او در پاسخ به اینکه "پس معتقدید اراده‌ی لازم برای انجام و پیشبرد مذاکره در تیم ایرانی وجود داشت؟"، می‌گوید: «بله. ایران به دنبال رسیدن به نتیجه بود اما در همان برهه به این نتیجه رسیدم که مذاکره‌ی همزمان با گروه ۵+۱ مشکل است، زیرا این گروه تحت ریاست یک کشور واحد، مذاکره نمی‌کرد. خانم اشتون به عنوان نماینده‌ی "اتحادیه اروپا" حضور داشت، اما سه کشور مذاکره‌کننده‌ی عضو "اتحادیه اروپا" شامل انگلیس، فرانسه و آلمان، (EU۳) خود را مجموعه‌ی جدایی از گروه (E۳) متشکل از امریکا، چین و روسیه می‌دانستند.»

او می‌افزاید: «مذاکرات هسته‌ای نخستین بار در دوره‌ی مسئولیت جناب آقای دکتر روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی با سه کشور عضو اتحادیه اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) آغاز شد و بعدها سه کشور دیگر امریکا، چین و روسیه هم به آن پیوستند. یعنی مذاکرات در قالب (EU۳) + (E۳) دنبال شد که هیچ کشوری، ریاست آنها را بر عهده نداشت و معلوم نبود چه کسی باید مذاکرات را از جانب آنها مدیریت کند. به همین دلیل، قرار شد شخصیتی مثل خانم اشتون یا قبل از آن آقای سولانا، مدیریت مذاکره را از جانب آنان عهده‌دار شود اما عملاً شاهد بودیم باز همان مشکلات سابق ادامه یافته است به عنوان مثال، وقتی خانم اشتون در فرایند مذاکره درصدد انعطاف و کوتاه آمدن درباره‌ی یک موضوع برمی‌آمد، کافی بود یک کشور مخالفت کند؛ در چنین موقعیتی قضیه پیچیده می‌شد. در واقع، هر دفعه، بنا به اراده و منویات کشورها از یک جلسه تا جلسه‌ی بعدی به جای اینکه موانع گذشته رفع شود، موانع دیگر هم ایجاد می‌شد.»

او در پاسخ به این سؤال که "یعنی در فاصله‌ی برگزاری دو نشست، نه تنها جمع‌بندی حاصل نمی‌شد بلکه مطالبات جدید هم افزوده می‌شد؟"، می‌گوید: «بله، برداشت اینجانب این‌گونه بود. به همین دلیل به نتیجه رسیدم که ادامه‌ی مذاکره به آن شیوه، سرانجامی نخواهد داشت؛ اگرچه مذاکره‌کنندگان ایرانی در چارچوبی که نتیجه‌ی مفاهمه‌ی تعداد زیادی از نهادهای تصمیم‌ساز نظام بود، واقعاً زحمت می‌کشیدند اما در عمل، مذاکرات بی‌نتیجه می‌ماند.»^{۴۲}

در طرف مقابل این آمریکا بود که علناً از مذاکره می‌گفت و ایران را به مذاکره فرامی‌خواند. اولین نامه‌ی اوپاما در اردیبهشت‌ماه ۸۸ و قبل از انتخابات ارسال شد. تابناک در این خصوص نوشت: «باراک اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا در اردیبهشت‌ماه امسال و پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران، نامه‌ای برای رهبری ایران فرستاد که رهبر انقلاب، همان هنگام پاسخ نامه‌ی وی را همراه با استدلال‌هایی فرستادند.»^{۴۳}

در اشاره به این نامه بود که رهبر انقلاب بعد از اغتشاشات خیابانی سال ۸۸ تصریح کردند: «از قول رئیس‌جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابان‌ها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرف‌ها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟»^{۴۴}

در شهریورماه ۸۸ نیز خبر ارسال دومین نامه به ایران منتشر شد.^{۴۵} روزنامه واشنگتن پست طی گزارشی محتوای نامه را بهبود روابط دو کشور اعلام کرد.^{۴۶} سومین نامه در اواخر دی‌ماه ۹۰ و در شرایطی ارسال شد که ایران گفته بود در صورت تحریم نفت ایران، تنگه‌ی هرمز را خواهد بست. علی‌مطهری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

^{۴۲} روزنامه ایران، ویژه‌نامه‌ی از تولد تا توافق، جعبه سیاه مذاکره محرمانه ایران و امریکا.

^{۴۳} سایت خبری تابناک، نامه دوم اوپاما به ایران رسید، ۱۳۸۸/۶/۱۱.

^{۴۴} خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

^{۴۵} سایت خبری تابناک، نامه دوم اوپاما به ایران رسید، ۱۳۸۸/۶/۱۱.

در گفت‌وگو با فارس در خصوص جزئیات این پیغام گفت: «در این پیغام هم گفته شده که بستن تنگه هرمز خط قرمز ماست و هم اینکه درخواست مذاکره مستقیم کرده‌اند.» این نماینده مجلس ادامه داد: «اوباما در این پیغام برای مذاکره و حل و فصل اختلافات فی‌مابین اعلام آمادگی کرده است.» مطهری در این رابطه اظهار داشت: «قسمت اول این پیغام از موضع تهدید و قسمت دوم هم از موضع دوستی و مذاکره بیان شده است.»^{۴۷}

چهارمین نامه در مهرماه ۹۳ به ایران ارسال شد. بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، اوباما در نامه خود به امکان همکاری ایران و آمریکا در مقابله با داعش اشاره کرده بود.^{۴۸}

از سوی دیگر در جریان مذاکرات هسته‌ای از آنجا که مذاکرات با دخالت‌های آمریکا مدام بی‌سرانجام می‌ماند، دولت نهم ناگزیر شده بود آمریکا را هم در جمع مذاکره وارد کند. آمریکا نیز اگر چه در گذشته مدام از پیش شرط‌های خود برای ورود به مذاکرات سخن می‌گفت اما سرانجام ناگزیر شد بدون هیچ پیش شرطی وارد مذاکرات شود. این نیز راه به جایی نبرده بود و از دیدگاه برخی مسئولین به نظر می‌رسید مسئله باید با آمریکا طرح شود.

بازی از سوی آمریکا مدت‌ها بود که با نامه‌نگاری و به مذاکره‌ی مستقیم فراخواندن ایران آغاز شده بود. مذاکرات هسته‌ای هم دچار مشکل‌هایی بود. متعاقب اصرارها و فضا سازی‌های طرف آمریکایی، در ایران نیز چهره‌هایی چون صالحی و ولایتی با پیشبرد جدی‌تر مذاکرات موافق بودند. هاشمی رفسنجانی که مدت‌ها بود که از ضرورت شکسته شدن تابوی مذاکره با آمریکا سخن می‌گفت.^{۴۹}

در کنار فضا سازی‌های آمریکا جریانی در داخل به این سمت می‌رفت که مردم را خسته از ایستادگی توصیف کند و به هر شکلی که هست ولو با برخی کوتاه آمدن‌های جدی مسئله را فیصله دهد.

این صحنه، صحنه‌ی ساده‌ای نبود؛ نه حسن روحانی بازیگر اصلی آن بود و نه ظریف. پیکاری بود که یک سوی آن پدری زیرک نشسته بود و سوی دیگر رئیس‌جمهوری متکی به حمایت لابی‌های صهیونیستی. آنچه دلالت بر جبهه‌ی انقلاب داشت هم فقط عبارت "فاستقم کما امرت" در سوره‌ی هود نبود. "و من تاب معک" نیز در این نبرد موضوعیت داشت.

تحریم‌هایی که فلج‌کننده لقب گرفتند از یک سو و دعوت‌های گاه‌وبیگاه آمریکا از ایران برای مذاکره که در قالب نامه‌نگاری‌هایی با رهبرانقلاب صورت پذیرفت، همه و همه شکستن ایران را پیگیری می‌کردند. باید مردم ایران، هم طعم تحریم‌ها را می‌چشیدند و هم از ارسال نامه‌ها خبردار می‌شدند. مشخص بود که مسئله‌ی اصلی، بحث هسته‌ای نیست. مشخص بود که اینها بهانه است برای اینکه ایران در موقعیت ضعف قرار بگیرد و از موضع راسخ خود در قبال مسائل جهانی و فراخوان زدن هایش برای تغییر نظم ظالمانه‌ی جهان کوتاه بیاید. قرار بود ایران سرگرم خودش و مسائل خودش شود. قرار بود تحریم‌ها فلج‌کننده باشد.

^{۴۷} خبرگزاری فارس، درخواست آمریکا برای مذاکره مستقیم با ایران در پیغام اوباما، ۱۳۹۰/۱۰/۲۸.

^{۴۸} خبرگزاری ایسنا، اصل ماجرای پاسخ رهبری به نامه‌اوباما چیست؟، ۱۳۹۳/۱۱/۲۵.

^{۴۹} او به عنوان نمونه در فروردین‌ماه ۹۱ تصریح کرد: «من در سال‌های آخر حیات امام(ره) نامه‌ای را خدمتشان نوشتم، تایپ هم نکردم. برای اینکه نمی‌خواستم کسی بخواند و خودم به امام دادم. در آن نامه هفت موضوع را با امام مطرح کردم و نوشتم که شما بهتر است در زمان حیاتتان، اینها را حل کنید، در غیر این صورت ممکن است اینها به صورت معضلی سدّ راه آینده کشور شود. گردنه‌هایی است که اگر شما ما را عبور ندهید، بعد از شما عبور کردن مشکل خواهد بود... یکی از این مسائل رابطه با آمریکا بود. نوشتیم بالاخره سبکی که الان داریم که با آمریکا نه حرف بزنی و نه رابطه داشته باشیم، قابل تداوم نیست. آمریکا قدرت برتر دنیا است. مگر اروپا با آمریکا، چین با آمریکا و روسیه با آمریکا چه تفاوتی از دید ما دارند؟ اگر با آنها مذاکره داریم، چرا با آمریکا مذاکره نکنیم؟ معنای مذاکره هم این نیست که تسلیم آنها شویم. مذاکره می‌کنیم اگر مواضع ما را پذیرفتند و یا ما مواضع آنها را پذیرفتیم، تمام است.» (سایت خبری رجانیوز، اظهارات عجیب هاشمی رفسنجانی در باره مذاکره و رابطه با آمریکا، ۱۳۹۱/۱/۱۵)

در این شرایط رهبر انقلاب هوشمندانه نقشه‌ی بازی را عوض کردند و طرح دیگری را در دستور کار قرار دادند و این در حالی بود که همچنان به مذاکره با آمریکا خوش بین نبودند و مواضع صریح گذشته نیز از سوی ایشان تند و تیزتر تکرار می‌شد. رهبر انقلاب با وجود پیچیدگی‌هایی که وجود داشت، کاملاً فعال عمل کردند. پای یک تغییر تاکتیک بنیادی وسط بود و این تغییر تاکتیک نیز با توجه به شرایط ایجاد شده ضروری می‌نمود. باید طرح آمریکا علیه خودش بازطراحی می‌شد. درخواست‌های آمریکا برای مذاکره نمی‌توانست تا ابد بی‌پاسخ بماند. بیم آن وجود داشت تا با شکست خوردن سیاست‌های اوباما بار دیگر سیاست‌های افراطی‌تری در آمریکا زمام کار را در دست بگیرد. منطقی این بود که ایران وارد بازی جدیدی شود. بازی‌ای که رهبر انقلاب با عنوان نرمش قهرمانانه از آن یاد کردند.

ایشان تصریح کردند: «ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد "نرمش قهرمانانه"؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فنّی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجّه داشته باشند.»^{۵۰} جنگ همان جنگ بود. ما همچنان با دشمنی طرف بودیم که دشمنی‌اش را نمی‌توانست کنار بگذارد. تنها میدان و شکل جنگ متفاوت شد و البته مذاکرات در سال‌های نخست برای کاهش بهره‌برداری طرف غربی به صورت محرمانه و غیرعلنی صورت پذیرفت. رهبر انقلاب آبان‌ماه ۹۲ تأکید کردند: «این را هم توجّه داشته باشید، این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد با شش کشور - که آمریکا هم جزو این شش کشور است - فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. بنده هم اوّل امسال در مشهد مقدّس در سخنرانی گفتم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستیم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم.»

ایشان افزودند: «یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است - که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه‌ی تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن‌وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدّتی پذیرفت. خُب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البته به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خُب یک ذره شما عقب‌نشینی می‌کردید، همه‌ی مشکلات حل می‌شد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی می‌شد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی‌شود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. امروز وضعیّت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه می‌زدیم سر دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند. جوان‌های ما، دانشمندان ما، محقّقین ما، مسئولین ما همت کردند، کارها را پیش بردند. بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضرری نخواهیم کرد.»

^{۵۰} بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶.

ایشان تأکید کردند: «البته بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.»^{۵۱}

با طرح این بازی اوپاما در دوراهی‌ای قرار گرفت که هر دو سویش او را به شکست رهنمون می‌شد. اگر اوپاما واقعاً به استقبال کاهش تحریم‌ها می‌رفت و روحانی را جدی می‌گرفت، خواه‌ناخواه به نفع ایران عمل کرده بود. چند و چون‌هایی که رهبرانقلاب برای نرمش قهرمانه ترسیم کردند و نیز فضای عمومی کشور جایی برای عقب‌نشینی خائنانه باقی نمی‌گذاشت. اگر اوپاما واقعاً با پذیرش حقوق ایران و پیش‌شرط‌های هسته‌ای به کاهش و یا حذف تحریم‌ها روی می‌آورد طبیعی بود که شکست خورده به حساب می‌آمد. دولت، مستظهر به حمایت رهبری بود. اگر دولت بُرد می‌کرد، بُرد کشور و رهبری به شمار می‌رفت.

در مقابل اگر اوپاما بدعهدی می‌کرد، طبیعی بود که خوش‌بینی‌های موجود در ایران نسبت به آمریکا از بین می‌رفت و جایگاه آمریکا نیز در میان کشورهای طرف مذاکره‌ی ایران تضعیف می‌شد که این به معنی فروپاشیدن تحریم‌ها نیز بود. اوپاما در این شرایط نیز شکست خورده به شمار می‌آمد و در داخل آمریکا نیز مجالی برای طرف‌سیاست‌های افراطی باقی نمی‌ماند. در داخل نیز پدر پیر به فرزندانش بار دیگر نشان داده بود که طرف غربی قابل اعتماد نیست؛ او دشمن است و با مذاکره از دشمنی‌اش منصرف نخواهد شد.

پس رهبر انقلاب با مذاکره با آمریکا مخالف بودند و آن را منتج به نتیجه نمی‌دانستند و معتقد بودند حتی اگر هسته‌ای هم حل شود، باز مشکلات وجود خواهد داشت. چنانکه در ادامه توضیح داده خواهد شد ایشان راه حل اصلی را در جای دیگر می‌دانستند و برخلاف برخی مسئولان دولتی، حل شدن هسته‌ای را فرشته‌ی نجات ایران و دروازه‌ی ورود به بهشتی وصف‌ناشدنی تلقی نمی‌کردند. ایشان اما با توجه به شرایط داخلی آمریکا، سیاست‌های دولت اوپاما در کلید زدن بازی جدید با ایران، نافرجام ماندن مذاکرات با ۵+۱ و نیز با توجه به شرایط داخلی کشور هوشمندانه تغییر تاکتیکی جدی را در دستور کار قرار دادند. ایشان دو بار از ملت خواستند که بیدار باشد و این یعنی روی ملت و هوشیاری مردم حساب کردند. رهبر انقلاب خود کوشیدند در فرآیند مذاکرات با طرح خطوط قرمز و با حمایت از مسئولین مذاکره‌کننده و با روحیه و شجاعت بخشیدن به آنها و طرح تذکرات و نکات لازم خطاب به آنها مسیر مذاکرات را پیش ببرند؛ به گونه‌ای که با حفظ دستاوردهای هسته‌ای، تحریم‌ها نیز برداشته شود و در عین حال راه سوء استفاده‌ی طرف غربی نیز بسته شود. علت اینکه مدام رهبر انقلاب از عدم خوش‌بینی‌شان به مذاکرات سخن می‌گویند همین است که ایشان مذاکرات را یک نبرد با دشمن بدعهد تلقی می‌کنند نه جلساتی دوستانه برای رفتن به پیک‌نیک و رفع سوء تفاهم! البته وقتی پای توافق به میان می‌آید اصول آن را نیز باید پذیرفت و از همین جهت رهبر انقلاب از بده‌بستان سخن به میان آوردند.

اکنون در مرحله‌ای حساس از این روند هستیم و نوبت به کارشناسان داخلی و مراجع قانونی رسیده تا ریزبینانه حاصل مذاکرات را مورد بررسی قرار دهند.

^{۵۱} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲.

رهبر انقلاب راه حل اصلی مشکلات کشور را چه می‌دانستند؟

اگر ما بتوانیم کاری کنیم که دشمن هر چه ما را تحریم کرد، به جایی برنخورد بهتر است یا مدام دنبال رفع تحریم بدویم؟ رهبر انقلاب با عنوان ضرورت شکافتن درست مشکلات توضیح دادند آنچه برخی به عنوان راه حل برای مشکلات کشور قلمداد می‌کنند، راه حل اصلی نیست...

فکر اساسی این است که کاری کنید کشور از آخم دشمن ضربه نبیند

رهبر انقلاب می‌فرمایند: «از جمله‌ی بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست؟ راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راههایی وجود دارد؛ آدم‌های صاحب‌نظر، آدم‌های کارشناس و بااخلاص، گواهی می‌دهند که راههایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه‌ی مسئولین کشور و مسئولین دولتی است، چشم ندوزند به دست بیگانه؛ بیگانه یک‌وقت مایل است فشار وارد بیاورد، شما هرچه عقب‌نشینی کنید، می‌آیند جلو؛ هرچه شما یک قدم عقب بروید، آنها یک قدم می‌آیند جلو؛ دستگاه استکبار، دستگاه ترحم و انصاف و انسانیت و ملاحظه که نیست؛ هرچه شما عقب بروید، آنها جلو می‌آیند. فکر اساسی بکنید.»

ایشان تصریح می‌کنند: «فکر اساسی این است که کاری کنید که کشور از آخم دشمن ضربه نبیند، از تحریم دشمن لطمه نخورد؛ و راههایی هست، کارهایی هست که می‌شود کرد؛ بعضی را هم کرده‌اند و موفق بوده است و جواب داده است؛ می‌شود کارهایی کرد؛ می‌شود این حربه را از دست دشمن گرفت، و آلا اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که "اقا، اگر این کار را نکردی تحریم باقی می‌ماند" [فایده‌ای ندارد]؛ کمالینکه آمریکایی‌ها با کمال وقاحت دارند می‌گویند "اگر در قضیه‌ی هسته‌ای ایران کوتاه هم بیاید، تحریم‌ها یکجا و همه برداشته نخواهد شد"، این را صریح دارند می‌گویند. این نشان‌دهنده‌ی این است که به این دشمن نمی‌شود اطمینان کرد؛ نمی‌شود اعتماد کرد.»^{۵۲}

رهبر انقلاب مفصلاً در دیدارهای متعدد در این خصوص با دولتمردان سخن گفتند و بحث‌هایی چون اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، ضرورت حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، ضرورت حمایت از تولید داخلی، ضرورت پرهیز از مصرف گرایی، اسراف و ریخت و پاش و... را مطرح کردند و ضرورت از بین بردن اقتصاد نفتی و اقتصاد دولتی را یادآور شدند.

هر جا ضعیف بودید، بدآدایی آنها بیشتر می‌شود

ایشان همچنین تصریح کردند: «تحریم مال آنجایی است که دست شما بسته است. در هر بخشی که شما بتوانید از خودتان تحرک و پیشرفت نشان بدهید، طرف احساس می‌کند تحریم یک کار لغوی است، کار بیهوده‌ای است، کار ابلهانه‌ای است؛ مثال واضح آن همین مواد اورانیوم غنی شده‌ی بیست درصد است که ما برای این نیروگاه تحقیقاتی تهران نیاز مبرمی داشتیم. ذخیره‌ی کشور داشت تمام می‌شد، این نیروگاه می‌خواهید، رادیوداروها که مورد نیاز بود و در اینجا تولید می‌شد، از دسترس مردم دور می‌شد؛ مسئولین در تلاش افتادند که بیست درصد را تهیه کنند. ماجرای بازی درآوردن قدرتمندان دنیا - در رأس همه‌شان آمریکا و بعضی قدرت‌های دیگر - سر قضیه‌ی بیست درصد، یک ماجرای شیرین طولانی شنیدنی است که چه کردند اینها! ما حاضر بودیم این را بخریم، آنها به انواع و اقسام حیل متشبث می‌شدند که اشکال تراشی کنند، تا اینکه بالاخره جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید که بیست

^{۵۲} بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

درصد را باید خودش تولید کند، [اما] آنها باور نمی‌کردند که این کار تحقق پیدا کند و باور نمی‌کردند بعد از آنکه بیست درصد تولید شد، امکان تولید سوخت از آن به‌وجود بیاید؛ یعنی بتوانند میله‌ی سوخت و صفحه‌ی سوخت به‌وجود بیاورند؛ این کار را هم جوان‌های جمهوری اسلامی - مثل شماها - دانشمندان جوان، با هوششان، با ابتکارشان، با مدیریت‌های خوب توانستند انجام بدهند. حالا که همه‌ی دنیا فهمیدند و دانستند که جمهوری اسلامی به این فناوری دست پیدا کرده و محصول را تولید کرده و می‌تواند از این محصول استفاده کند، راه افتاده‌اند، این می‌گوید از ما بخرید، آن می‌گوید از ما بخرید؛ می‌گویند حاضریم به شما بفروشیم؛ اما تولید نکنید؛ دنیا این جوری است. فشار دنیا، بدآدایی‌های قدرت‌های گوناگون بزرگ و کوچک دنیا در مقابل نظام جمهوری اسلامی و هر نظام مستقلی، تابع ضعف و قوت این نظام است؛ هر جا شما ضعیف باشید، بدآدایی آنها بیشتر می‌شود؛ هر جا شما قوی بودید، توانا بودید، روی پای خودتان توانستید بایستید، آنها مجبور می‌شوند مؤدبانه‌تر با شما رفتار بکنند، منطقی‌تر با شما رفتار بکنند؛ این کلید حل همه‌ی مشکلات کشور است. باید کشور از درون بجوشد. تولیدتان را، اقتصادتان را، آینده‌تان را، بایستی خودتان از درون تأمین کنید؛ و ملت ایران، ملت بااستعدادی است؛ می‌تواند؛ [هم] ذخایر انسانی ما بی‌نهایت است، هم ذخایر طبیعی ما خوشبختانه خیلی فراوان است.^{۵۳}

چشم‌ان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، به درک!

رهبر انقلاب فرمودند: «ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود، از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطاست؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم به‌روز دنیا به روی دانشمندان ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهلپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشم‌ان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، کی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار می‌توانیم بکنیم.»^{۵۴}

این آسیب‌ها ناشی از وابستگی ما به نفت و دولتی بودن اقتصاد است

رهبر انقلاب تصریح کردند: «حالا مثلاً فرض بفرمایید ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب‌ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند، می‌بیند این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینهاست. اگر ما نگاه کنیم و عامل اصلی را بشناسیم و آن عامل اصلی را به‌نحوی علاج کنیم، تحریم یا بی‌اثر خواهد شد یا کم‌اثر خواهد شد. اینکه دشمن می‌تواند ما را تحریم کند و مثلاً دست روی نفت ما بگذارد و این ما را آزار می‌دهد، به‌خاطر این است که ما نفت را در زندگی خودمان و در اقتصاد خودمان عمده کرده‌ایم؛ اینکه وقتی با دولت برخورد می‌کند، دستگاه‌های گوناگون دولتی مورد

^{۵۳} بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۲/۱۰.

^{۵۴} بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

تحریم قرار می‌گیرند، به‌خاطر این است که این دستگاه‌ها متعلق به دولتند. ما می‌توانستیم در عرصه‌ی اقتصادی، دست‌های گوناگون مردمی را وارد بکنیم. آن اشتباهاتی که کردیم در اوایل انقلاب که همین‌طور اصرار کردیم بر اینکه همه‌چیز بایست متعلق و در اختیار دولت باشد و چیزهای جزئی کوچک زندگی را هم ما سپردیم به دولت، خُب نتیجه‌اش همین چیزهاست؛ اینها را بایستی علاج کرد. به نظر ما اگر این جور فکر کنیم و این جور حرکت بکنیم، مشکلات حل خواهد شد؛ یعنی ما در مشکلات، وابسته‌ی به عطف محبت طرف مقابل نخواهیم بود؛ می‌توانیم واقعاً خودمان تأثیر بگذاریم بر فضای چالشی‌ای که بین ما و دشمنان ما و مستکبرین وجود دارد؛ از جمله همین مذاکراتی که حالا جاری است. فعلاً مذاکراتی که بر فعالیت‌های دیپلماسی ما و فعالیت‌های سیاست خارجی ما بیشتر سایه افکنده، مذاکرات مربوط به مسائل هسته‌ای است. همین حرف، همین معیار، همین منطق، در این مذاکرات هم به نظر ما کاملاً کارایی دارد.^{۵۵}

کلید حل مشکلات کشور در لوزان و ژنو و نیویورک نیست

رهبر انقلاب تصریح کردند: «کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است. همه تلاش کنند، همه همت کنند، ان شاء الله حل خواهد شد.»^{۵۶}

آیا رفع مشکل تحریم‌ها منوط به بستن پرونده هسته‌ای است؟

رهبر انقلاب همگان را به پرهیز از سطحی‌نگری در چالش‌ها فراخواندند.

بعضی از روی غرض تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم همه‌ی مشکلات اقتصادی حل

خواهد شد

رهبر انقلاب تصریح دارند: «یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند. البته تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط می‌دهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطاست. چرا خطاست؟ چند علت دارد. من مایلم شما جوان‌های عزیزمان - هم شما که در این جلسه تشریف دارید، هم قشر جوان فرهنگد ما، قشر جوان آگاه ما، جوان پرانگیزه‌ی ما، دانشجویان ما، دانش‌آموزان ما در سرتاسر کشور که من یک وقت گفتم شماها افسران جنگ نرمید - فکر کنید روی این مسائل. یک مسئله این است که دشمنی آمریکا با ملت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطاست اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ما سر قضیه‌ی هسته‌ای است؛ نه! قضیه‌ی هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله‌ی هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفت‌ها از اوّل انقلاب بود؛ اگر یک روزی هم مسئله‌ی هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان که آنها می‌خواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه! ده بهانه‌ی دیگر را به‌تدریج پیش می‌کشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه‌ی به قول خودشان خاورمیانه حمایت می‌کنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟ مسئله این نیست که

^{۵۵} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

^{۵۶} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۹.

اینها سر قضیه‌ی هسته‌ای با جمهوری اسلامی اختلاف پیدا کرده باشند؛ نه، تحریم آمریکا از اوّل انقلاب شروع شد، روزبه‌روز هم بیشتر شده است، تا امروز که خب به نقطه‌ی بالایی رسیده. دشمنی‌های دیگر [هم] کردند: اینها هواپیمای جمهوری اسلامی را سرنگون کردند، ۲۹۰ انسان مسافر را کشتند؛ اینها اوایل انقلاب هنوز مردم از هیجان انقلاب بیرون نیامده، کودتای پایگاه شهید نوژه را به راه انداختند، علیه انقلاب کودتا کردند؛ اینها از ضدانقلاب‌ها در هر نقطه‌ای از کشور که بودند حمایت کردند؛ به ضدانقلاب سلاح دادند و مانند اینها؛ همان کاری که بعدها در بعضی کشورهای دیگر کردند، در اینجا [هم] این کارها را کردند. مسئله، مسئله‌ی هسته‌ای نیست؛ باید همه به این توجه داشته باشند. این نیست که ما خیال کنیم دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر مسئله‌ی هسته‌ای است؛ نه، مسئله مسئله‌ی دیگری است؛ [مسئله این است که] ملت ایران به خواسته‌های آمریکا نه گفت، ملت ایران گفت آمریکا علیه ما هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. اینها با موجودیت جمهوری اسلامی مخالفند، با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی مخالفند. همین اواخر یکی از سیاستمداران و از عناصر فکری آمریکا گفت - و گفته‌ی او پخش شد، این مسئله‌ی پنهانی هم نیست - که ایران چه اتمی باشد، چه اتمی نباشد، خطرناک است. این شخص صریحاً گفت نفوذ و اقتدار ایران - به قول خودشان هژمونی ایران - در منطقه خطرناک است؛ ایرانی که امروز از اعتبار برخوردار است، از احترام برخوردار است، از اقتدار برخوردار است. آنها با این دشمنند، با این مخالفند. آن روزی اینها راضی می‌شوند که ایران یک ملت ضعیف، کنارمانده، منزوی، بی‌اعتبار و بی‌احترام باشد؛ مسئله، مسئله‌ی هسته‌ای نیست.^{۵۷}

دشمنی آنها با علی خامنه‌ای نیست

ایشان همچنین فرمودند: «دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اوّل شروع شد؛ این را جوان‌ها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعاً هیچ کاری که یک دولتی مثل آمریکا بتواند با یک ملّتی، با یک کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هر کاری توانسته‌اند تا امروز انجام داده‌اند. دشمنی آنها با "انقلاب" بود و هست؛ دشمنی آنها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند. این غلط است که بعضی این‌جور وانمود کنند که دشمنی آمریکا و رژیم مستکبر با اشخاص است - با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه‌ای دشمنند - این جور نیست؛ دشمنی آنها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهت‌گیری توأم با ایستادگی و استقلال‌طلبی و عزّت‌طلبی است و با ملّتی که اینها را پذیرفته است و دارد عمل می‌کند؛ دشمنی با اینهاست. و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملّتی که پای این حرف ایستاد در طول این سال‌های متمادی و مشکلات آن را تحمل کرد، برایشان مبعوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از دهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملّت ایران دشمنند؛ با ملّت ایران مخالفند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است. البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند.»^{۵۸}

مذاکرات، دشمنی دشمن، نرمش قهرمانانه و دل بستن به غیر خدا

رهبر انقلاب شهریورماه ۹۲ بحث نرمش قهرمانانه را پیش کشیدند و کمی بعد برای رفع برخی برداشت‌های نادرست تأکید کردند: «ما تعبیر "نرمش قهرمانانه" را به کار بردیم؛ یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را

^{۵۷} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲.

^{۵۸} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹.

به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود.^{۵۹}

ایشان باز هم برای وضوح بیشتر فرمودند: «نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه‌ی آن در مسابقه‌ی کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است، اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند.»^{۶۰}

نرمش قهرمانانه نوعی تاکتیک جنگی است در مقابل دشمنی که با حيله‌های مختلف وارد صحنه می‌شود و می‌کوشد عقبه‌ی جامعه دینی را با حيله‌های مختلف مثل تحریم تضعیف کند. دشمن هم به خوبی می‌داند که در این صحنه در حال دشمنی است و چون راه دیگری برای دشمنی نداشته به این مسیر متوسل شده. دشمن برای براندازی در ایران رسماً بودجه تصویب کرد، در فتنه ۸۸ نقش آفرینی کرد، به ترور دانشمندان هسته‌ای متوسل شد، انواع و اقسام تحریم‌ها را وضع کرد، چون چاره‌ای نداشت و توان اجرای گزینه‌ی حمله‌ی نظامی را نیز در خود نمی‌دید، در ظاهر و هیبتی دیگر ظاهر شد. تعبیر دستکش مخملین از سوی رهبر انقلاب در خصوص طرف آمریکایی بیان‌کننده‌ی واقعیت‌های همین صحنه است.

رهبر انقلاب تصریح کردند: «حالا دولت جدید آمریکا می‌گوید ما مایلیم با ایران مذاکره کنیم، بیائید گذشته را فراموش کنیم. می‌گویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم. خوب، این چه جور دستی است؟ اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش مخمل رویش باشد، اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد.»^{۶۱} ایشان در سال‌های بعد هم تصریح کردند که این دستی که به سوی ملت ایران دراز شده همان دست چدنی است. رهبر انقلاب در اول فروردین ۹۲ فرمودند: «این هم یکی از آن لطائف عالم است که آمریکائی‌ها دشمنی می‌کنند، می‌گویند شما نفهمید که ما با شما دشمنیم؛ مخالفت و عناد می‌ورزند، متوقعند که ملت ایران نفهمد که آنها معاندند و دشمنی می‌کنند! این سیاست از اواخر دوران بوش در مقابل ایران شروع شده است، امروز هم متأسفانه همان سیاست را دولتمردان آمریکا ادامه می‌دهند؛ همان پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی.»^{۶۲}

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان تصریح می‌کند: «این-دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری- اولین موضوعی است که باید حل شود. اتفاقاً الان که در فضای بعد از بیانیه‌ی توافق هستیم-چون هنوز نمی‌شود گفت "توافق"- خیلی‌ها دوست دارند بر طبل حذف دشمن و ندیدن دشمن، بسیار بیشتر بکوبند! لذا خیلی باید به این موضوع حساس بود. کسی که نسبت به دشمن خواب باشد، طبیعتاً زیر لگدهای دشمن از این خواب بیدار خواهد شد. (امیرالمؤمنین(ع): مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ؛ غررالحکم/ ۸۶۷۲) و (مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ؛ غررالحکم/ ۸۶۷۳) آن هم در این زمانی که می‌بینید دشمنان ما در اطراف ما چقدر دندان تیز کرده‌اند!»

^{۵۹} بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹.

^{۶۰} دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۵/۲۲.

^{۶۱} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا، ۱۳۸۸/۱/۱.

^{۶۲} بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

او تأکید می‌کند: «نکته‌ی دوم درباره‌ی مذاکرات این است که ما داریم با "دشمنان خودمان" مذاکره می‌کنیم. ما با کشورهای قدرتمند مذاکره نمی‌کنیم، بلکه با دشمنان خودمان و دشمنان بشریت مذاکره می‌کنیم. اینکه ما آنان را دشمن خود ندانیم، نه‌تنها حماقت است، بلکه تحمیق جامعه است که آنان را با تعبیری غیر از "دشمن" یاد کنیم.»

پناهیان می‌افزاید: «البته اشکالی ندارد که انسان با دشمنان خودش مذاکره کند. ولی لااقل باید این را بگوییم که: "ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم" ما داریم با دزدها و جنایتکاران بین‌المللی و نمایندگان ارشد جنایتکاران بین‌المللی مذاکره می‌کنیم. ما با بزرگترین دروغ‌گویان تاریخ بشریت داریم مذاکره می‌کنیم. ما داریم با آمریکای جنایتکاری مذاکره می‌کنیم که هیچ عهدی را در طول تاریخ، در مذاکرات وفا نکرده است. وقتی که ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم، معلوم است که حساسیت در جریان مذاکره با دشمن، خیلی باید بالا برود.»

او همچنین می‌گوید: «در نظرسنجی‌ای که چندی پیش از مردم ما انجام داده بودند، اکثریت مردم-بالای هفتاد درصد- اعتماد نداشتند به اینکه دول استکباری به عهد خودشان وفادار باشند. این برداشت عمومی است، نه‌تنها مردم ما بلکه همه‌ی مردم دنیا این را می‌دانند.»

استاد پناهیان تصریح می‌کند: «نکته‌ی بعدی که باید در مذاکرات، به آن توجه کنیم این است که "اگر داریم مذاکره می‌کنیم، چه هدفی داریم و دشمنان ما از این مذاکره چه هدفی دارند؟" بنده تعجب می‌کنم که چرا این مسأله به روشنی گفته نمی‌شود. این را می‌توان بر اساس مستندات بیان کرد. هدف واقعی ما از مذاکرات، تأمین منافع‌مان است. پنهان‌کاری در این طرف وجود ندارد. این هدف روشن ماست و همه‌ی ما این را می‌خواهیم. ما هرچقدر با زخم کمتر، در این میدان پیروز شویم، عاقلانه‌تر، هوشمندانه‌تر و بهتر است. ما همان‌طوری که جنگ را ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم، مذاکره را هم ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم و در هر دو حالت، می‌خواهیم از خودمان دفاع کنیم. این یک روی سکه است.»

او ادامه می‌دهد: «اما باید دید که دشمنان ما با چه هدفی دارند مذاکره می‌کنند؟ آیا دشمنان ما واقعاً برای اینکه جهان را امن‌تر کنند، دارند مذاکره می‌کنند؟! آنها اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که داعش را نمی‌ساختند! دشمنان ما اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که این‌قدر از اسرائیل خون‌آشام دفاع نمی‌کردند و این‌قدر خودشان مستقیماً جنایت نمی‌کردند! پس دشمنان ما در این مذاکرات، دنبال چه هدفی هستند؟ آنها به دنبال نابود کردن ما هستند.»

پناهیان تأکید می‌کند: «دشمنان ما سرِ میز مذاکره نشسته‌اند که این مذاکره به نابودی ما بینجامد، ولی ما سرِ میز مذاکره نشسته‌ایم که به دفاع از خودمان بپردازیم. باید حواس‌مان باشد که آنها هدفشان این است که با این مذاکره ما را نابود کنند. آنها پیش خودشان این را می‌گویند و گاهی نیز این را علنی بیان می‌کنند. مثلاً آنها چنین عبارت‌هایی را می‌گویند: "ما می‌خواهیم با این مذاکره، توان نظامی ایران را به‌گونه‌ای تضعیف کنیم، تا وقتی به آنها حمله کردیم، بتوانیم پیروز شویم!" یعنی خودشان علناً می‌گویند در این مذاکرات-که ظاهراً درباره‌ی مسائل هسته‌ای است- در واقع دارند با هدفِ نابودی ما مذاکره می‌کنند.»^{۶۳}

مقام معظم رهبری در جریان همین مذاکرات هسته‌ای تصریح کردند: «نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است.»^{۶۴}

^{۶۳} سایت بیان معنوی، ۶ نکته در خصوص مذاکرات هسته‌ای در یادبود مهدی مطلبی، ۱۳۹۴/۵/۱۱.

^{۶۴} دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۵/۲۲.

ما در یک نبرد با استکبار بوده و هستیم. تنها اتفاقی که افتاده این است که شکل نبرد تفاوت کرده. به بیان ساده و کودکانه آن گرگی که سراغ از شنگول و منگول و حبه انگور می‌گرفت، دستانش را آغشته به آرد کرده و بار دیگر دارد در را می‌کوبد!

هیلاری کلینتون در خاطرات خود در خصوص موضع آمریکا نسبت به فتنه ۸۸، حمایت توثیتری از فتنه‌گران، سرمایه‌گذاری‌های مالی و نیز آموزش‌های داده شده سخن می‌گوید و حسرت می‌خورد که چرا آمریکا با صدای بلندتر از فتنه در ایران حمایت نکرده است. او می‌نویسد: «اعتراضات شدت گرفت و به "جنبش سبز" مشهور شد. میلیون‌ها ایرانی در یک نمایش بی‌سابقه برای ابراز مخالفت به خیابان‌ها ریختند. بسیاری از آن‌ها حتی خواستار پایان کار رژیم شدند. نیروهای امنیتی با خشونت و وحشیانه واکنش نشان دادند. شهروندانی که مسالمت‌آمیز راهپیمایی می‌کردند، با باتوم مورد ضرب و جرح قرار می‌گرفتند و دسته‌جمعی دستگیر می‌شدند. مخالفان سیاسی محاصره می‌شدند و مورد آزار قرار می‌گرفتند. چندین نفر نیز کشته شدند. مردم سراسر جهان از دیدن فیلم زن جوانی که در خیابان به ضرب گلوله کشته شد، وحشت کرده بودند. خشونت، تکان‌دهنده بود، اما سرکوب، با سابقه‌ی [تعدی‌های] بی‌پایان حقوق بشری رژیم هم‌راستا بود. درون دولت اوباما بحث ما در این باره بود که چگونه به این وضعیت واکنش نشان دهیم... ارتباط‌های ما در ایران اصرار داشتند که تا جایی که ممکن است در این باره سکوت کنیم. نگران بودند که اگر آمریکا در حمایت از تظاهرکنندگان صحبت کند، یا آشکارا سعی نماید خود را وارد مسئله کند، رژیم فرصت پیدا کند تا با اعتراضات به عنوان یک توطئه‌ی خارجی، برخورد کند. بسیاری از تحلیلگران اطلاعاتی و کارشناسان حوزه‌ی ایران ما هم با این نظریه موافق بودند. با این حال، هنوز هم به شدت وسوسه می‌شدیم تا بایستیم و حمایت خود از مردم ایران و انزجارمان از تاکتیک‌های سرکوب‌گرانه‌ی رژیم را اعلام کنیم. به نظرمان می‌رسید نقشی که آمریکا باید در راستای ارزش‌های دموکراتیک‌مان بازی کند، اعلام این مواضع بود.»

او می‌افزاید: «بعد از گوش دادن به تمام استدلال‌ها، رئیس‌جمهور با اکراه تصمیم گرفت که آمریکا برای خدمت به آرمان‌های مردم ایران بهتر است وارد این بحران نشود. این تصمیم تاکتیکی، اگرچه دشوار بود، اما با چشم باز گرفته شد. به‌رغم باور برخی از مفسران در آن زمان، تصمیم رئیس‌جمهور به این خاطر نبود که بیش‌تر به تعامل با رژیم اهمیت می‌داد تا ایستادن مقابل آن. مسئله انجام آن چیزی بود که اعتقاد داشتیم برای معترضان و برای دموکراسی بهتر است، همین. در پشت صحنه، تیم من در وزارت خارجه مداوم با فعالان در ایران در تماس بود مداخله‌ای اورژانسی هم برای جلوگیری از تعطیلی توییت‌ر به منظور تعمیر و نگهداری، انجام داد. اگر توییت‌ر قطع می‌شد، معترضان از یک ابزار کلیدی ارتباطی محروم می‌شدند.»

کلینتون می‌افزاید: «وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم شاید خویشتنداری ما، تصمیم درستی نبود. باعث نشد که رژیم بی‌رحمانه "جنبش سبز" را خرد نکند، رویدادی که تماشای آن بیش از حد دردناک بود. انتشار پیام‌های پر سر و صدا تر از سوی آمریکا احتمالاً نتیجه را تغییر نمی‌داد و شاید حتی به آن شتاب می‌بخشید، اما در حال حاضر هیچ راهی وجود ندارد که بفهمیم آیا می‌توانستیم تغییری در این روند ایجاد کنیم یا نه. من تأسف خوردم که با صدای بلندتر و با لحن شدیدتر صحبت نکردیم و دیگران را به انجام این کار دعوت نکردیم. بنابراین پس از سرکوب [جنبش سبز] در ایران، تلاش‌ها برای ارائه‌ی ابزار و فناوری فرار از سرکوب و سانسور دولتی به فعالان طرفدار دموکراسی را

افزایش دادم. طی چند سال بعد، ده‌ها میلیون دلار سرمایه‌گذاری کردیم و بیش از ۵۰۰۰ فعال را در سراسر جهان آموزش دادیم.^{۶۵}

روند مخاصمه‌ی آمریکا حتی در جریان کلید خوردن مذاکرات محرمانه با وساطت سلطان قابوس نیز ادامه داشت. کلینتون می‌نویسد: «در طول این دوره، حتی زمانی که کانال مخفی را پیگیری می‌کردیم، همزمان دائماً برای افزایش فشارهای بین‌المللی علیه حکومت ایران و مقابله با جاه‌طلبی‌های تجاوزگرانه آن، کار می‌کردیم. یکی از اولویت‌هایمان گسترش همکاری‌های نظامی در خلیج [فارس] و استقرار منابع نظامی جدید در سراسر منطقه برای اطمینان دادن به شرکایمان و جلوگیری از تجاوزگری ایران بود. [در تمام این مدت] هماهنگی کامل و مداوم با اسرائیل داشتیم و گام‌های بی‌سابقه‌ای برای حفظ برتری نظامی اسرائیل مقابل هر رقیب احتمالی برداشتیم. از "اندرو شاپیرو" دستیار قدیمی‌ام در سنا، و معاون وقت سیاسی-نظامی وزیر خارجه خواستم کمک کند تا مطمئن شویم اسرائیل به سیستم‌های تسلیحاتی بسیار پیشرفته مانند جنگنده‌های اف-۳۵ "حمله مشترک" مجهز است. ما با اسرائیل در زمینه‌ی طراحی و ساخت یک شبکه‌ی چند لایه‌ی پدافند هوایی همکاری کردیم که شامل نسل‌های ارتقایافته‌ی موشک‌های "پاتریوت" (که اولین بار در جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج [فارس] استفاده شده بود)، رادارهای جدید و پیشرفته هشدار سریع، آتش‌بارهای ضدراکت موسوم به "گنبد آهنین"، سایر سیستم‌های محافظت در برابر موشک‌های بالستیک موسوم به "فلاخن داوود" [یا "عصای جادویی"] و [موشک‌های] "رهگیر پیکان-۳" می‌شد. گنبد آهنین طی درگیری اواخر سال ۲۰۱۲ با حماس در غزه ثابت کرد در حفاظت از خانه‌ها و مردم اسرائیل مؤثر است.»

او می‌افزاید: «خود من هم ساعت‌ها با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در مورد استراتژی "دو مسیره" مان بحث و تلاش کردم او را متقاعد کنم که تحریم‌ها می‌تواند مؤثر باشد. ما توافق کردیم که یک تهدید معتبر نظامی [علیه ایران] مهم است، به همین دلیل هم اوباما و من بارها و بارها گفتیم: "همه‌ی گزینه‌ها روی میز است." با این حال، [من و نتانیاهو] در مورد این‌که چه مقدار باید در انتظار عمومی [با ایران] ارتباط داشته باشیم، اختلاف‌نظر داشتیم. من به او گفتم که اوباما وقتی گفت که به ایران اجازه نخواهد داد بمب هسته‌ای به دست بیاورد، کاملاً جدی بود و [تأکید کردم] که سیاست ما، سیاست "مهار" نیست. سیاست مهار مقابل اتحاد جماهیر شوروی کار کرده بود، اما با توجه به رابطه‌ی ایران با تروریسم و ناآرامی‌ها در منطقه، ما هم مثل اسرائیلی‌ها [حتی یک ذره] اعتقاد نداشتیم که ایران مجهز به سلاح اتمی، قابل قبول یا قابل مهار است. بنابراین همه‌ی گزینه‌ها واقعاً روی میز بود، از جمله [استفاده از] نیروی نظامی.»

کلینتون تصریح می‌کند: «دولت اوباما علاوه بر همکاری با اسرائیل، حضور دریایی و هوایی خودمان در خلیج فارس را هم افزایش داد و روابطمان را با پادشاهی‌های خلیج [فارس] عمیق‌تر کرد، که [وضعیت] ایران را با نگرانی شدید مشاهده می‌کردند. من در زمینه‌ی گفت‌وگوهای امنیتی اختصاصی و ادامه‌دار، با شورای همکاری خلیج [فارس] همکاری می‌کردم. تمرینات مشترک نظامی نیز با اعضای این شورا انجام می‌دادیم. متقاعد کردن ترکیه به میزبانی از یک تأسیسات بزرگ راداری به ما کمک کرد تا یک سیستم جدید دفاع موشکی هم احداث کنیم که متحدان ما در اروپا را مقابل حمله احتمالی ایران محافظت می‌کرد.»

^{۶۵} سایت خبری مشرق‌نیوز، مرتب‌ترین ما در ایران اصرار داشتند سکوت کنیم/ یک ساعت با رئیس‌جمهور روسیه درباره تأسیسات قم جلسه گذاشتیم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۸.

او می‌نویسد: «در عین این که تجهیزات دفاعی خود را تقویت می‌کردیم، از حمله هم غافل نشده بودیم و فشارها علیه ایران را افزایش می‌دادیم، به امید آن که محاسبات رهبران این کشور را تغییر دهیم. دولت اوباما و کنگره از طریق قوانین و اقدامات اجرایی، با یکدیگر همکاری می‌کردند تا تحریم‌های شدیدتر و سخت‌تری را اعمال کنند، که همه بر اساس اقدامات اولیه در شورای امنیت بود که تابستان سال ۲۰۱۰ تصویب شد. هدف ما این بود که آن‌قدر فشار مالی به رهبران ایران، از جمله علیه سوداگری‌های تجاری و رو به رشد ارتش این کشور، وارد کنیم تا هیچ راهی نداشته باشند، جز این که با یک پیشنهاد جدی به میز مذاکره برگردند. ما صنعت نفت، بانک‌ها، و برنامه‌های تسلیحاتی ایران را هدف گرفتیم. همچنین شرکت‌های بیمه، خطوط حمل و نقل، معامله‌گران انرژی، مؤسسات مالی، و بسیاری از بازیگران دیگر را [در لیست تحریم‌ها] نام‌نویسی می‌کردیم تا [سهم] ایران را از تجارت جهانی قطع کنیم. من بیش‌تر از هر کار دیگری، خودم را موظف کرده بودم که مصرف‌کنندگان اصلی نفت ایران را متقاعد کنم تا منابع خود را متنوع کنند و نفت کم‌تری از تهران بخرند. با هر کشور جدیدی که [با پیشنهاد من] موافقت می‌کرد، خزانه‌ی ایران ضربه‌ی بزرگی می‌خورد. رگ حیاتی ایران، نفت آن بود. این کشور سومین صادرکننده بزرگ نفت خام در جهان بود، صادراتی که ارزش به شدت مورد نیاز ایران را تأمین می‌کرد. بنابراین ما هر چه می‌توانستیم کردیم تا تجارت را، به خصوص در زمینه نفت، برای ایران دشوار کنیم.»

او تأکید می‌کند: «اروپایی‌ها در این مسیر، شرکای ضروری ما بودند و زمانی که همه‌ی ۲۷ عضو اتحادیه اروپا توافق کردند نفت ایران را تحریم کامل کنند، یک ضربه‌ی بزرگ [به درآمدهای دولت ایران وارد] شد. "رابرت آینه‌ورن" [مشاور وزارت خارجه و] کارشناسی که به ایجاد "طرح اکتبر ۲۰۰۹ برای مبادله [میله‌های سوختی] راکتور تحقیقاتی تهران" کمک کرده بود، با "دیوید کوهن" معاون وزیر خزانه‌داری برای پیدا کردن خلاقانه‌ترین و مؤثرترین راه‌های اجرای تحریم‌های جدید همکاری می‌کردند. مسدود کردن دارایی‌های بانک‌های ایرانی خرید بیمه در بازار بین‌المللی را برای تانکرهای ایرانی غیرممکن، و دسترسی آن‌ها به شبکه‌های مالی جهانی را قطع می‌کرد. یک حمله‌ی همه‌جانبه بود.»^{۶۶} همه‌ی اینها در حالی است که اوباما چندین بار به ایران نامه نوشته و پس از ابراز تمایل‌های فراوان، ایران در حال مذاکره‌ی محرمانه با آمریکا است. در شرایطی کلینتون از حمله‌ی همه‌جانبه و در واقع استمرار استراتژی چماق و هویج و در عین حال از همکاری با اسرائیل و ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه سخن می‌گوید که مذاکره در جریان است.

«علامه جعفری در مورد خوشبین بودن به بیگانه و انتظار سیر شدن توسط آنها در تشبیه زیبایی می‌فرماید این انتظار به آن می‌ماند که گوسفند ساده لوحی از گرگی انتظار داشته باشد تا برای او شکاری بیاورد و دل آن شکار را پاره کند تا علف‌های درون آن شکار را به گوسفند تقدیم کند غافل از آنکه خود این گوسفند شکار آن گرگ است. این است که خداوند بارها در قرآن کریم ما را از اینگونه انتظارات نسبت به بیگانه پرهیز داده است و به نیروی شگرفی که درون خود مؤمن است توجه داده است و فرموده: یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذ اهتدیتم. یعنی اگر متوجه توانایی‌های خود باشید هیچ گمراهی نمی‌تواند به توان شما آسیب برساند و شما را از مسیر هدایت و استقلال باز دارد.»^{۶۷}

^{۶۶} سایت خبری مشرق‌نیوز، خودم را موظف کردم رگ حیاتی ایران را قطع کنم/ در طول مذاکرات، دائماً برای افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران کار می‌کردیم، ۱۳۹۳/۱۰/۲۳.

^{۶۷} سایت خبری الف، اقتصاد مقاومتی و توکل به خداوند، ۱۳۹۳/۱/۱۰.

نفس ورود در نبرد دیپلماتیک و مذاکرات ولو آنکه به صلحی مثل صلح حدیبیه منجر شود که حتی نام خداوند نیز بالای آن نوشته نشد، به معنای دل بستن به غیر خدا نیست اما اگر در جریان مذاکره، اتکاء و چشم امید به غیر خدا باشد تا شاید با الطاف دشمن گره‌ای از کار ما باز شود، قطعاً این شرک و ناشی از عدم باور به خدای رزاق است. اگر بگوییم هر نوع مذاکره‌ای با دشمن به معنی دل بستن به غیر خداست، باید بپذیریم پیامبر نیز در صلح حدیبیه به غیر خدا دل بست. مسلمانان در عین اینکه اتکاء شان به خداست، باید تدابیر لازم را برای نبرد با دشمن در نظر بگیرند البته باید در تمام صحنه‌ها به خاطر داشته باشند که اولاً با دشمن طرفند و ثانیاً آنکه صحنه گردان و همه کاره است، خداوند است. حضرت حق خطاب به رسول مکرم اسلام می‌فرماید: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی». آن گاه که تو در بدر می‌جنگیدی، این دست خدا بود که کار می‌کرد؛ این خدا بود که تیر می‌انداخت.

حجت الاسلام و المسلمین میرباقری تصریح می‌کند: «در خطبه‌ی قاصعه آمده است که به هر اندازه که انسان از خداوند روی برگرداند و تکیه‌گاهی غیر از او انتخاب کنند، خداوند هم خوف و نگرانی به شما عارض می‌کند. حضرت علی در آن می‌فرماید که مواظب باشید که شیطان شما را به بیماری بی‌درد دچار نکند و آن استکبار است.»

او ادامه می‌دهد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^{۶۸} خدای متعال یک تقسیم عادلانه انجام داده است این که کسی که در وجود او شک کند غصه‌های فراوان را دچار می‌شود و کسی را هم که احساس ذلت در مقابل خدا کرد، در امن و امان است. اگر کسی در مقابل خداوند احساس ذلت نکرد، باید در مقابل همه‌ی مخلوقات احساس ذلت کند و هیچ راه فراری ندارد. وقتی به کوه‌های استوار باد و طوفان می‌وزد، فقط کاری که می‌کند آن‌ها را تمیزتر می‌کنند و گرد و غبار را از آن‌ها می‌روبند. و آن گرد و غباری است که شیطان برای مؤمنین درست می‌کند و با مقابله‌ای که مؤمن در مقابل انجام می‌دهد سرمایه‌ی زهد و تقوای آن‌ها ظاهر می‌شود. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^{۶۹}

او می‌افزاید: «اگر وادی توحید وادی ایمن است و وادی شرک وادی خوف است (حتی شرک خفی)، تعلق و توجه به غیر به هر اندازه باشد در انسان حالات ناپسند ایجاد می‌کند. وادی توحید وادی ولایت اولیای الهی و نبی مکرم اسلام و اهل بیت است. صراط مستقیم وادی ایمن است. خروج از صراط مستقیم وادی دغدغه‌ی خاطر و ناامنی است. بنابراین در دنیایی که هستی و معبر ما به این دنیا افتاده است هر دو امکان برای ما وجود دارد. نتیجه‌ی آن هم مشخص است.»^{۷۰}

استاد میرباقری همچنین تصریح می‌کند: «شیطان اکنون از ما اجازه نمی‌گیرند و وارد دل ما می‌شوند... آمریکا و انگلیس مگر خودشان می‌توانند برای خودشان امنیت و آرامش بیاورند. اگر خداوند تبارک و تعالی بخواهد این دشمنان چه کاره می‌باشند. هرچه نقشه بکشند چه کاری می‌توانند پیش ببرند؟»^{۷۱}

امام جواد(ع) می‌فرماید: «مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» یعنی آن که به غیر خدا روی آورد، خداوند به همو واگذارش می‌کند.^{۷۲}

^{۶۸} منافقون، ۸.

^{۶۹} اعراف، ۲۰۱.

^{۷۰} سخنرانی در دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲.

^{۷۱} سخنرانی در دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳/۱۲/۱۰.

^{۷۲} بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، ح ۶۹.

منشأ عدم خوش‌بینی رهبر انقلاب

وقتی نگاه به دشمنی دشمن واقعی شد، آن قوت جایی برای خوش‌بینی به دشمن باقی نمی‌ماند. رهبر انقلاب ضمن حمایت از تیم مذاکره‌کننده می‌فرمایند: «در عین حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است. از جمله‌ی چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشم‌ها، حيله‌گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فربه‌ی هستند؛ آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حيله‌گر باشند. خب امروز آمریکا ظاهر فربه‌ی دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل مودعی‌گری‌های آدم‌های ضعیف هم باشد، ولی هست؛ اهل حيله‌گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این جور است. ما نباید این جور تصوّر بکنیم که حالا اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین احتیاجی ندارند به اینکه دست به حيله و خدعه بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم می‌کنند و واقعاً خدعه‌گری می‌کنند؛ این ما را نگران می‌کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک می‌شویم، لحن طرف مقابل - به خصوص لحن آمریکایی‌ها - تندتر، سخت‌تر، خشن‌تر می‌شود؛ این برای این است که جزو شگردهای اینها است، جزو حيله‌ها و خدعه‌های اینها است.»

ایشان ادامه دادند: «و می‌بینید اظهاراتی هم که می‌کنند، واقعاً اظهارات سخیفی است، اظهارات مشتمل‌کننده‌ای است. مسئولین آمریکایی در همین آیام به‌مناسبت اینکه حالا یک دلک صهیونیست رفته آنجا و حرف‌هایی زده، برای اینکه خودشان را کنار بکشند مطالبی گفتند، اما ایران را هم متهم کردند که ایران طرفدار تروریسم است. خب این حرف، خنده‌آور است؛ امروز در دنیا همه دارند مشاهده می‌کنند که آن قدرت و آن دولتی که از خبیث‌ترین تروریست‌ها - یعنی از همین داعش و امثال اینها - حمایت کرده است و اینها را به‌وجود آورده و هنوز هم علی‌رغم اینکه به‌ظاهر می‌گوید در مقابل اینهاست، دست از حمایت اینها برنمی‌دارد، آمریکاست و هم‌پیمانان آمریکا. کسانی که در منطقه دست به دست آمریکا دارند و پشتیبانی می‌کنند، کمک می‌کنند، همکاری می‌کنند، اینها هستند که طرفدار تروریسم و تروریست‌های جرّار خبیث هستند. آمریکا دولتی را که رسماً اعتراف می‌کند به تروریست بودن - یعنی دولت جعلی صهیونیستی - دارد حمایت می‌کند؛ صریحاً حمایت می‌کنند؛ اصلاً حمایت از تروریسم یعنی این. این زشت‌ترین شکل حمایت از تروریسم است که آنها می‌کنند، آن وقت در عین حال جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به اینکه این طرفدار تروریست است؛ که باید اینها را مورد توجه قرار داد.»

رهبر انقلاب تأکید کردند: «همین نامه‌ای که این سناتورها نوشتند - که انواع مطالب را واقعاً انسان در این نامه [می‌بیند] - از نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکاست؛ پیدا است واقعاً اینها دچار فروپاشی‌اند؛ چون همه‌ی دولت‌های عالم طبق مقررات شناخته شده و پذیرفته‌ی بین‌المللی به تعهدات خودشان پایبندند. بالاخره یک دولتی در یک کشوری سر کار است، یک تعهدی می‌کند، بعد آن دولت می‌رود دولت دیگری می‌آید، آن تعهد به جای خود باقی است؛ نقض تعهد نمی‌کنند. این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می‌بندد و تعهدی که می‌کند کأن لم یکن است! این نهایت فروپاشی اخلاق سیاسی است و نشان‌دهنده‌ی این است که آن دستگاه، دستگاهی است که واقعاً قابل ادامه نیست؛ یعنی آن دستگاه، دستگاه متلاشی شده‌ای است که این جور چیزها را انسان در آن مشاهده می‌کند. آن وقت می‌گویند ما می‌خواهیم به ایرانی‌ها یاد بدهیم، درس بدهیم که بفهمند قوانین ما چیست! خُب ما احتیاج به درس آنها نداریم؛ ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدیم چه جوری عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت در نگه

دارند. این را مسئولین نظام جمهوری اسلامی بلدند که چه جوری عمل بکنند، احتیاج به درس آنها نیست اما آنها این جوری عمل می‌کنند؛ این واقعاً نشان‌دهنده‌ی فروپاشی است.^{۷۳}

آیا اگر توافق نشد، آسمان به زمین می‌آید؟

وقتی با پذیرش بهترین توافق باز هم دشمن از دشمنی خود منصرف نخواهد شد و اساساً حضور دشمن بر سر میز مذاکرات هم جزئی از پازل نبرد او با ایران اسلامی است، به سرانجام نرسیدن توافق هم مشکل حادثی فراروی کشور نخواهد بود؛ خصوصاً آنکه طرف آمریکایی خود به مشکلاتش در تداوم تحریم‌ها اشاره کرده است. محمدجواد ظریف نیز در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «اگر به توافق نرسیم، آسمان به زمین نمی‌رسد.»^{۷۴}

رهبر انقلاب می‌فرمایند: «یکی از افراد هیئت مذاکره‌کننده چندی پیش حرف خوبی زد، گفت اگر به توافق هم نرسیدیم، آسمان به زمین نمی‌آید، دنیا به آخر نمی‌رسد؛ خوب، نشود. حرف درستی است. ما آن‌چنان که حالا آنها خیال کردند، ضرر نمی‌کنیم؛ تصور کردند که اگر چنانچه چنین بشود، چنان خواهد شد؛ نه، راه حل وجود دارد.»^{۷۵}

اهمیت و جایگاه طرح خطوط قرمز / رهبری: جزئیات مذاکره تحت نظر من نیست

رهبر انقلاب در طول مذاکرات برای حفظ منافع ایران اسلامی خطوط قرمزی را مطرح و روی آن پافشاری کردند. ایشان ضمن حمایت از تیم هسته‌ای فرمودند: «از آن طرف اصرار دارم بر تثبیت حقوق ملت ایران، از جمله مسئله‌ی حقوق هسته‌ای؛ اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملت ایران یک قدم عقب‌نشینی نباید بشود. ما البته در جزئیات این مذاکرات مداخله نمی‌کنیم؛ یک خطوط قرمزی وجود دارد، یک حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظفند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت‌وهورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.»^{۷۶}

ایشان در جای دیگر تصریح کردند: «بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، باز هم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس‌جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، می‌توانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست؛ البته بنده احساس مسئولیت می‌کنم، نسبت به این مسئله به‌هیچ‌وجه بی‌تفاوت نیستم، کلیاتی وجود دارد که حالا اشاره هم خواهم کرد به بعضی از آنها؛ قبلاً هم در صحبت‌های عمومی خطاب به مردم آنها را گفتیم؛ به مسئولین هم مفصل‌ترش را گفتیم.»^{۷۷}

ایشان تأکید کردند: «من یک خواسته‌هایی از مسئولین داشته‌ام که این را به آنها عرض کردم، گفتم و روی آنها اصرار دارم.»^{۷۸}

^{۷۳} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

^{۷۴} خبرگزاری مهر، نظر ظریف درمورد عدم توافق اطمینان به نمایندگان در رعایت خطوط قرمز، ۱۳۹۴/۵/۱۴.

^{۷۵} بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶.

^{۷۶} بیانات در دیدار پانجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹.

^{۷۷} بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۷۸} بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

رهبر انقلاب باز در جای دیگر فرمودند: «بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق برسند، اشکالی ندارد - البته درحالی که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشند - لکن به هیچ وجه تحمیل را قبول نکنند، زور را قبول نکنند، تحقیر را قبول نکنند، تهدید را قبول نکنند.»^{۷۹}

ایشان همچنین فرمودند: «البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد.»^{۸۰}

مجموع این بیانات نشان می‌دهد طرح خطوط قرمز از سوی رهبر انقلاب برای تعارف یا ایجاد فشار بیشتر بر روی طرف غربی نبود. رهبر انقلاب با در نظر گرفتن مصالح کشور به صحنه‌ی بازی‌ای که با او با ما آغاز شده بود می‌نگریستند و مراقبت می‌کردند تا مبدا تاکتیک جدید در مواجهه با آمریکا به واسطه‌ی اشتباهات خواسته یا ناخواسته‌ی مسئولین کشور به ضرر ایران اسلامی تمام شود.

رهبر انقلاب: مواضع ما همان چیزی است که علناً اعلام می‌کنیم/الحمدلله زبانه از کار نیفتاده

با وجود مطرح کردن خطوط قرمز و پافشاری بر روی آنها، باز هم برای اینکه شک و شبهه و شائبه‌ای پیش نیاید که مردم و نخبگان را در مقاومت و مطالبه از مذاکره کنندگان دچار تردید کند، رهبر انقلاب فرمودند: «در مورد مسائل هسته‌ای، مواضع، همان چیزهایی است که ما علناً اظهار کردیم، همان چیزی که گفته‌ایم. البته بعضی چیزها هست که انسان اینها را در علن اظهار نمی‌کند، به‌طور خصوصی اظهار می‌کند - مواردی از این قبیل هست؛ همه‌ی حرف‌ها [را نمی‌شود علناً گفت]؛ "لیس کل" ما یعلم یقال - لکن آن چیزهایی که علناً گفته شده، دقیقاً همان چیزهایی است که به مسئولین هم همان‌ها گفته شده؛ هم زبانه گفته شده، هم کتباً گفته شده؛ مواضع اساسی نظام اینها است. و ما معتقدیم که برادران ما مشغول کارند، مشغول تلاشند، واقعاً عرق می‌ریزند، در این زمینه‌ها دارند کار می‌کنند؛ بایستی ان شاءالله به امید خدا و با توکل به خدای متعال بر همین مواضع پافشاری کنند و بتوانند آن چیزی که مصلحت کشور و مصلحت نظام است، ان شاءالله تأمین کنند.»^{۸۱}

ایشان همچنین در جای دیگر تصریح کردند: «آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی می‌گویم، عیناً همان حرف‌هایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس‌جمهور محترم و به دیگران می‌گویم. این خطّ تبلیغی‌ای که دیدیم و می‌بینیم دنبال می‌کنند که بعضی از خطّ قرمزهایی که رسماً اعلام می‌شود، در جلسات خصوصی از آنها صرف‌نظر می‌شود، حرف خلاف واقع و دروغی است. آنچه ما اینجا به شما می‌گوییم یا در جلسات عمومی می‌گوییم، عیناً همان حرف‌هایی است که به دوستان، به مسئولین، به هیئت مذاکره‌کننده، همان‌ها را بیان می‌کنیم؛ حرف‌ها یکی است.»^{۸۲}

رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان نیز در پاسخ به سؤالی به یک نکته‌ی مهم اشاره کردند. ایشان با اشاره به پرسش دانشجویان فرمودند: «یک نکته‌ی دیگر گفتند که کسانی به عنوان نماینده‌ی رهبری از زبان رهبری حرف می‌زنند. خُب، من خودم هنوز که الحمدلله زبانه از کار نیفتاده؛ حرف خود من که مقدّم به حرف آنها است... خُب، شما حرف من را از خود من بشنوید. بله، ممکن است یک نفری جزو منصوبین رهبری هم باشد، درباره‌ی فلان مسئله یک

^{۷۹} بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

^{۸۰} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

^{۸۱} بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۳/۶.

^{۸۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

عقیده‌ای خلاف رهبری هم داشته باشد، هیچ اشکال ندارد؛ این جور چیزی هم هست. خیلی از همین آقایان محترمی که منصوبین رهبری‌اند، در فلان مسئله‌ی خاصّ سیاسی یا اجتماعی یا اعتقادی ممکن است عقیده‌شان غیر از عقیده‌ی رهبری باشد؛ ما این را اشکال ندانستیم.^{۸۳}

جمع‌بندی

از مجموع آنچه گفته شد مشخص می‌شود دشمن در شرایطی که دچار ضعف بود و راه دیگری فراروی خود نمی‌دید، گزینه‌ی مذاکره را در دستور کار قرار داد و مواجهه‌ی خود را شکل دیگری بخشید.

در مقابل اگر چه رهبر انقلاب معتقد بودند با مذاکرات مشکلی حل نمی‌شود اما با توجه به شرایطی که ایجاد شد یعنی شرایطی مثل شرایط داخلی آمریکا، سیاست‌های دولت اوباما در کلید زدن بازی جدید با ایران و نیز با توجه به شرایط داخلی کشور و شکل‌گیری جریانی که راه حل را در مذاکره قلمداد می‌کرد، در موضعی فعال، تاکتیک جدیدی را پی گرفتند و به مسئولین مربوطه اجازه دادند صرفاً در موضوع هسته‌ای و در چارچوب خطوط قرمز مذاکره کنند. ایشان قواعد این بازی جدید را نیز پذیرفتند و اعلام کردند حرفی نداریم که یک چیزی بدهیم و یک چیزی بگیریم. رهبر انقلاب با اصرار بر خطوط قرمز تمام تلاش خود را به کار بستند تا مبدا این تاکتیک جدید به طرحی علیه جمهوری اسلامی و ابزاری برای سوء استفاده‌ی طرف غربی تبدیل شود. تأکید ایشان نشان می‌داد خطوط قرمز تصنعی یا برای فضا سازی نیست. رهبر انقلاب تصریح کردند که در جلسات خصوصی نیز از این خطوط عدولی صورت نپذیرفته و برای آنکه مبدا کسانی دیدگاه خود را به جای رهبری جا بزنند و نقل قول‌های خلاف واقع از ایشان مطرح کنند فرمودند حرف من را از زبان خودم بشنوید؛ الحمدلله زبانم از کار نیافتاده.

ایشان مدام مسئولین را از سطحی‌اندیشی و سطحی‌نگری در خصوص مشکلات کشور بر حذر داشتند و راه حل اصلی رفع مشکلات را اتکاء به نیروی درونی قلمداد کردند. ایشان توضیح دادند حتی با حل شدن مسئله‌ی هسته‌ای هم ماجرای تحریم‌ها و مشکلات ما حل نخواهد شد؛ چون دشمنی در ذات دشمن است. رهبر انقلاب تصریح کردند: «توافق نکردن بهتر از توافق بد است.»^{۸۴} ایشان توضیح دادند که سازش به این معنی نیست که اگر دشمن گفت برگردید، شما هم برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود و آلاً برگشتن خسارت است. ایشان همگان را به همدلی و وحدت فراخواندند تا ایران اسلامی به سلامت از این نبرد با جبهه‌ی استکبار عبور کند. رهبر انقلاب مکرراً از تیم هسته‌ای حمایت کردند و کوشیدند توجه همه را بیش از پیش به جای درگیری‌های داخلی به دشمن متوجه کنند. ایران اسلامی تلاش می‌کند با توافق، دشمنی دشمن را مهار و منافع ملی را به بهترین نحو و در چارچوب نرمش قهرمانانه تأمین نماید.

فصل دوم: چرا این توافق خطرناک است؟

بازخوانی حمایت‌های مکرر رهبر انقلاب از تیم مذاکره کننده و تذکرات ایشان

وقتی تاکتیک مبتنی بر مذاکره شد، کسانی که به عنوان مذاکره کنندگان کشور در مواجهه با بیگانگان قرار گرفتند را نیز باید نمایندگان کشور برای پیگیری این مأموریت دانست. رهبر انقلاب تصریح کردند: «هیچ کس نباید این مجموعه‌ی مذاکره کنندگان ما را با مجموعه‌ی شامل آمریکا - همان شش دولت، به اصطلاح پنج بعلاوه‌ی یک -

^{۸۳} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.

^{۸۴} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

سازش کار بداند؛ این غلط است؛ اینها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، اینها بچه‌های خودمان هستند، بچه‌های انقلابند؛ یک مأموریتی را دارند انجام می‌دهند. کار سختی هم هست [که] بر عهده‌ی اینها است؛ دارند با تلاش فراوان آن کاری را که بر عهده‌ی آنها است انجام می‌دهند. بنابراین نباید مأموری را که مشغول یک کاری است و مسئول یک فرایندی است مورد تضعیف یا توهین یا بعضی از تعبیراتی که گاهی شنیده می‌شود - که اینها سازش‌کارند، و مانند اینها - قرار داد؛ نه، این حرف‌ها نیست.^{۸۵}

ایشان همچنین تصریح کردند: «این تیمی و هیئتی که رئیس جمهور محترم برای مذاکرات هسته‌ای گذاشته‌اند، مردمان امین و مردمان خوبی هستند. بعضی را ما از نزدیک می‌شناسیم و واقعاً مورد قبولند، بعضی را هم از حرف‌هایشان و از کارهایشان دورادور می‌شناسیم؛ هم امینند، هم دلسوزند؛ دارند تلاش می‌کنند کار می‌کنند؛ این را ما لازم است که منصفانه بیان کنیم. البته با اینکه این دوستان و این برادران برادران خوبی هستند، برادران امینی هستند و می‌دانیم که دارند برای صلاح کشور تلاش می‌کنند، درعین حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است.»^{۸۶}

رهبر انقلاب همچنین فرمودند: «بنده به مجریان امر اعتماد دارم؛ این را شما بدانید؛ این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی ندارم؛ در آنچه تا حالا بودند، ان شاء الله بعد از این هم تردیدی به وجود نخواهد آمد؛ هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. لکن درعین حال جداً دغدغه دارم؛ این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل به شدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است؛ طرف مقابل این‌جوری است.»^{۸۷}

ایشان تصریح کردند: «بنده هیئت مذاکره‌کننده را - همین دوستانی که این مدت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند - هم امین می‌دانم، هم غیور می‌دانم، هم شجاع می‌دانم، هم متدین می‌دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً اذعان می‌کردید. من البته علاوه‌ی بر اینها، بعضی از این دوستان را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور با سوابقشان می‌شناسم؛ اینها مردمانی هستند متدین و امین؛ اینها امینند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش می‌کنند برای این کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند، در مقابل یک تعداد کثیری از کسانی قرار می‌گیرند - که حالا نمی‌خواهم تعبیر متناسب واقعی را بکنم، چون گاهی تعبیرهایی هست که واقعاً شایسته‌ی آن تعبیرند اما خوب، مناسب نیست که ما به زبان بیاوریم - و انصافاً در مقابل آنها با شجاعت کامل، با دقت کامل مواضع خودشان را بیان می‌کنند، دنبال می‌کنند و تعقیب می‌کنند.»

رهبر انقلاب در مورد منتقدین هم فرمودند: «بنده با انتقاد مخالف نیستم، عیبی ندارد، انتقاد لازم است و کمک‌کننده است، منتها این را همه توجه داشته باشند که انتقاد کردن آسان‌تر از عمل کردن است. عیب‌های طرف مقابل را در آن عرصه‌ای که قرار دارد، ما راحت می‌بینیم، درحالی‌که خطرات او، دشواری‌های او، نگرانی‌های او، مشکلات او را انسان نمی‌بیند. مثل این است که شما کنار یک استخری ایستاده‌اید، دارید تماشای می‌کنید؛ یک نفر هم رفته است روی ارتفاع، از ده‌متری می‌خواهد شیرجه بزند. خُب، شیرجه می‌زند، شما که اینجا کنار استخر ایستاده‌اید، می‌گویید هان!

^{۸۵} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲.

^{۸۶} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

^{۸۷} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

این پایش خم شد، زانوبیش خم شد؛ این یک اشکال. بله، این اشکال است اما شما زحمت بکشید از این دایو بروید بالا، سر آن دهمتری به آب یک نگاهی بکنید، آن وقت قضاوت بکنید! انتقاد کردن آسان است. [البته] این حرف من مانع از انتقاد نشود؛ انتقاد بکنید لکن توجه داشته باشید که انتقادها با لحاظ این معنا باشد که آن طرف مقابل بعضی از عیوبی را که ما در انتقادمان ذکر می‌کنیم ممکن است می‌دانند، [اما] خب به این نتیجه رسیده‌اند یا ضرورت‌ها آنها را به اینجا کشانده یا به هر دلیل دیگری. البته بنده نمی‌خواهم بگویم اینها معصومند؛ نه، معصوم نیستند؛ ممکن است انسان یک‌جایی در تشخیص، در عمل خطا هم بکند، اما مهم این است که به امانت اینها و به دیانت اینها و به غیرت اینها و به شجاعت اینها ما اعتقاد داریم.^{۸۸}

رهبر انقلاب در عین حال در کنار طرح خطوط قرمز، بارها نکاتی که لازم دیدند، به تیم مذاکره کننده و مسئولین متذکر شدند. ایشان فرمودند: «به طرف مقابل اعتماد نکنید. خوشبختانه اخیراً یکی از مسئولین محترم صریحاً گفت که ما به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم و این خیلی چیز خوبی است. گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لب‌خند او فریب نخورید، به وعده‌ی نقد که می‌دهد — وعده‌ی نقد، نه عمل نقد — اعتماد نکنید، [چون] وقتی خرس از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد! اینقدر اینها وقیحند. امروز که یک تفاهم اولیه به صورت یک یادداشت و یک اعلامیه منتشر شده است و هنوز هیچ کار نشده است و خود طرفین می‌گویند که الزامی وجود ندارد، همین حالا که توانسته‌اند این مقدار حرکت را بکنند، شما دیدید رئیس جمهور آمریکا در تلویزیون ظاهر شد با چه ژستی، با چه ریختی!»^{۸۹}

ایشان همچنین فرمودند: «من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبح تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد]. ملت ایران این جور نیست؛ ملت ایران مذاکره‌ی زیر سایه‌ی تهدید را بر نمی‌تابد. چرا تهدید می‌کنند؟ چرا غلط زیادی می‌کنند؟ می‌گویند اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله‌ی نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می‌کنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید می‌کردند - گفتم دوران بزن و دررو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد. این معنا را همه توجه داشته باشند؛ مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند؛ خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد که البته لابد هست، ان شاء الله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهند کرد؛ اما این معنا هم قابل قبول نیست که آنها مدام بنشینند تهدید بکنند. چه تهدیدی؟... بنده با مذاکراتی که در زیر شبح تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم.»^{۹۰}

رهبر انقلاب ناظر به تیم مذاکره کننده تأکید کردند: «بدانند دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز با ارزشی است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است. اینکه بعضی از روشنفکرانها قلم بردارند و قلم بزنند که "آقا ما صنعت هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم" این فریب است؛ این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیس‌ها آمده بودند می‌خواستند نفت را ببرند، اینجا دولتمرد قاجاری می‌گفت ما این ماده‌ی بدبوی عفن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند! این شبیه آن است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور یک ضرورت است؛ هم برای انرژی،

^{۸۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^{۸۹} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۹۰} بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه‌ی کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ این را هم بچه‌های ما خودشان به دست آوردند؛ این انفجار ظرفیت‌های درونی و استعدادهای درونی بچه‌های ما بود... بنابراین دستاورد هسته‌ای، بسیار مهم است و دنبال کردن این صنعت و صنعتی کردن کشور، بسیار چیز لازمی است؛ بایستی این مورد توجه باشد.^{۹۱}

ایشان در خصوص توافقی که صورت می‌پذیرد نیز فرمودند: «همه‌ی آنچه هم قرارداد بسته می‌شود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید روشن، واضح، غیر قابل تفسیر و تأویل باشد. این جور نباشد که طرف مقابل - که با دبه‌کردن و چک‌وچانه زدن، کار خود را پیش می‌برد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبه در بیاورد، کارها را مشکل بکند؛ نه، همه‌ی اینها برای این است که سلاح و حربی تحریم از دست دشمن خارج بشود. اگر بتوانند این کار را بکنند خوب است. البته باید به معنای واقعی کلمه تحریم از دست دشمن خارج بشود، تحریم برداشته بشود؛ توافقی به این صورت [بشود]؛ و آلا اگر چنانچه در این زمینه به توفیق نرسیدند، ملت ایران و مسئولین و دولت محترم و دیگران، راه‌های فراوانی دارند و یقیناً باید آن راه‌ها را طی کنند برای اینکه بتوانند حربی تحریم را بی‌اثر کنند و کنند.»^{۹۲}

تیم مذاکره‌کننده تلاش‌های زیادی انجام داد و حتی چندین بار محل مذاکرات را به واسطه‌ی زیاده‌خواهی طرف غربی ترک کرد. در خلال مذاکرات برخی مشاوره‌های کارشناسی نیز از داخل کشور و از سوی تیم آقای ولایتی و تیم آقای جلیلی به صورت مکتوب داده شد که این البته به معنی اعمال تمام این نظرات کارشناسی نیست.

رهبر انقلاب بارها از تیم مذاکره‌کننده صریحاً حمایت کردند و فرمودند که در مورد آنها و آنچه تا حالا بوده‌اند، هیچ تردیدی ندارند و ان‌شاءالله بعد از این هم تردیدی به‌وجود نخواهد آمد. ایشان هر بار بعد از این تأییدها تأکید کردند که با این وجود جداً دغدغه دارند و این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل به‌شدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است.

با تمام فراز و فرودهایی که پشت سر گذاشتیم و با تمام تلاش‌های انجام‌شده اکنون توافقی به دست آمده که باید در داخل کشور توسط مسئولین و کارشناسان و متخصصان مورد بازبینی دقیق قرار بگیرد و مسیر قانونی لازم را طی کند تا مبادا به واسطه‌ی قابل تأویل بودن یا مشکلات دیگر راه برای دبه در آوردن طرف غربی باز شود. ما در حال مذاکره با دشمنیم. دشمنی که چون نتوانسته از راه‌های دیگر ما را به شکست بکشانند، اکنون پای میز مذاکره نشسته و طبیعی است بخواهد شیطنت‌های خود را در چارچوب مذاکره پی بگیرد. وسواس داشتن بر سر متن نهایی توافقی در چنین شرایطی خصوصاً وقتی سوابق بدعهدی طرف مقابل روشن است، اصلی بدیهی و عقلایی است. علاوه بر این با توجه به تأکیدات مکرر رهبر انقلاب بر روی خطوط قرمز لازم است مسئولین و کارشناسان کشور متن نهایی را با خطوط ارائه شده از سوی رهبر انقلاب بسنجند تا مبادا به عنوان توافق، از منافع ملی خود عدول کرده باشیم و حاصل کار به نفع دشمن تمام شود.

با وجود حمایت‌های رهبری، قابل نقد دانستن توافق چه جایگاهی دارد؟

در پاسخ به این سؤال جواب‌های متعددی قابل طرح است که در اینجا به تفکیک مورد اشاره قرار می‌دهیم:

^{۹۱} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۹۲} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹.

۱- چه تیم مذاکره کننده، تیم آقای ظریف باشد، چه تیم آقای جلیلی، چه هر تیم دیگری که امین و متدین و غیور و شجاع هم باشد، چون طرف مذاکره‌ی ما دشمن است، لازم است حساسیت و دقتی دوچندان نسبت به متنی که به عنوان توافق امضا می‌کنیم داشته باشیم. ضمن اینکه حتی اگر بهترین تیم مذاکره کننده را وسط میدان فرستاده باشیم، باز هم ممکن است ناخواسته خطایی مرتکب شده باشند یا توانشان به حل و فصل برخی مسائل نرسیده باشد. از این حیث بازنگری و بررسی دقیق و نقد آنچه با وجود تمام تلاش‌ها به دست آوردیم توسط کارشناسان ضروری است. طبعاً این منافاتی با مؤمن بودن و قابل اعتماد بودن تیم مذاکره کننده ندارد.

۲- وقتی یک مربی فوتبال تیمش را داخل زمین بازی می‌فرستد و مدام به آنها روحیه می‌دهد، آنها را راهنمایی می‌کند و از آنها حمایت می‌کند، این لزوماً به معنی آن نیست که آنها هم حتماً در نهایت خواهند توانست به راهنمایی‌های مربی به طور کامل جامعه عمل بپوشانند و نتیجه‌ی مطلوب را کسب کنند. ممکن است با وجود تمام راهنمایی‌ها و با وجود تلاش زیادی که به کار می‌بندند، به واسطه‌ی غفلتی کوچک یا هر دلیل دیگر بازی را واگذار کنند. تیم مذاکره کننده تلاش خود را کرده است، اما اینکه تلاش‌هایش به ثمر نشسته یا با وجود زحمات فراوان نتوانسته نتیجه‌ی مطلوب را کسب کند، تعارضی با حمایت‌های مربی از تیم ندارد.

۳- رهبری مسئولین مختلفی را در کشور منصوب می‌کنند و راهنمایی‌های لازم را نیز به آنها ارائه می‌دهند اما همواره فرموده‌اند این به معنی عدم امکان نقد آنها و بی‌اشکال بودن و معصوم بودن آنها نیست. اتفاقاً ایشان مثلاً از دانشجویان مطالبه‌گری را خواسته‌اند. این همه در حالی است که رئیس‌جمهور تیم مذاکره کننده را تعیین کرده و این تیم منصوب مستقیم رهبری نیستند؛ البته جمعی از کارشناسان با تجربه‌ی کشور و مورد اعتمادند.

۴- در خصوص تیم مذاکره کننده و مذاکرات، رهبری خودشان فرمودند: «انتقاد لازم است و کمک کننده است». ایشان البته برای طرح انتقاد شرایطی را برشمردند و تأکید کردند: «بنده نمی‌خواهم بگویم اینها معصومند؛ نه، معصوم نیستند؛ ممکن است انسان یک‌جایی در تشخیص، در عمل خطا هم بکند، اما مهم این است که به امانت اینها و به دیانت اینها و به غیرت اینها و به شجاعت اینها ما اعتقاد داریم.»^{۹۳} رهبر انقلاب در فروردین ماه امسال نیز در حرم رضوی فرمودند: «ممکن است در یک قضیه‌ای، یک عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلوپس بودن جرم نیست. می‌توانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسئله‌ی مهم و حساس کشور، احساس دلوپسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما این به معنای متهم کردن نباشد، به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد. از آن طرف هم دولت و طرفداران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلوپسی می‌کنند، بایستی اهانتی نکنند. من این را صریحاً به ملت عزیزمان عرض می‌کنم - قبلاً هم گفتم - من از همه‌ی دولت‌ها در دوران مسئولیت خودم حمایت کردم؛ از این دولت هم حمایت می‌کنم. هر جا هم لازم باشد تذکر می‌دهم؛ البته چک سفید امضا هم به کسی نمی‌دهم. نگاه می‌کنم به عملکردها و برحسب عملکردها قضاوت می‌کنم و به توفیق الهی و به کمک الهی، برحسب عملکردها هم عمل خواهم کرد.» ایشان شرایطی نیز برای انتقاد مطرح کردند: «انتقادها باید در چهارچوب منطقی باشد. خود بنده هم به دولت‌های گوناگون انتقادهایی داشتم، این انتقادها را همواره هم تذکر داده‌ام... تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی

^{۹۳} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

که مسئولند و مشغول کارند، سلب نکنند؛ تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسئله‌ی ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار نکنند.^{۹۴} پس از دیدگاه ایشان انتقاد شرایط و اصولی دارد و با حفظ این شرایط انتقاد نه تنها بد نیست بلکه لازم و کمک کننده است. از دیدگاه ایشان همین مسئولین که مورد حمایت مکرر ایشان قرار گرفته اند معصوم نیستند؛ بلکه ممکن است خطا کنند. این خطای احتمالی را می‌توان و باید نقد کرد اما نباید در تدین، غیرت، شجاعت و امانت این افراد تردید کرد.

۵- رهبر انقلاب در خصوص دخالتشان در مذاکرات نیز تصریح کردند: «بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، بازهم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام... اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست»^{۹۵}

بدیهی است نقد باید همدلانه باشد. نباید نبرد با دشمن را فراموش کنیم، نباید جبهه را اشتباه بگیریم و در فضایی که منافع و امنیت ملی مطرح است به تسویه حساب جناحی پردازیم. نقد لازم و کمک کننده است اما با رعایت تمامی این اصول. اشکالی که گاه در نقد پیش می‌آید این است که برخی به بهانه‌ی نقد ولو آنکه اصل انتقاد هم وارد باشد، پا را فراتر از مدعای اصلی می‌گذارند و حتی گاه شخصیت و دیانت او را نیز مورد هجمه قرار می‌دهند. برای اینکه انتقادی را متوجه کسی کنیم حتماً لازم نیست او را حتماً جاسوس و بی‌دین و... معرفی نماییم و پا را از حوزه‌ی ادب و اخلاق و تدین فراتر بگذاریم. نقد باید باشد اما با مراعات اصول، موازین دینی و اخلاق اسلامی.

نقد و بررسی فضای شکل‌گیری توافق

قبل از اینکه وارد نقد و بررسی اصل توافق شویم، لازم است ببینیم توافق در چه فضا و بستری شکل گرفت. اگر با وجود تدین، شجاعت، امانت و غیرت، کاری کنیم که دشمن ما را در موضع ضعف قلمداد کند، اگر طوری سخن بگوییم که دشمن برداشت کند ما نیازمند و محتاج مذاکره و ترحم او هستیم، اگر قدر و ارزش داشته‌های هسته‌ای خود را آن گونه که باید ندانیم، اگر به توانمندی‌های درونی کشور باور لازم و جدی نداشته باشیم، اگر به طرف مذاکره که دشمن ماست، خوش بین باشیم، اگر راه حل اصلی رفع مشکلات کشور را مذاکرات قلمداد کنیم یا چشممان به دستان بیگانه باشد، اگر دشمنی دشمن را باور نکنیم و یک منازعه‌ی بنیادی و تمدنی را سوء تفاهم بدانیم، اگر به قدرت و اقتدار خود ایمان نداشته باشیم، آن وقت ناگزیر امتیازهای بیشتری خواهیم داد، بیشتر عقب خواهیم نشست و از دستاوردهای هسته‌ای خود راحت‌تر خواهیم گذاشت. اصلاً فضای مذاکره ما را به سمتی می‌برد که امتیاز بیشتری بدهیم. به راستی دلیل تکرار مکرر تذکرات این‌چنینی از سوی رهبر انقلاب خطاب به مسئولین کشور و تیم مذاکره کننده چه بود؟ چرا این همه تکرار؟ اگر مسئولین و مذاکره کنندگان به این تذکرات باور و التزام داشتند، آیا نیاز به این همه تکرار می‌بود؟ اگر چه همین پرسش مسائل زیادی را روشن می‌کند اما در اینجا مستندات متعددی را برای روشن‌تر شدن برخی از این محورها از نظر می‌گذرانیم. بررسی این فضا در جمع‌بندی آنچه در جریان توافق گذشته است، اهمیت دارد.

^{۹۴} بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.

^{۹۵} بیانات در دیدار مباحثان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

دشمن ما را در موضع ضعف قلمداد کرد

دشمن تحریم‌های گسترده‌ای را وضع کرده بود که آن را فلج‌کننده می‌خواند. تلقی آنها از مذاکرات محرمانه‌ای که صالحی کلید زد، این بود که فشارها پاسخ داده است. با این همه اما در دولت دهم آمریکا برای مذاکره مشتاق به نظر می‌رسید. مسئله‌ای که در دولت یازدهم متفاوت شد. صالحی می‌گوید: «در زمانی که مذاکرات محرمانه با امریکایی‌ها در عمان جریان داشت، شرایط برای گرفتن امتیاز از امریکا، مساعدتر بود. بعدها که دولت یازدهم و دولت امریکا مستقر شدند و آقای کری وزیر امور خارجه شد امریکایی‌ها از موضع محکم‌تری صحبت می‌کردند. دیگر به آن صورت شوق و اشتیاقی برای پیگیری مذاکره نداشتند. مواضع آنها سخت‌تر شده بود و آستانه‌ی مطالباتشان بالاتر رفته بود.»^{۹۶}

شاید نخستین آدرس غلطی که به دشمن داده شد، همان ماجرای مناظره‌های انتخاباتی و به حراج گذاشته شدن آبروی ایران بود. کلینتون می‌نویسد: «یک بار دیگر حوادث [سیاسی درون ایران] ماجرا را دستخوش تغییر کرد... ناامیدی [در میان مردم] به راحتی دیده می‌شد... روزهای آخر قبل از انتخابات بود که یک اتفاق قابل توجه رخ داد. در میانه‌ی [روند برگزاری] انتخابات به دقت برنامه‌ریزی‌شده‌ی حکومت، این سرخوردگی‌ها وارد فضای عمومی [کشور] شد و ناگهان اختلاف‌نظرها و شکست‌های سیاستی حکومت، مقابل تمام [مردم] کشور مورد بازخواست واقع شد. مخالفان جلیلی در یک مناظره‌ی "انفجاری" که در تلویزیون سراسری ایران پخش می‌شد، به خاطر سوء مدیریت وی در سیاست‌های هسته‌ای و عوارض وحشتناک آن برای اقتصاد کشور، بی‌رحمانه به او حمله کردند. "علی‌اکبر ولایتی" وزیر خارجه‌ی سابق ایران و یکی از اصول‌گرایان شناخته‌شده، [خطاب به جلیلی] گفت: "اصول‌گرا بودن به معنای انعطاف‌ناپذیری و یک‌دندگی نیست." "محسن رضایی" فرمانده ارشد سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم آهنگ مقاومت مقابل [همه] دنیا را زیر سؤال برد: "ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم همه چیز [و همه نوع امتیاز] بگیریم، اما هیچ چیزی ندهیم. آیا به خاطر مقاومت باید مردم را گرسنه نگه داریم؟" جلیلی تلاش کرد از سیاست مانع‌تراشی خود در آخرین دور مذاکرات با ۵+۱ دفاع کند: "می‌خواستند جواهر [ما] را با آب‌نبات عوض کنند." سپس از [صحبت‌های] رهبر هم در دفاع از خود استفاده نمود، اما این کار هم موجب توقف حملات نشد. "حسن روحانی" که خود، مذاکره‌کننده‌ی ارشد سابق ایران در موضوع هسته‌ای بود و به دلیل بحث درباره‌ی "تعامل سازنده با جهان" نزدیک‌ترین گزینه به یک کاندید میانه‌رو محسوب می‌شد، جلیلی را به خاطر اجازه دادن [و کم‌کاری درباره] تحریم‌های شورای امنیت سازمان [علیه ایران]، کوبید: "همه‌ی مشکلات ما از همین ناشی می‌شود. خوب است که سانتریفیوژهای ما بچرخد، اما به شرط آن که چرخ زندگی و معاش مردم هم بچرخد." ایرانیانی که در منزل این مناظره را تماشا می‌کردند، مطمئناً شوکه شده بودند. تا آن زمان به ندرت به مردم اجازه داده شده بود تا شاهد مناظره‌ای این‌چنین باشند. مردم ایران در روز انتخابات، در ماه ژوئن سال ۲۰۱۳، در گروه‌های بسیار بزرگ پای صندوق‌های رأی رفتند و طی انتخاباتی یک‌سویه، روحانی را انتخاب کردند.»^{۹۷}

سوگمندانه باید گفت انتخابات این پیام را به طرف غربی داد که تحریم‌ها اثر کرده، سیاست مقاومت در ایران شکست خورده و ایران آماده‌ی امتیاز دادن است. سخن حسن روحانی که از چرخش همزمان سانتریفیوژها و زندگی مردم

^{۹۶} روزنامه ایران، ویژه‌نامه‌ی از تولد تا توافق، جعبه سیاه مذاکره محرمانه ایران و امریکا.

^{۹۷} سایت خبری مشرق‌نیوز، اقتصاد ایران را به قربانگاه بردیم/ روحانی همه مشکلات اقتصادی را به گردن جلیلی انداخت/ تحریم‌ها حتی صدای احمدی‌نژاد را هم درآورد، ۱۳۹۳/۱۰/۲۴.

حکایت داشت و بعدها نیز تکرار شد، طرف غربی را امیدوار می‌کرد که دیگر با رغیبتی سرسخت مواجه نیست و می‌توان در مذاکرات دست بالا را داشت.

جان کری پس از توافق وین در جلسه‌ی شورای روابط خارجی سنای امریکا گفت: «افتخار می‌کنم که در زمانی که برای تحریم ایران تلاش می‌کردیم من رئیس همین کمیته بوده‌ام. همه‌ی ما آن بحث‌های طولانی را به خاطر می‌آوریم و آن تحریم‌ها را با اتفاق آرا به تصویب رساندیم. تحریم‌هایی که نقش اساسی‌ای در کشاندن ایران به پای میز مذاکره داشتند و روشن ساختند که ما نیاز به مذاکرات جدی و سازنده با ایران داریم.»^{۹۸}

اگر چه ایران بارها ناگزیر شده بود نسبت به برداشت‌های این‌چنینی پاسخ دهد اما اظهارات کری به گونه‌ای بود که واکنش مجدد ظریف را به دنبال داشت. محمد جواد ظریف در پاسخی مکتوب تصریح کرد: «همان گونه که بارها اعلام کرده‌ایم مقاومت مردم ایران در برابر فشارهای مختلف بین‌المللی برای کنار گذاشتن برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای و پیگیری حقوق خود بر مبنای ان‌پی‌تی که در حماسه سیاسی انتخابات سال ۹۲ با حضور ۷۳ درصدی مردم در انتخابات متبلور شد، در نهایت امریکا را وادار ساخت که راه تقابل را کنار گذاشته و تمرکز خود را بر حل و فصل موضوع از طریق گفت‌وگو قرار دهد.»^{۹۹}

متأسفانه این تنها انتخابات ۹۲ نبود که این برداشت را در طرف غربی ایجاد کرد تا از موضعی بالاتر با ایران سخن بگوید. اظهارات گاه و بیگاه مقامات دولتی در ایران مدام همین برداشت را در طرف غربی ایجاد می‌کرد که تحریم‌ها اثر کرده و ایران در موضع ضعف قرار گرفته است. این روند تا آنجا پیش رفت که رئیس‌جمهور حتی آب خوردن مردم را هم به تحریم‌ها ربط داد! این اظهارات طرف مقابل را امیدوار کرد که می‌توان ایران را تحت فشار گذاشت و اظهار نظر برخی کارشناسان آمریکایی مبنی بر بی‌حاصل بودن تحریم‌ها بی‌مبناست. ایران با زبان بی‌زبانی به طرف غربی می‌گفت تئوری چماق و هویج جواب داده است.

هفدهم خرداد ۸۴، روحانی در مراسم گرامیداشت هفته‌ی محیط زیست، طی سخنانی گفت: «ما وقتی می‌گوییم باید تحریم‌های ظالمانه رفع شود بعضی‌ها چشمان‌شان زیاد نچرخد. تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند. آنها که ملت ما را تحریم کرده‌اند ظلم بزرگی مرتکب شده‌اند اما عده‌ای در داخل هم نمی‌دانستند تحریم چیست.»^{۱۰۰}

این اظهارات در حالی بود که مقام معظم رهبری در بیاناتی در ۹ اردیبهشت ۹۴ تأکید کرده بودند: «کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست، در داخل کشور است و همه باید مسئولیت‌های متفاوت خود را در تقویت تولید داخلی به عنوان "تنها راه علاج مشکلات اقتصادی"، انجام دهند.»^{۱۰۱}

علی جعفری طی یادداشتی با عنوان "آقای روحانی، مراقب باشید اوباما صدایتان را نشنود!"، نوشت: «در نوع واکنش رئیس‌جمهور محترم، ناخواسته "گرایی" به دشمن داده‌ایم که آنها نتیجه بگیرند، اصرار بر افزایش تحریم، "زانوهای" ملت ایران را به لرزه در آورده و با ادامه وضع موجود، زمین‌گیر شدن "فرزندان خمینی(ره)" نزدیک است(!). از این رو امید است ریاست محترم جمهور، که همواره پرهیز از افراط و تفریط را به‌عنوان سرلوحه‌ی دولت "تدبیر و امید"

^{۹۸} سایت خبری رجانیوز، ایران اکنون موافقت کرده که ۹۸ درصد از ذخایر اورانیوم غنی شده خودش را داوطلبانه از بین ببرد/ دو سوم از سانتریفیوژهای نصب شده خود را باز کند، قطعات هر سانتریفیوژ را از هم جدا کند، قلب رآکتور آب سنگین خودش را کنار بگذارد و آن را با سیمان پر کند، ۱۳۹۴/۵/۵.

^{۹۹} سایت پرس تیوی، ظریف: تلاش برای اختلاف انداختن بین مسئولان ایران محکوم به شکست است، ۱۳۹۴/۵/۳.

^{۱۰۰} سایت خبری الف، واکنش‌ها به سخنان روحانی درباره تأثیر تحریم‌ها، ۱۳۹۴/۳/۲۱.

^{۱۰۱} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۹.

مطرح ساخته‌اند، با توجه به این نکته که همه‌ی سخنان ایشان دارای پیام سیاسی برای طرف غربی است، در بیان دیدگاه‌هایشان کمی بیشتر تأمل نمایند تا خدای نکرده بهانه‌ای بدست دشمن ندهیم.^{۱۰۲}

آیت الله یزدی، ریاست مجلس خبرگان در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور تصریح کرد: «دولت نباید همه‌ی مسائل روزمره را به تحریم‌ها گره بزند و کارها نباید به نتیجه‌ی مذاکرات و توافق موکول شوند؛ بلکه توجه به قابلیت‌های داخلی امری اساسی و مهم است.»

آیت الله آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه نیز طی سخنانی، به موضوع برخی تلاش‌ها برای پیوند زدن همه‌ی مشکلات اقتصادی به مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌ها اشاره کرد و با اشتباه دانستن این رویکرد از منظر سیاسی و اقتصادی گفت: «با وجود تذکر این مسئله از سوی مقام معظم رهبری و مسئولان نظام باز هم می‌شنویم که عده‌ای تمام مشکلات کشور را به مسئله‌ی تحریم‌ها و مذاکرات گره می‌زنند و به راحتی تمام سرمایه‌های ملی و داخلی، توانمندی‌های جوانان و استعدادهای داخلی را نادیده می‌گیرند؛ گرچه تردیدی نیست که تحریم‌ها مشکلاتی را ایجاد کرده اما باید مدنظر قرار دهیم که ملت ایران با تکیه بر توان داخلی برهه‌هایی سخت‌تر از این به مانند دفاع مقدس را پشت سر گذاشته است. اینکه در مقابل دشمن به گونه‌ای سخن بگوییم که گویا تمام مشکلات کشور معطوف به تحریم‌ها است و کشور بر اثر این تحریم‌ها کاملاً وا مانده و راهی به جلو ندارد، کار غلطی است.»

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز گفت: «سهم تحریم‌ها در وضع اقتصادی کشور تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد است.»

محمدباقر قالیباف نیز تصریح کرد: «متأسفانه رویکرد مدیریتی دولت در دو سال گذشته شرایط را به گونه‌ای رقم‌زده که جامعه حس می‌کند انرژی مسئولین به جای حل مشکلات آن‌ها صرف مسئله‌سازی‌هایی می‌شود که هدف از آن وابسته کردن کشور به مذاکرات هسته‌ای و گریزناپذیر نشان دادن توافق به هر قیمت است. گویی هدف دولت برای دستیابی به توافق، رفع تحریم‌ها نیست بلکه جلب آرای سیاسی برای پیروزی در انتخابات آتی است. ما باید تاریخ را آینه عبرت خود کنیم. تاریخی که به ما می‌گوید گره زدن همه‌ی امورات کشور به راضی کردن بیگانگان نتیجه‌ای جز سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق نداشت. اگر اقتصاد مبتنی بر توان داخلی در دولت دکتر مصدق عملیاتی شده بود و نگاه به خارج از مرزها در کشور حاکم نمی‌شد، ریزش نیروهای اجتماعی به آن حد نمی‌رسید که کودتای انگلیسی علیه دولت ملی موفق شود. تردیدی در این نیست که قدرت دفاعی و اقتصادی کشور امکان چانه‌زنی و دستیابی به توافقی با عزت را افزایش می‌دهد؛ و امروز تأسفانگیز است که دولت با دست خود، خود را در میز مذاکرات خلع سلاح کرده است.»

حجت الاسلام رئیسی، دادستان کل کشور نیز در همین زمینه گفت: «اینکه آب خوردن خود را به مذاکرات وابسته بدانیم، یک خطای راهبردی است که دشمن خواسته یا ناخواسته از این کُد استفاده خواهد کرد. انسان نباید خود را محتاج دشمن نشان دهد.»

حسین شریعتمداری نیز در سرمقاله‌ی کیهان نوشت: «چرا باید رئیس‌جمهور محترم کشورمان از نگاه طرف مقابل ایران در مذاکرات هسته‌ای، "یک فروشنده بدهکار" تلقی شود که در "وضعیت اضطراری" قرار گرفته و خود را "ناچار به فروش منافع ملی کشورش" می‌داند؟! و بعد، حریف نتیجه بگیرد اگر در خرید از این فروشنده که بدهکار و

^{۱۰۲} پایگاه تحلیلی تدبیر ۲۴، آقای "روحانی"، مراقب باشید "اوباما" صدایتان را نشنود، ۱۳۹۴/۳/۲۴.

مستأصل است، عجله نکنیم اولاً؛ وضعیت و شرایط اضطراری او "دشوارتر" می‌شود و ثانیاً؛ بهای آنچه را که برای فروش آورده است بازهم پائین‌تر می‌آورد؟!^{۱۰۳}

البته این تنها روحانی نبود که با این ادبیات سخن می‌گفت. هاشمی رفسنجانی هم با "عجیب" توصیف کردن اظهارات کسانی که تحریم‌های هسته‌ای را به نفع ایران می‌دانند، گفت: «تحریم‌ها پدر مردم را درآورده؛ چطور به نفع ماست؟» همین جمله از هاشمی تیتربیتی‌سی‌فارس‌سی‌شد.^{۱۰۴} هاشمی تصریح کرد: «تحریم‌ها پدر مردم را در آورده است، اکثر مردمی که مزدبگیر هستند تحریم‌ها استخوان‌های آنها را خرد کرده است.»^{۱۰۵}

چشم‌داشت به بیگانه به جای تحرک جدی داخلی

در اینجا به ذکر اظهارنظر کرباسچی که دارای گرایش سیاسی نزدیک به رئیس‌جمهور است، اکتفا می‌کنیم. او دوم اردیبهشت‌ماه ۸۴ در مصاحبه با روزنامه شرق تصریح کرد: «قطعاً بخشی از فعالیت‌های دولت، با رفع تحریم‌ها با کیفیت بهتری انجام می‌شود، اما در شرایط تحریم هم نباید این‌گونه باشد که مسئولیت‌ها را از دوش خودمان برداریم و تا بگویند که چرا فلان کار را نکردید، بگوییم تحریم هستیم... در هر شرایطی حتی در شرایط تحریم کارهایی هست که می‌شود انجام داد و نباید آن کارهایی که می‌شود را به بهانه‌ی تحریم از سر باز کنیم.»

وی ادامه داده بود: «دلمان باید برای اداره کشور شور بزند. نمی‌شود معاون وزیر، وزیر یا مسئول فلان بخش باشیم، اما استدلال ما این باشد که اگر بودجه دادند، کار می‌کنیم و اگر هم ندادند کار نمی‌کنیم!»

او افزوده بود: «یک تعدادی آدم خسته و سالخورده بنشینیم و بلند شویم که نمی‌شود! اصلاً فرض کنید که مناقشه‌ی هسته‌ای هم حل شد، بعد از آن چه؟ این بی‌حرکی‌ها آدم را برای دولت نگران می‌کند. چشم بر هم گذاشتیم نصف مهلت این دولت گذشت. وزرا و شخص رئیس‌جمهور باید فکر کنند خروجی این دوره از دولت آن هم با همه امیدیه که مردم به آن بسته‌اند، فقط در این خلاصه نشود که تحریم‌ها برداشته شد. اگر هنگام تحریم‌ها، تحرک ما این‌گونه باشد لابد بعد از آن دیگر خیالمان راحت خواهد شد و می‌گوییم همه‌چیز هست، دیگر!»^{۱۰۶}

دشمن به تعهداتش در ژنو و لوزان عمل نکرده بود

ما در شرایطی در وین توافق کردیم که دشمن بدعهد به تعهداتش در لوزان و ژنو عمل نکرده بود.^{۱۰۷} ظریف بعد از بیانیه‌ی لوزان در برنامه تلویزیونی نگاه یک تصریح کرد: «دیدیم که جان کری در صحبت‌های خود تأکید کرد در

^{۱۰۳} سایت خبری الف، واکنش‌ها به سخنان روحانی درباره تأثیر تحریم‌ها، ۱۳۹۴/۳/۲۱.

^{۱۰۴} سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی، هاشمی رفسنجانی: تحریم‌ها پدر مردم را درآورده، چطور به نفع ماست؟، ۱۳۹۴/۳/۲۶.

^{۱۰۵} سایت خبری انتخاب، آیت‌الله هاشمی: می‌گویند «تحریم‌ها به نفع ماست»، پدر مردم را درآورده، چطور به نفع ماست؟/ تحریم در حال پوساندن استخوان طبقه مزد بگیر است، ۱۳۹۴/۳/۲۶.

^{۱۰۶} سایت خبری رجانیوز، بی‌حرکی دولت روحانی صدای کرباسچی را هم در آورد: با آدم‌های سالخورده و خسته نمیتوان کشور اداره کرد/ بعد از مذاکرات هسته‌ای دولت می‌خواهد چه کند؟/ مشکل دولت رفع حصر نیست؛ مشکل ناکارآمدی است!، ۱۳۹۴/۲/۲.

^{۱۰۷} اظهارات آقای رئیس‌جمهور در خصوص عمل کردن طرف غربی به تعهداتش نادرست است. روحانی تصریح کرد: «در توافق ژنو طرفین به عمده توافقات عمل کردند و این تجربه نشان داد کار قابل پیشرفت است... ما در آن توافق موقت ژنو که مربوط می‌شود به اوایل آذر ۹۲ تا امروز که هنوز هم ادامه دارد آن توافق موقت، ما در مقام عمل آزمایش کردیم یعنی ما عمل کردیم آنها هم عمل کردند. معلوم است که می‌شود. ما الان توافقی که با ۱+۵ انجام دادیم مگر پایانش چند ساله است یک توافق ۱۰ ساله است. توافق گذشته سه ماه دیگر دو سال می‌شود بنابراین ۵ برابر همان است. اگر ما یک پنجم مفاد توافق را امروز انجام دادیم می‌تواند علامتی باشد برای اینکه ما می‌توانیم کار را پیش ببریم.» (سایت ۲۰.۱، ظریف: غرب به کاهش تحریم‌ها در توافق ژنو پایبند نبود و تحریم‌ها را مستحکم‌تر کردند)

یکسال گذشته [اجرای توافق ژنو تا انعقاد توافق لوزان] ایران به تمام تعهداتش عمل کرده است؛ اما من نمی‌توانم چنین صحبتی را در مورد آمریکا بکنم.^{۱۰۸} در اینجا مستندات چند نمونه را مرور می‌کنیم.

کاهش تحریم‌ها

به گزارش یک بیست ظریف یکسال بعد از توافق ژنو نیز در نامه‌ای که به وزرای خارجه‌ی ۱+۵ فرستاد، به تلاش‌های طرف مقابل برای نگهداری و استحکام رژیم تحریم‌ها اشاره کرد: «در حالی که ایران حسن نیت خود را با انجام کامل تعهدات خود در توافق نشان داد، آمریکا و اتحادیه اروپا به جای پایبندی به تعهدات کاهش تحریم‌شان، اقدامات بیشتری را برای نگهداری و استحکام رژیم تحریم‌ها اتخاذ کردند.»^{۱۰۹}

بیمه و درآمدهای نفتی

وزیر نفت قبل از اجلاس اوپک که با فاصله‌ی کمی نسبت به معاهده ژنو (ده روز بعد) برگزار می‌شد، با صراحت این پیام را داد که ایران به واسطه‌ی معاهده‌ی صورت پذیرفته، به بازارهای نفت باز می‌گردد: «ما می‌توانیم بلافاصله پس از لغو تحریم‌ها به ظرفیت کامل تولید چهار میلیون بشکه نفت در روز بازگردیم. بر این اعتقادیم که حق ما است که صادرات نفت خود را افزایش دهیم.»^{۱۱۰}

با این همه فروردین‌ماه ۸۴ وزیر نفت در پاسخ به خبرنگار تسنیم در مورد اینکه آیا بندهای توافق ژنو در بخش نفت (لغو تحریم بیمه نفت‌کش‌ها، پتروشیمی‌ها و وصول درآمدهای نفتی) از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا اجرایی شد یا خیر اعتراف کرد: «در مورد بیمه و دریافت درآمدهای نفتی به دلایلی که نمی‌توانم بازگو کنم این امر محقق نشد چرا که مجبور بودیم برخی از اطلاعات خود را افشا کنیم اما در بخش پتروشیمی توانستیم از این توافقنامه استفاده کنیم.»^{۱۱۱}

از آنجا که لغو تحریم‌ها شش ماهه بود و در این مدت خدمات بیمه‌ای قابل اطمینان و به صرفه نبود، تقریباً هیچ‌یک از شرکت‌های بیمه‌ای خارجی حاضر به بیمه کردن کشتی‌ها و نفتکش‌های ایرانی نشدند.

بزرگترین شرکت بیمه نفتکش جهان (P&I)، با استناد به اینکه طبق توافق ایران و قدرت‌های غربی، چارچوب تحریم‌ها برای مدت کوتاهی سست شده است و اعضای پی‌اند‌آی معتقدند، نمی‌شود در این شش ماه، پوشش گارانتی را انجام داد، به اعضای خود توصیه کرد که نفتکش‌های ایرانی را بیمه نکنند.

در بخش دیگری از دستورالعمل شرکت‌های بیمه بین‌المللی پی‌اند‌آی، به مالکان کشتی‌ها تأکید شده بود که در صورت بروز حادثه یا خسارت و باز بودن پرونده‌ی خسارت‌های احتمالی تا پس از اتمام ۶ ماه (۲۹ تیر ۹۳)، عملاً

^{۱۰۸} سایت ir. ۱-۲۰، ظریف: غرب به کاهش تحریم‌ها در توافق ژنو پایبند نبود و تحریم‌ها را مستحکم‌تر کردند.

^{۱۰۹} The second objective envisaged by JPOA, namely the lifting of all sanctions, is an essential component of any agreement. But some members of P ۱+۵ have become increasingly reluctant to abandon this counterproductive, illegal and inhuman instrument of coercion even at the expense of putting in jeopardy the entire process that provides certainty and assures transparency.... While Iran has shown its good faith by completely fulfilling its part of the bargain under the deal, the US and EU have adopted more measures to maintain and strengthen the sanctions regime than to live up to their sanction-easing commitments

^{۱۱۰} خبرگزاری ایسنا، زنگنه: به محض لغو تحریم‌ها صادرات نفت را افزایش می‌دهیم، ۱۳۹۲/۹/۱۳.

^{۱۱۱} خبرگزاری تسنیم، بند مربوط به وصول درآمد نفتی و بیمه نفتکش‌ها در توافق ژنو عملیاتی نشده است، ۱۳۹۴/۱/۲۵.

شرکت بیمه پاسخگوی پرونده‌ی مذکور نخواهد بود؛ این مسئله‌ی مهم سبب شد شرکت‌های معتبر بین المللی مانند گذشته از اعزام کشتی به ایران، خودداری کنند.^{۱۱۲}

معاون وزیر نفت نیز در مصاحبه‌ای بر وجود مشکل بر سر بیمه‌ی حمل و نقل صحنه می‌گذارد: «مالکان کشتی با توجه به شرایط کنونی، از عقد قرارداد یا اعزام کشتی به منطقه خودداری می‌کنند، همه‌ی مالکان اروپایی، ژاپنی، کره‌ای و یا شرکت‌هایی با شریکان آمریکایی، شروع همکاری خود را مشروط به رفع محدودیت‌های مربوطه، به ویژه برقراری پوشش بیمه پی اند آی اعلام کرده‌اند.»^{۱۱۳}

محمد حسین داجمر، مدیر عامل و رییس هیئت مدیره کشتیرانی جمهوری اسلامی در گفتگو با خبرنگار ایلنا در خصوص وضعیت بیمه‌ی کشتی‌های خارجی بعد از توافقات ژنو اظهار داشت: «به دلیل عدم اطمینان از شرایط و مدت کوتاه قراردادهای رغبتی از سوی کشورها وجود ندارد. شرایط بیمه‌های کشتی پس از توافقات صورت گرفته تغییری نداشته است و کمافی‌السابق ادامه دارد.»^{۱۱۴}

تحریم‌های صنعت هواپیمایی

مهندس میرزایی با اشاره به غیرقانونی بودن تحریم صنعت هواپیمایی طبق کنوانسیون‌های بین المللی، گفت: «تحریم فروش هواپیما به ایران، تحریم تأمین و تجهیز قطعات، تحریم سوختگیری هواپیما، تحریم شرکت‌های هواپیمایی و هواپیماها، چهار تحریم عمده در این حوزه هستند، که با توجه به بند مربوط به بخش هواپیمایی در متن توافق ژنو، مشخص می‌شود که تنها بخش "تأمین و تجهیزات قطعات" مورد بحث قرار گرفته است و آن هم قطعاتی که مربوط به ایمنی پرواز هستند. و توافق ژنو به سه حوزه دیگر تحریم هواپیمایی اساساً ورودی نکرده است.»

او می‌افزاید: «نکته‌ی جالب توجه اینجاست که تأمین قطعات مربوط به ایمنی پرواز طبق متون رسمی دولت آمریکا (۲۰۱۲ ITSIR) اصولاً جزء تحریم‌های آمریکا نبوده‌اند.»

کارشناس حوزه اقتصاد تحریم در ادامه به ذکر شروطی که برای استفاده از همین امتیاز از طرف آمریکایی‌ها در توافق ژنو در نظر گرفته شده بود پرداخت. عدم انجام تعمیرات اساسی و محدود بودن تعمیرات به قطعات ایمنی پرواز، محدود بودن به هواپیماهای غیرنظامی (حتی مجاز نبودن تعمیرات قطعات مشترک بین هواپیماهای نظامی و غیرنظامی)، و محدود بودن همین تعمیرات اندک به هواپیماهای شرکت ایران ایر و شرکت‌های از پیش تحریم نشده (که در نتیجه بسیاری از شرکت‌های هوایی از جمله ماهان، کاسپین و... همچنان در لیست تحریم باقی می‌مانند)، سه شرط عمده‌ی محدودکننده‌ی این امتیاز بودند.

میرزایی با اشاره به بیانیه‌ی وزارت خزانه‌داری آمریکا که همکاری شرکت‌ها با ایران در تأمین قطعات ایمنی پرواز را منوط به اخذ مجوز موردی کرده بود، افزود: «در همان زمان، مسئولین هواپیمایی کشوری و وزارت راه با خوشبینی مفرط صحبت از اتفاقات مثبت از جمله ورود ۱۳۰ هواپیمای زمین‌گیر به ناوگان هوایی کشور در طی چند روز آینده می‌کردند که البته این اتفاقات نیفتاد. و سرانجام حدود سه ماه بعد از شروع اجرای توافق، یعنی در نیمه فروردین ماه ۹۳ شرکت بوئینگ آمریکا اعلام کرد که مجوز تأمین قطعات ایمنی پرواز برای ۱۸ هواپیمای ایرانی را دریافت کرده است و یک هفته بعد مذاکره بین بوئینگ و تنها شرکت بزرگ غیرتحریمی ایران (ایران ایر) برگزار شد.»

^{۱۱۲} سایت ۱۲-۲۰، نمونه‌ای از تعلیق دکوری تحریم‌ها.

^{۱۱۳} خبرگزاری فارس، گشایشی در تحریم بیمه‌ای حمل و نقل صنعت پتروشیمی نشد، ۱۳۹۳/۴/۲۷.

^{۱۱۴} خبرگزاری ایلنا، تحریم برداشته نشده است، ۱۳۹۳/۲/۳۱.

میرزایی در ادامه به نتایج این مذاکره پرداخت و گفت: «پس از این مذاکره مشخص شد که شرط و شروطها برای این امتیاز ناچیز همچنان ادامه دارد. خبرگزاری رویترز در مصاحبه‌ای با سخنگویان دو شرکت بوئینگ و جنرال الکتریک این شروط را علنی کرد، که مطابق آن معلوم شد اولاً این تعمیرات فقط شامل هواپیماهای عملیاتی ایران می‌شود (نه آنهایی که زمین‌گیر هستند)، و لذا هیچکدام از هواپیماهای زمین‌گیر شده از این طریق به ناوگان هوایی کشور برنخواهند گشت؛ ثانیاً تعمیرات تنها برای هواپیماهایی که قبل از پیروزی انقلاب خریداری شده‌اند انجام می‌شود، در شرایطی که عمده این هواپیماها اکنون زمین‌گیر هستند (و شامل مورد قبل نمی‌شوند) یا تعمیرات‌شان به علت عمر بالا مقرون به صرفه نیست. و از طرف دیگر با توجه به اینکه قطعات مربوط به این هواپیماها بسیار قدیمی است و در انبار شرکت‌های تولیدکننده خارجی در حال خاک خوردن است، این امتیاز در واقع امتیازی به سود خودشان است.»

میرزایی به ذکر شرط سوم شرکت‌های بوئینگ و جنرال الکتریک برای این پرداخت که مطابق آن، خرید قطعات بر مبنای جایگزینی است (نه بر اساس اعلام نیاز ایران) نیز اشاره کرد.

این کارشناس حوزه اقتصاد تحریم گفت: «جالب توجه است که بدانیم طرف مقابل به همین امتیاز ناچیز همراه با کلی اما و اگر هم عمل نکرده است، برای مثال در تیر ماه ۹۳ لاستیک یکی از هواپیماهای ایران ایر در فرودگاهی در کشور سوئد دچار مشکل می‌شود که این فرودگاه از در اختیار قراردادن تجهیزات و کارگر برای این تعمیر جزئی استنکاف می‌کند و مسافری مجبور می‌شوند ۲۴ ساعت در سوئد بمانند تا امکانات از ایران برایشان ارسال شود.»^{۱۱۵}

کم‌ارزش تلقی کردن دستاوردهای هسته‌ای

چرا باید رهبرانقلاب تأکید کنند: «بدانند دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز با ارزشی است.»^{۱۱۶}

در سال‌های گذشته حتی بر سر نگهداری اورانیوم غنی‌سازی ۲۰ درصدی ایران در داخل یا کشور با طرف‌های مورد مذاکره بحث بود و در واقع می‌توان ذخیره‌ی اورانیوم ۲۰ درصد را برگ برنده‌ی ایران و پشتوانه‌ای برای وارد شدن از موضع قدرت در مذاکرات تلقی کرد. مذاکره‌کنندگان اما به راحتی از این همه گذشتند و حتی قبل از شکل‌گیری توافق نهایی این پشتوانه را از بین بردند. این نکته‌ای است که فریدون عباسی نیز به درستی به آن اشاره می‌کند: «ما زنجیره ۲۰ درصد را اگر پایین آوریم آنها باید تحریم بانک مرکزی را برمی داشتند. یعنی برخی جابه‌جایی‌های ما در حد این بود که کل تحریم‌ها برداشته شود.»^{۱۱۷}

مذاکره زیر شبح تهدید

دولتمردان در حالی مذاکرات را پیش بردند که طرف غربی بارها و بارها از گزینه‌های روی میز سخن گفت و مسئله‌ی حمله به ایران را پیش کشید. باراک اوباما در دیدار بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی با تأکید بر اینکه ایران به خاطر تحریم‌ها حاضر به مذاکره شد، گفت: «با چشمانی باز وارد مذاکره شده‌ایم و هیچ گزینه‌ای از جمله گزینه نظامی را از روی میز برداشته‌ایم.»^{۱۱۸}

^{۱۱۵} سایت ۱۲-۱، تحریم صنعت هواپیمایی و تأثیر توافق ژنو بر آن + فیلم.

^{۱۱۶} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۱۱۷} خبرگزاری فارس، صالحی نباید در این مقطع خرج می‌شد/ ماموران CIA با پول نقد سراغ افراد ما می‌آمدند/ غرب با بازطراحی اراک به دنبال نابود کردن ذخایر اورانیوم است/ مشکلات امروز به دلیل تعلیق داوطلبانه سال ۸۳ است، ۱۳۹۴/۴/۷.

^{۱۱۸} سایت خبری رجانیوز، وقتی تن علمای روابط بین‌الملل هم در گور می‌لرزد؛ اوباما: گزینه حمله نظامی به ایران روی میز است/ مشاور روحانی: بیایید اوباما را درک کنیم!، ۱۳۹۲/۷/۱۰.

در چنین شرایطی بود که رهبر انقلاب فرمودند: «من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبخ تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبخ تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد].»^{۱۱۹}

فضای افکار عمومی در ایران به تهدیدهای مکرر مقامات آمریکایی واکنش نشان داد و موج واکنش‌ها، شعرها، سرودها و کارهای گرافیکی مختلفی در این خصوص ایجاد شد. مواضع او‌باما اسبابی برای طنزپردازان ایرانی نیز بود.

جان بولتون از چهره‌های جمهوری خواه آمریکا طی یادداشتی نوشت: «اگر کسی سرود و شعار "همه گزینه‌ها روی میز است" رئیس‌جمهور باراک او‌باما در توافق هسته‌ای ایران را پذیرفته بود، احتمالاً توافق وین کمتر به نفع تهران می‌شد اما کسی تهدید آقای او‌باما به نیروی نظامی را جدی نگرفت؛ یک شکاف ناشی از اعتبار و نفوذ که اسرائیل همچنان از آن می‌هراسد و ایران از آن بهره‌برداری می‌کند.»^{۱۲۰}

تهدید نظامی اما تا همین اواخر نیز از جانب مقامات آمریکایی مطرح شده و می‌شود. دنیس راس مشاور سابق او‌باما در گفت‌وگو با پایگاه اخبار دفاعی اظهار داشت: «برای اینکه یک گزینه قابل اعتنای نظامی داشته باشیم، کافی نیست که فقط بگوییم تمام گزینه‌ها روی میز است بلکه باید اقدامات صریح‌تری انجام دهیم.»

وی در مورد اولین نشانه‌ها از تلاش دولت او‌باما برای متقاعد کردن متحد قدیمی خود در منطقه خاورمیانه (اسرائیل) گفت که حامی ایده‌ی فراهم کردن تسلیحات نظامی برای رژیم صهیونیستی است به گونه‌ای که بتواند به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند.

به نوشته‌ی پایگاه اینترنتی اخبار دفاعی منظور دنیس راس از به کار بردن واژه‌ی "صریح"، انتقال و فروش بمب‌افکن‌های B-۵۲ به رژیم صهیونیستی است که می‌تواند ۳۰ هزار پوند مواد منفجره را با خود حمل کند. راس گفته است که بازدارندگی به سؤالی بسیار مهم بعد از اجرایی شدن توافق هسته‌ای با ایران تبدیل خواهد شد.

مشاور سابق او‌باما در امور ایران تصریح کرد: «عمر این توافق ۱۵ ساله است و بعد از آن ایران به طور قانونی به کشوری در آستانه‌ی هسته‌ای شدن تبدیل می‌شود؛ بنابراین قبل از آنکه این ۱۵ سال به پایان برسد، اسرائیل باید به این قابلیت دست یابد.» وی پیشنهاد داد که خلبانان صهیونیست می‌توانند برای آموزش به آمریکا بروند؛ همچنین حتی اگر توافقی برای انتقال بمب‌افکن‌های پیشرفته آمریکایی صورت نگیرد، باز هم تل‌آویو نیاز دارد تا تجهیزات نظامی خود را به روز کند.^{۱۲۱}

محمد جواد ظریف در واکنش به اظهارات مقامات آمریکایی تصریح کرد: «من این را تکرار می‌کنم، نمی‌دانم چرا کسی گوش نمی‌دهد. آمریکا یکی از بنیانگذاران سازمان ملل است و گمان می‌کنم وقتی که بند دوم و پاراگراف چهارم منشور سازمان ملل را می‌نوشتند که تهدید به استفاده از زور مغایر با قوانین بین‌المللی است، حال اگر یک کشور به صورت روزانه بگوید که همه‌ی گزینه‌ها روی میز است، به این معناست که آنان یک کشور مستقل را تهدید می‌کنند. این قانون جنگل است نه قانون سازمان ملل. به نظر من، آمریکا اگر این گفتمان را کنار بگذارد، در حق خود خیلی لطف کرده است. منظور من این است که استفاده‌ی واقعی از نیروی نظامی تا کنون هیچ سودی به حال سیاست‌های آمریکا و مردم این کشور نداشته است. فقط باعث شده است مالیات‌پردازان آمریکا هزینه‌ی آن را بدهند. بسیار اهمیت

^{۱۱۹} بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

^{۱۲۰} سایت خبری جهان‌نیوز، جان بولتون: گزینه‌های روی میز شعار توخالی است، ۱۳۹۴/۵/۱۹.

^{۱۲۱} خبرگزاری مهر، کافی نیست که تنها بگوییم تمام گزینه‌ها روی میز است، ۱۳۹۴/۴/۲۷.

دارد بدانید مردم ایران دو ویژگی دارند: اول اینکه در برابر فشارها مقاومت می‌کنند ولی در برابر احترام، واکنشی مثبت نشان می‌دهند.^{۱۲۲}

اذعان آمریکا به بدعهدی و نقض توافق

ایران در حالی برای رسیدن به توافق تلاش می‌کرد که مقامات آمریکایی از عدم الزام خود به توافق سخن می‌گفتند؛ اظهارنظرهایی که هنوز نیز ادامه دارد.

در حالی که مذاکرات در جریان بود، ۴۷ سناتور آمریکایی نامه‌ای خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشتند که رهبر انقلاب آن را نشانه‌ی فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا قلمداد کردند. آنها در این نامه به صراحت تصریح کردند: «آنچه که قانون اساسی ما مقرر می‌دارد نشان دهنده‌ی آن است که هر توافقی که مربوط به برنامه هسته‌ای شما باشد اگر بدون موافقت کنگره امضا شده باشد صرفاً چیزی بیش از یک توافق اجرایی بین رئیس جمهور اوباما و مقامات جمهوری اسلامی نخواهد بود.» مهمتر از این اما ادامه‌ی نامه بود: «رئیس جمهور بعدی خواهد توانست این توافق را صرفاً با یک امضا باطل نموده و کنگره‌های آینده نیز می‌توانند مفاد این توافق را هر زمانی که بخواهند تغییر دهند.»

جان کری اما در کمیته روابط خارجی سنا امکان رد توافق از سوی رئیس‌جمهور یا کنگره‌ی آینده‌ی آمریکا را منتفی ندانست و تنها گفت: «نامه‌ی سناتورهای آمریکا به ایران، اعتماد جهانی به ایالات متحده را خدشه‌دار کرد. این نامه، اعتبار هزاران قرارداد بین‌المللی که آمریکا آنها را امضا کرده، مورد تهدید قرار می‌دهد. البته این حق کنگره و رئیس‌جمهور آینده است اما در مدت ۲۹ سالی که من در کنگره بودم، حتی یکبار هم نشنیدم و ندیدم که چنین اتفاق عجیبی بیفتد.»^{۱۲۳}

ظریف در واکنش به این نامه گفت: «این نامه هیچ ارزش حقوقی ندارد و تقریباً یک ترفند تبلیغاتی است. ظریف تصریح کرد؛ این سناتورها باید بدانند که دنیا معادل آمریکا نیست و روابط بین‌الملل بر اساس موازین حقوق بین‌الملل و تعهدات و تکالیف بین‌المللی دولت‌ها تنظیم می‌شود، نه بر اساس قوانین داخلی ایالات متحده. ممکن است سناتورهای امضا کننده‌ی نامه‌ی فوق‌الذکر به صورت کامل آگاه نباشند که در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها نماینده کل حاکمیت و مسئول روابط خارجی کشور خود و ملزم به اجرای تعهداتی هستند که در روابط با دیگر دولت‌ها می‌پذیرند و نمی‌توانند به بهانه‌ی مقررات داخلی از اجرای تعهدات بین‌المللی خود سرباز زنند.»^{۱۲۴}

اظهارات نامزدهای جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا نیز قابل توجه است. کروزر مدعی شد در نخستین روز ریاست جمهوری، به توافق هسته‌ای با ایران پایان خواهد داد و سفارت آمریکا را به بیت‌المقدس منتقل خواهد کرد! «ریک پری» دیگر نامزد تندرو جمهوریخواه نیز مدعی شد در صورت رئیس‌جمهور شدن اولین کارش پاره کردن توافق هسته‌ای کشورهای ۱+۵ با ایران خواهد بود. فرماندار پیشین تگزاس طی مصاحبه‌ای گفت: «پاره کردن توافق با ایران بزرگترین چالشی است که معتمد ما در این کشور با آن روبرو هستیم.» وی افزود: «البته ایمن

^{۱۲۲} سایت خبری فرارو، انتقاد شدید ظریف از "گزینه‌های روی میز"، ۱۳۹۴/۴/۲۵.

^{۱۲۳} سایت خبری رجانیوز، جان کری: این حق رئیس‌جمهور بعدی است که «توافق اجرایی» با ایران را نقض کند/ جن ساکی: به دنبال توافقی هستیم که الزام‌آور نباشد/ توافق با ایران؛ یک توافقنامه اجرایی با دولت اوباما، نه یک تعهدنامه حقوقی با حکومت آمریکا، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳.

^{۱۲۴} خبرگزاری فارس، آیا دولت بعدی آمریکا می‌تواند توافق احتمالی هسته‌ای را لغو کند؟ ایران می‌تواند از «اصل حق شرط» استفاده کند، ۱۳۹۳/۱۲/۱۹.

کردن مرزها با مکزیک هم به طور قابل توجهی مهم است و این دو موضوع در یک روز روی خواهند داد.^{۱۲۵} جب بوش جمهوریخواه نیز توافقنامه با ایران را خطرناک خواند و اعلام کرد این توافق یک معاهده‌ی بین المللی نیست بنابراین هر رئیس جمهور جدید آمریکا که اکثریت کنگره را در اختیار داشته باشد می‌تواند یا با اعمال تحریم‌های جدید بر ضد ایران یا احیای تحریم‌های قبلی این توافقنامه را لغو کند. جب بوش فرماندار سابق فلوریدا که در بسیاری از نظرسنجی‌های جمهوریخواهان برای کسب نامزدی انتخابات آتی در صدر قرار دارد، توافق با ایران را خطرناک و کوتاه‌بینانه توصیف کرد. اسکات واکر نیز در تبلیغات انتخاباتی در نوادا گفت ما به رئیس جمهوری نیاز داریم که توافقنامه بد با ایران را یک روزه از بین ببرد. من تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده‌ای را بر ایران اعمال می‌کنم و متحدان خود را متقاعد خواهم ساخت که همین کار را انجام دهند.^{۱۲۶}

در عین حال روبیو سناتور آمریکایی گفت: «رئیس جمهور بعدی هیچ الزام اخلاقی یا قانونی ندارد که با این توافق، همسو باشد. زمانی که مدت ریاست جمهوری اوباما به پایان برسد، توافق نیز از بین خواهد رفت.»^{۱۲۷}

مذاکره‌کنندگان ایران برای الزام‌آور کردن توافق برای آمریکا به شورای امنیت و بندهایی از فصل هفتم روی آوردند. با این همه اما در شورای امنیتی که ریش و قیچی دست زباده‌خواهان جهانی است و با فضا سازی‌های گسترده حتی در اوج حمله‌ی اسرائیل به لبنان به جای صدور قطعنامه برای آتش‌بس علیه یاران قطعنامه صادر می‌کند، دور از نظر نیست که با فضا سازی دیگری آمریکایی‌ها زمینه را برای اقدامات دلخواه رئیس‌جمهور آتی این کشور باز کنند.

خوش‌بینی به دشمن

از سوی مذاکره‌کنندگان و برخی مسئولین گاه سخنانی طرح می‌شد که دلالت بر نوعی خوش‌بینی نسبت به دشمن داشت. ظریف از احترام گذاشتن به قول اوباما و پذیرش قول او سخن گفت. او تصریح کرد: «ما محدودیت‌هایی که پرزیدنت اوباما برای وادار کردن کنگره به لغو تحریم‌ها با آن مواجه است را درک می‌کنیم و همانطور که ما نمی‌پذیریم آنها از ما امری غیرممکن را بخواهند، ما هم از آنها نمی‌خواهیم که اقدامی غیرممکن انجام دهند. ما در امور داخلی امریکا دخالت نمی‌کنیم، اگر اوباما به ما قول می‌دهد که کاری بکند، ما آن را می‌پذیریم و به قولش احترام می‌گذاریم.»^{۱۲۸}

روحانی نیز هر از گاهی اظهاراتی را مطرح کرد که حاشیه‌ساز شد. او گاه از خوش‌بینی گفت، گاه از بدبینی و گاه از بی‌معنی بودن خوش‌بینی و بدبینی!

نقد و بررسی توافق

در اینجا برخی محورهای قابل توجه که تا کنون بیش از همه مورد توجه کارشناسان قرار گرفته مورد اشاره قرار می‌گیرد. بدیهی است این موارد طبیعتاً همه‌ی اشکالات و نقدهای وارد به توافق و قطعنامه ۲۲۳۱ نخواهد بود. هدف

^{۱۲۵} خبرگزاری مهر، سناتور تد کروز هم به پاره‌کنندگان توافق هسته‌ای پیوست، ۱۳۹۴/۵/۱۸.

^{۱۲۶} سایت خبری آفتاب‌نیوز، آیا رئیس جمهور بعدی آمریکا توافق با ایران را بر هم خواهد زد؟، ۱۳۹۴/۴/۲۴.

^{۱۲۷} سایت خبری مشرق‌نیوز، حمله سناتورهای جمهوریخواه به جان کری، ۱۳۹۴/۵/۲.

^{۱۲۸} وزیر خارجه ایران در این جملات دیپلماتیک خود، تاکید می‌کند که اگر قرار باشد به راه حلی در مذاکرات برسیم و قرار شود که در قالب این راه حل هر طرف اقداماتی را انجام دهد، اینکه آمریکا برای اجرای این اقدامات در سیستم داخلی خود با چه مشکلاتی روبرو است و چه اقدامات قانونی یا اجرایی برای رفع این مشکلات باید انجام دهد بر عهده خودشان است و به اصطلاح، «این دیگر مشکل ما نیست». و این هم عین مواضع رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران (در کلیت آن و نه فقط قوه مجریه) است که از زبان وزیر امور خارجه ابراز می‌شود. این یک بحث کاملاً حقوقی و دیپلماتیک است که مخاطبان خاص خودش در طرف مقابل را هم حتماً پیدا کرده است. (سایت دیپلماسی ایرانی، اعتماد آقای ظریف به قول پرزیدنت اوباما، ۱۳۹۳/۷/۶)

از ذکر این موارد نشان دادن نقاط خطرناکی است که اسباب سوء استفاده و تعدی طرف مقابل را فراهم می‌کند. لازم است مسئولین کشور با مشورت کارشناسان سایر محورهای احتمالی در نقد توافق را نیز استخراج نمایند.

ماهیت خطرناک و ظالمانه‌ی کمیسیون مشترک

دکتر سلیمانی در خصوص کمیسیون مشترکی که در توافق به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات تعیین شده و نه تنها رسیدگی به اختلافات که اظهار نظر در خصوص بسیاری از امور حساس مثل تصویب طرح اراک و طرح تحقیق و توسعه ایران را نیز بر عهده دارد، به صراحت تأکید می‌کند: «وجود چنین کمیسیون مشترکی با این ترکیب کافی است که ملت ایران توافق‌نامه را "بد" بنامد.»

او می‌نویسد: «در هر قراردادی یکی از مؤلفه‌های اصلی، تعیین مرجع و شیوه‌ی رسیدگی به اختلافات دو طرف قرارداد است... علاوه بر نظارت آژانس و حتی داوری آن، در متن توافق‌نامه کمیسیون مشترکی متشکل از گروه ۱+۵ و ایران به منظور نظارت بر اجرای برجام پیش‌بینی شده است که عملاً نقش داوری نیز به آن داده شده. یکی از ضعف‌های اساسی توافق‌نامه‌ی هسته‌ای، همین کمیسیون مشترک است. قاعدتاً کمیته‌ی داوری هر قراردادی، حتی قراردادهای پیمانکاری، متشکل از یک نماینده از هر طرف و فرد ثالثی به نام مرضی الطرفین است. در حالی که کمیسیون مشترک ذکر شده در توافق برجام، ۸ عضو صاحب رأی دارد که ایران یکی از اعضای آن است.»

او می‌افزاید: «این ترکیب علاوه بر ظالمانه بودن آن و عدم رعایت شرط انصاف و بی‌طرفی، همواره به ضرر ایران و نفع غرب و آمریکا است. رأی ایران برای احقاق حق خود به ۱۲/۵ درصد کاهش داده شده است. تجربه نشان داده است که همیشه آلمان، فرانسه، انگلیس و اتحادیه اروپا متحد همراه و زیر چتر آمریکا هستند. یعنی در بهترین حالت از نظر ایران در این کمیسیون حداقل ۵ نفر در مقابل ایران هستند و هیچگاه امکان رأی بالای ۵۰٪ برای ایران نمی‌تواند متصور باشد. به عبارتی هرگاه ایران یا یکی از اعضا ۱+۵ شکایتی یا اختلافی را در این کمیسیون مطرح کنند، بالاجبار رأی به ضرر ایران صادر می‌گردد و نتیجه از پیش معلوم و مشخص و علیه ایران است.»^{۱۲۹}

دکتر سلیمانی به ۲۵ نقش که برای این کمیسیون مشترک در توافق تعریف شده و برخی از آنها کلیدی و تعیین‌کننده است، نیز اشاره می‌کند.^{۱۳۰} تصویب طرح‌هایی چون طرح نهایی راکتور اراک، طرح تحقیق و توسعه بر

^{۱۲۹} سایت خبری رجویوز، کمیسیون مشترک مندرج در برجام ظلمی به حقوق ملت ایران و خلاف منفعت و مصلحت ملی/ وجود چنین کمیسیون مشترکی با این ترکیب کافی است که ملت ایران توافق‌نامه را "بد" بنامد، ۱۳۹۴/۵/۲.

^{۱۳۰} در اینجا به قسمتی از توضیحات دکتر سلیمانی در خصوص این ۲۵ نقش اشاره می‌کنیم و برخی از این بندها را مورد توجه قرار می‌دهیم: «در بند ۹ تعیین سوخت و میزان آن برای راکتور باز طراحی شده به این کمیسیون مشترک واگذار شده است. -در بند ۲۱ ایران به مدت ۱۵ سال موظف است فقط بعد از تأیید کمیسیون مشترک به تکمیل، احداث، و یا تصاحب سلول‌های داغ (شامل یک یا چند سلول به هم متصل) سلول‌های حفاظدار یا گلاوباکس با مشخصات پیوست پروتکل الحاقی اقدام نماید، یعنی مادام‌العمر. -در بند ۲۶ ایران بعد از ۱۰ سال و قبل از ۱۵ سال می‌تواند برنامه‌ی خود برای کار بر روی سوخت پایه فلز برای راکتور تحقیقاتی تهران در مقدار کم را به کمیسیون مشترک برای تصویب ارائه دهد. -در بند ۴۳ ایران مکلف شده است برای هر پروژه تحقیق و توسعه‌ای روی سانتریفیوژهای نسل جدید که به مرحله‌ی نمونه‌سازی برای تست مکانیکی می‌رسد، آن را به صورت کامل برای تصویب به کمیسیون مشترک بدهد. -ایران در مدت ۱۵ سال فقط با موافقت کمیسیون مشترک می‌تواند وارد صادرات هرگونه تکنولوژی، تجهیزات غنی‌سازی یا مرتبط با غنی‌سازی با هر کشور خارجی شامل تحقیق و توسعه شود. -در بند ۷۸ ایران مکلف است در صورتی که راستی‌آزمایی توسط آژانس با مشکل روبرو شود، نظر کمیسیون مشترک (با رأی ۵ عضو از ۸ عضو) در مورد روش ضروری برای حل نگرانی آژانس را ظرف ۳ روز عمل کند!!! -در بند ۸۲ ایران موظف شده است که طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از چاشنی‌های انفجاری چند نقطه را به تأیید و تصویب کمیسیون مشترک برساند. این یعنی تسلط بر امور دفاعی کشور!

روی سوخت رآکتور تهران، تصویب پروژه‌هایی که در فردو می‌خواهد اجرا شود، تصویب امکان ساخت و تست مدل‌های جدید سانتریفیوژ، صدور مجوز برای خریدهای ایران و تصویب موارد متعدد دیگر بر عهده‌ی این کمیسیون است. در واقع بدون اجازه‌ی این کمیسیون در بسیاری از موارد ایران آب هم نمی‌تواند بخورد و این یعنی ایران در این موارد اختیار خود را به دست دشمن سپرده است. این کمیسیون تنها در نیویورک، وین یا ژنو امکان تشکیل جلسه دارد!

در بند ۵ ضمیمه اول برجام در خصوص اراک آمده است: «طرح نهایی رآکتور مدرن و طراحی آزمایشگاه‌های مربوط به آن به کمیسیون مشترک ارائه خواهد شد. کمیسیون مشترک بررسی و تایید طراحی نهایی را در سه ماه بعد از دریافت طرح نهایی به اتمام می‌رساند. چنانچه کمیسیون مشترک بررسی و تایید آن را در مدت سه ماه به پایان نرساند، ایران می‌تواند این مورد را از طریق مکانیزم پیش‌بینی شده در این برجام پیگیری کند.»

در بند ۴۳ ضمیمه اول در خصوص تحقیق و توسعه نیز آمده است: «مطابق با برنامه‌ی خود و بهترین رویه‌های بنا شده‌ی بین‌المللی، ایران تمایل دارد که تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای نسل جدید را از طریق مدل‌سازی کامپیوتری و شبیه‌سازی از جمله در دانشگاه‌ها، ادامه دهد. در دوره‌ی ۱۰ ساله، برای هر پروژه‌ای که به مرحله‌ی نمونه‌سازی برای تست مکانیکی رسید، ارایه‌ی کامل و تصویب کمیسیون مشترک لازم است.»

این بدین معنی است که در این ساختار ظالمانه و خطرناک حتی بازطراحی اراک و برنامه‌ی تحقیق و توسعه نیز با مانع روبه‌رو می‌شود. متأسفانه اگر ایران در مواردی چون بازطراحی اراک از رأی کمیسیون مشترک ناراضی بود باید از کمیسیون مشترک به خود کمیسیون مشترک شکایت کند!

بدیهی است اگر بر سر ساختار جدید اراک توافق کامل صورت پذیرفته بود، جایی برای ذکر بند ۵ نمی‌ماند و لزومی به بررسی در کمیسیون مشترک نبود.

سلیمانی در ادامه می‌نویسد: «رأی ایران از ۱۲,۵ درصد بیشتر نیست و در بهترین شرایط رأی ایران از ۳۷,۵ درصد تجاوز نمی‌کند. این نوع ترکیب ظالمانه است و هیچ انصافی در آن نیست و مشخص است که همواره به ضرر ایران تصمیم‌گیری خواهد شد.»^{۱۳۱}

در بند ۸۲ ایران باید طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از سیستم‌های تشخیص انفجار (دوربین‌های steak، دوربین‌های سرعت بالا، دوربین‌های Flash x-Ray را به تأیید و تصویب کمیسیون مشترک برساند. این هم یعنی جلوگیری از پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از جمله دفاعی و هنری و صنعتی.

-تصویب طرح نهایی رآکتور باز طراحی شده آب سنگین اراک به عهده‌ی کمیسیون مشترک گذاشته شده است.

-تصویب طرح‌های تحقیق و توسعه ایران بر روی سوخت رآکتور تهران به عهده‌ی این کمیسیون گذاشته شده است.

-تصویب پروژه‌های در مورد سانتریفیوژهای جدید برای حرکت به سمت نمونه‌ی اولیه برای تست مکانیکی به عهده‌ی این کمیسیون گذاشته شده است.

-هر پروژه‌ای در فردو بخواهد اجرا شود، باید به تصویب این کمیسیون برسد.

-جالب است بدانید که قید شده است جلسات کمیسیون فقط در نیویورک، وین یا ژنو برگزار می‌گردد.

-جالب است بدانید هر عضو کمیسیون یک رأی دارد و حد نصایی برای رسمیت یافتن جلسه وجود ندارد.

-جالب است بدانید یک کارگروه خرید برای کمیسیون مشترک پیش‌بینی و ذکر شده و وظایفی برای آن در نظر گرفته شده است. تمام خریدهای ایران باید به تأیید این کارگروه کمیسیون مشترک برسد.»

^{۱۳۱} سایت خبری رجانوز، کمیسیون مشترک مندرج در برجام ظلمی به حقوق ملت ایران و خلاف منفعت و مصلحت ملی/وجود چنین کمیسیون مشترکی با این ترکیب کافی است که ملت ایران توافق نامه را "بد" بنامد، ۱۳۹۴/۵/۲.

هیأت مشورتی حل اختلاف؛ جایگاهی زینتی!

در مواردی که اختلافی شکل می‌گیرد، اگر اختلاف در کمیسیون مشترک حل نشود، یعنی اگر فارغ از اینکه رأی کمیسیون مشترک به نفع چي کسی است، شاکی رضایت ندهد، دعوا به سطح وزرای خارجه یا هیأت سه نفره‌ای شامل کشور متشاکی، کشور متشاکی‌عنه و یک کشور ثالث ارجاع می‌شود. هیأت سه نفره تنها نقش مشورتی و غیرالزام‌آور دارد. اگر در نهایت پس از ۳۰ روز از آغاز طرح دعوا، مسئله حل نشد و شاکی همچنان بر شکایت خود اصرار داشت، کشور شاکی می‌تواند به شورای امنیت شکایت کند و به این ترتیب مکانیسم ماشه که در خصوص آن در قسمت‌های بعد توضیح داده خواهد شد، فعال می‌شود. در تمام این فرآیند اینکه کمیسیون‌ها به نفع چه کسی رأی دهند قانوناً مانع از طرح شکایت شاکی در جایگاه بالاتر نخواهد شد. متأسفانه مهم آن است که شاکی راضی شود.

در قسمت ساز و کار حل اختلاف در متن توافق آمده است: «چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه‌ی گروه ۱+۵ تعهدات خود را رعایت ننموده‌اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۱+۵ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را رعایت نکرده است، هر یک از دولت‌های گروه ۱+۵ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک – همزمان با (یا به جای) بررسی در سطح وزیران – خواه عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیفش موضوع بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیأت مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود (یکی از سوی هر یک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل) بررسی شود. هیأت مشورتی می‌بایست نظریه‌ی غیرالزام‌آوری را در خصوص موضوع پایبندی ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه، متعاقب این فرایند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیأت مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصداق "عدم پایبندی اساسی" می‌باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند موضوع فیصله نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهدات اش وفق برجام قلمداد کرده و/یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق "عدم پایبندی اساسی" به شمار می‌آید.»

مکانیزم تعیین کشور ثالث در مرحله‌ی دوم رسیدگی به حل اختلاف در هیأت مشورتی مسکوت گذاشته شده است و این مسئله‌ای است که رسیدگی به دعوا را در این مرحله هم با اما و اگرهایی مواجه می‌کند. نکته‌ی دیگر اینکه رأی هیأت مشورتی غیرالزام‌آور و مشورتی تلقی شده است و در نهایت مطابق متن توافق "کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیأت مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد." یعنی در نهایت رأی هیأت مشورتی نیز باید توسط کمیسیون مشترک به تصویب برسد تا معنا داشته باشد. البته اگر اختلاف در هیأت مشورتی رفع نشده باشد، رجوع به کمیسیون مشترک صورت می‌پذیرد. در واقع هیأت مشورتی جایگاهی مشورتی و زینتی دارد و رأی نهایی‌اش به خودی خود چیزی را نشان نمی‌دهد.

چنانچه گفته شد حتی اگر بر فرض محال ترکیب ظالمانه‌ی کمیسیون‌ها به نفع ایران رأی دهد، شاکی قانوناً می‌تواند راضی نشود و شکایت خود را در جایگاه بالاتر طرح کند. این بدین معنی است که آمریکا به راحتی می‌تواند موضوع را در شورای امنیت طرح و تحریم‌ها را به سرعت بازگرداند.

اگر ایران از تخلف طرف مقابل شکایت کند، تحریم‌ها برمی‌گردد

خبرگزاری تسنیم می‌نویسد: «طبق بند ۱۱ اجرایی قطعنامه اخیر شورای امنیت، هر کدام از دولت‌های عضو برجام موضوعی را به‌عنوان عدم پایبندی به تعهدات وفق برجام مطرح کند، شورای امنیت باید ظرف ۳۰ روز قطعنامه‌ای جدید برای ادامه‌ی لغو ۶ قطعنامه‌ی قبلی صادر کند و در غیر این صورت طبق بند ۱۲ اجرایی قطعنامه‌ی اخیر تمام ۶ قطعنامه‌ی قبلی و تحریم‌های مندرج در آن که طبق قطعنامه‌ی اخیر لغو شده بودند، به‌صورت خودکار و اتوماتیک دوباره اعمال می‌شوند.»^{۱۳۲}

تسنیم با ذکر مفاد قطعنامه تصریح می‌کند: «بندهای ۱۱ و ۱۲ اجرایی قطعنامه اخیر شورای امنیت گویای این است که اگر ایران نیز به‌عنوان یکی از دولت‌های عضو برجام موضوعی را به‌عنوان مصداق عدم پایبندی آمریکا و هر یک از کشورهای عضو ۱+۵ مطرح کند، شورای امنیت باید ظرف ۳۰ روز قطعنامه جدیدی را برای ادامه‌ی لغو ۶ قطعنامه قبلی تصویب کند و در غیر این صورت قطعنامه‌ها و تحریم‌های قبلی مجدداً اعمال می‌شود.»

این خبرگزاری می‌افزاید: «حال فرض کنید ایران به تمام تعهدات خود پایبند بوده و مورد به مورد آن را کامل و دقیق اجرا کرده است اما طرف مقابل از انجام تعهدات خود سر باز زند. در این صورت ایران اگر این عدم پایبندی طرف مقابل را مطرح کند و شورای امنیت نیز ظرف ۳۰ روز قطعنامه جدیدی برای ادامه لغو قطعنامه‌های قبلی صادر نکند، تمام ۶ قطعنامه‌ی قبلی و تحریم‌های آن دوباره بازگشته و مجدداً اعمال می‌شود، یعنی علی‌رغم پایبندی ایران به تعهدات و نقض تعهدات مندرج در برجام توسط طرف مقابل، این ایران است که دوباره تحریم می‌شود و کوچکترین گزندی به طرف مقابل که تعهدات خود در برجام را نقض کرده است، وارد نمی‌شود و ایران باید هزینه بدعهدی طرف مقابل را بپردازد.»

تسنیم تأکید می‌کند: «در واقع این دو بند اجرایی که ذیل ماده ۴۱ فصل ۷ بوده و الزام‌آور نیز هستند، به‌گونه‌ای تدوین و نوشته شده‌اند که ایران اگر نقض عهدی از طرف مقابل دید، از ترس اعمال مجدد تحریم‌ها کوچکترین اعتراضی نکند!»^{۱۳۳}

^{۱۳۲} در ترجمه غیررسمی وزارت خارجه دولت جمهوری اسلامی آمده است: «۱۱. تصمیم می‌گیرد، با اقدام وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، که ظرف ۳۰ روز از دریافت اعلان یکی از دولت‌های عضو برجام در مورد موضوعی که آن دولت عضو برجام اعتقاد دارد مصداق عدم پایبندی اساسی در مورد تعهدات وفق برجام است، شورا باید در مورد پیش‌نویس یک قطعنامه برای ادامه اجرای لغوهای مذکور در بند ۷(الف) این قطعنامه رأی‌گیری نماید، به‌علاوه تصمیم می‌گیرد که اگر، ظرف ۱۰ روز از اعلان مورد اشاره در بالا، هیچ عضوی از شورای امنیت چنان پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای رأی‌گیری ارائه نکرد، رئیس شورای امنیت بایستی چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تسلیم کرده و آن را ظرف ۳۰ روز از زمان اعلان اشاره شده در بالا به رأی بگذارد، و شورا قصد خود را برای در نظر گرفتن دیدگاه‌های دولت‌های درگیر در موضوع و هر نظری از سوی هیئت مشورتی شکل گرفته در برجام، ابراز می‌دارد.»

بند ۱۲ نیز تصریح می‌کند: «تصمیم می‌گیرد، با اقدام وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، که اگر شورای امنیت یک قطعنامه تحت بند ۱۱ برای ادامه اجرای لغوهای بند ۷(الف) تصویب نکرد، آن‌گاه با اثربخشی از زمان نیمه‌شب به‌وقت گرینویچ پس از سی‌امین روز پس از دریافت اعلان مورد اشاره در بند ۱۱ به شورای امنیت، تمام مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) که بر اساس بند ۷(الف) لغو شده بوده‌اند، باید به همان نحوی که پیش از تصویب این قطعنامه اعمال می‌شدند، اعمال شوند و تدابیر مندرج در بند های ۸، ۷ و ۱۶ تا ۲۰ این قطعنامه باید لغو شوند، مگر آنکه شورای امنیت به‌گونه دیگری تصمیم بگیرد.»

^{۱۳۳} خبرگزاری تسنیم، یک اتفاق جالب در قطعنامه اخیر شورای امنیت، اگر ایران به نقض عهد آمریکا "اعتراض کند" دوباره تحریم می‌شود، ۱۳۹۴/۴/۳۱.

مکانیسم ماشه؛ اسباب دور خوردن روسیه و چین و شمشیری بر سر ایران

مکانیسم ماشه چیزی است که از آن با عنوان فتنه‌ی تعلیق نیز یاد می‌شود. در فرآیندی هوشمندانه عملاً چرخه‌ی رأی‌گیری در شورای امنیت در این توافق برعکس شده است. پیش از این و در ۲۶ خرداد ماه "سامانتا پاور" سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، در یک جلسه استماع و در برابر نمایندگان مجلس آمریکا گفته بود: «از توافقی که بر اساس آن، بازگشت فوری تحریم‌ها ما را (در برابر روسیه و چین) آسیب‌پذیر کند، حمایت نمی‌کنیم؛ ما قدرت بازگشت فوری تحریم‌ها بدون حمایت روسیه و چین را برای خود حفظ خواهیم کرد.»^{۱۳۴} آنچه در توافق نهایی شد، مقصود آمریکا را برآورده می‌کند و حق وتوی روسیه و چین را دور می‌زند.

خبرگزاری فارس طی گزارشی در این خصوص نوشت: «یکی از مهمترین موضوعاتی که ماه‌ها بحث بر سر آن در جریان بود، ساز و کار بازگشت تحریم‌های ایران در صورت نقض ادعایی توافق است. آمریکا از بیم اینکه روسیه یا چین، با استفاده از حق وتو از بازگرداندن تحریم‌ها جلوگیری کنند، به دنبال ساز و کاری بود که حق وتو از کشورها گرفته شود و بتواند از طریق اکثریت آرا، تحریم‌های ایران را بازگرداند. آمریکا به این منظور ابتدا تلاش کرد بازگرداندن تحریم‌ها را از مسیر شورای امنیت خارج کند، اما این تلاش با واکنش روسیه‌ای مواجه شد که این اقدام آمریکا را تلاش برای دور زدن مسکو می‌دانست. به همین جهت نهایتاً ساز و کار بازگشت تحریم‌ها بار دیگر به شورای امنیت بازگشت، اما شیوه‌ای که نهایتاً مورد توافق طرفین قرار گرفته، عملاً چرخه‌ی رأی‌گیری در شورای امنیت را برعکس کرده است، یعنی به جای آنکه در مورد اعمال مجدد تحریم‌ها رأی‌گیری شود، در مورد ادامه‌ی تعلیق تحریم‌ها رأی‌گیری می‌شود.»

این گزارش می‌افزاید: «به زبان ساده، با توجه به آنچه در متن برجام و ضمیمه آن و همچنین قطعنامه شورای امنیت آمده است، روند بازگشت تحریم‌ها به این نحو است که اگر یکی از اعضای ۵+۱ ادعا کند که ایران مفاد توافق را نقض کرده است، می‌تواند آن را ابتدا به کمیسیون مشترکی که از ۸ عضو (ایران، آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس، آلمان و اتحادیه اروپا) تشکیل شده ببرد. در صورتی که این مسئله، در این کمیسیون که با توجه به ترکیب اعضا، طرف غربی همواره در آن اکثریت را در اختیار دارد، حل نشود، این مسئله به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل می‌رسد. از زمان اعلام "مورد جدی عدم انطباق" اقدامات ایران با مفاد توافق وین، شورای امنیت ظرف نهایتاً ۳۰ روز به درخواست یک عضو یا به ابتکار رئیس شورا تشکیل جلسه می‌دهد و ادامه‌ی "لغو" قطعنامه‌های پیشین به رأی گذاشته می‌شود. اگر در این ۳۰ روز قطعنامه‌ای تصویب نشود، تحریم‌ها به همان نحو که حالا اجرایی هستند، به جای خود خواهند برگشت و اصطلاحاً "ماشه"ی تحریم‌ها عمل خواهد کرد.»^{۱۳۵}

در بند ۱۱ پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه شورای امنیت در این مورد آمده است که شورای امنیت "ذیل بند ۴۱ منشور ملل متحد، تصمیم می‌گیرد که ظرف ۳۰ روز از دریافت تذکر یکی از طرف‌های برجام در مورد موضوعی که یک کشور طرف برجام اعتقاد دارد مصداق عدم اجرای تعهدات ذیل برجام است، ادامه‌ی اجرای لغو مصرح در پاراگراف ۷ (a) این قطعنامه باید به رأی گذاشته شود، علاوه بر این، تصمیم می‌گیرد که اگر ظرف ۱۰ روز از تذکر اشاره شده در فوق، هیچ‌یک از اعضای شورای امنیت چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای رأی‌گیری ارائه نکرد، آنگاه رئیس شورای امنیت بایستی چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ارائه کرده و آن را ظرف ۳۰ روز از زمان تذکر اشاره

^{۱۳۴} سایت خبری الف، راهکار آمریکا برای بازگشت تحریم‌های ایران، ۱۳۹۴/۴/۴.

^{۱۳۵} خبرگزاری فارس، نگاهی به قطعنامه شورای امنیت؛ بازگشت تحریم‌ها، محدودیت‌های موشکی و گزارش‌های دوره‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۷.

شده در فوق، به رأی بگذارد و قصد خود را برای در نظر گرفتن دیدگاه‌های کشورهای دخیل در موضوع و هر نظری در مورد موضوع از سوی هیئت مشاور شکل گرفته در برجام، ابراز می‌دارد.^{۱۳۶}

و سپس در بند ۱۲ آمده است که شورای امنیت "ذیل بند ۴۱ منشور ملل متحد، تصمیم می‌گیرد که اگر شورای امنیت یک قطعنامه ذیل پاراگراف ۱۱ برای ادامه اجرای لغو مصرح در پاراگراف ۷ (a) تصویب نکرد، آنگاه در نیمه شب به وقت گرینویچ سی‌امین روز پس از دریافت تذکر اشاره شده در پاراگراف ۱۱ به شورای امنیت، تمام قوانین قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) که بر اساس پاراگراف ۷ (a) لغو شده بود، بایستی به همان نحوی که پیش از تصویب این قطعنامه اعمال می‌شد، اعمال شود و تمهیدات اعلامی در پاراگراف‌های ۸، ۷ و ۱۶ تا ۲۰ این قطعنامه لغو می‌شوند، مگر آنکه شورای امنیت تصمیمی غیر از این بگیرد."

در واقع این مکانیزم طوری طراحی شده که اگر اعتراض در شورای امنیت به رأی گذاشته شود، روسیه و چین حق وتوی مداوم تحریم‌ها را نداشته باشند و اگر شورای امنیت هم در این خصوص مصوبه‌ای نداشت به صورت خود به خود تمامی تحریم‌ها بازگردد. این همه بدین معنی است که در حالی که فرآیند بازگشت پذیری برای ایران به چندین سال زمان نیاز دارد، برای طرف غربی در ۲ ماه خلاصه می‌شود.

بر مبنای مکانیزم ماشه، چماق یا شمشیر غرب همواره بالای سر ایران باقی خواهد ماند تا ایران از ترس فرود آمدن چماق یا شمشیر در هر جا که ممکن و لازم است، کوتاه بیاید.

یک نکته ی مثبت که البته در اینجا وجود دارد ایجاد نوعی تضمین برای سرمایه‌گذاران خارجی است که این نیز البته تا حدود زیادی به نفع طرف غربی است که به بازار ایران نیاز داشت. بر مبنای توافق اگر به هر دلیلی تحریم‌ها برگردد، قراردادهایی که پیش از اجرای قطعنامه اخیر بسته شده و همخوان با برجام بوده‌اند، به قوت خود باقی مانده و پرداخت‌های مربوط به آن‌ها نیز باید صورت گیرد.

در بند ۱۴ مربوط به پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه آمده است که شورای امنیت "گواهی می‌کند که اجرای قوانین قطعنامه‌های پیشین پیرو پاراگراف ۱۲ (توقف لغو تحریم‌ها)، اثری بر قراردادهایی که پیش از تاریخ اجرا بین هر طرفی و ایران یا اشخاص و نهادهای ایران امضا شده است، نخواهد داشت، مشروط بر اینکه آن فعالیت‌ها برجام را در نظر گرفته و اجرای آن قراردادها با آن، قطعنامه کنونی و قطعنامه‌های پیشین همخوان باشد."

امکان تمدید تحریم‌ها و بسته نشدن پرونده ایران در شورای امنیت

یکی از نکاتی که همواره تیم مذکره‌کننده آن را یکی از دستاوردهای بزرگ تلقی می‌کند، مختومه شدن خود به خود پرونده‌ی ایران در شورای امنیت بنابر مفاد توافق انجام شده پس از ۱۰ سال است. محمد جواد ظریف در این خصوص تصریح می‌کند: «بعد از یک محدوده زمانی ۱۰ ساله نه تنها پرونده ایران در شورای امنیت مختومه می‌شود بلکه از دستور کار شورا نیز حذف خواهد شد.»^{۱۳۷}

این در حالی است که چندی پیش وندی شرمن معاون وزیر امور خارجه آمریکا تصریح کرد: «بر اساس بند "بازگشت فوری" تحریم‌ها در صورتی که هر یک از اعضای ۵+۱ مدعی نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران شوند، تحریم‌های شورای امنیت بدون نیاز به رأی‌گیری مجدد، خود به خود مجدداً اعمال می‌شود.»

^{۱۳۶} سایت دیپلماسی ایرانی، دفاع تمام قد مردان هسته‌ای از توافق وین، ۱۳۹۴/۵/۱۸.

خبرنگار از شرم‌ن پرسید که آیا این بند پس از ۱۰ سال اجرای اولیه توافق ایران و ۵+۱ لغو می‌شود؟ و شرم‌ن پاسخ داد: «۵ عضو دائم شورای امنیت تصمیمی سیاسی گرفتند و به دبیرکل سازمان ملل هم اعلام کردند که پس از ۱۰ سال، درخواست تمدید ۵ ساله این مکانیسم را مطرح خواهند کرد.»^{۱۳۷}

سخنان شرم‌ن بدین معناست که تضمینی برای پایان یافتن قطعنامه پس از ۱۰ سال و مختومه شدن پرونده ایران وجود ندارد و طرف غربی می‌تواند توافق یا برخی بندهای آن را به مدتی که دوست دارد تمدید کند. نکته‌ی جالب اینجاست که شرم‌ن تصریح می‌کند این تنها موضع آمریکا نیست بلکه تصمیم ۵ عضو دائم شورای امنیت است!

پرسشی که پیش می‌آید این است که فارغ از ادعای شرم‌ن و درخواست ۵ کشور آیا متن قطعنامه‌ی شورای امنیت چنین اجازه‌ای را از حیث حقوقی به طرف مقابل می‌دهد؟ متأسفانه باید گفت همین طور است و طرف غربی می‌تواند به تمدید روی آورد.

در متن قطعنامه آمده است:

«Decides, acting under Article ۴۱ of the Charter of the United Nations, that on the date ten years after the JCPOA Adoption Day, as defined in the JCPOA, all the provisions of this resolution shall be terminated, and none of the previous resolutions described in paragraph ۷(a) shall be applied, the Security Council will have concluded its consideration of the Iranian nuclear issue, and the item “Non-proliferation” will be removed from the list of matters of which the Council is seized.»

در ترجمه‌ی وزارت خارجه این بند از قطعنامه این گونه ترجمه شده است: «تصمیم می‌گیرد طبق ماده چهل و یک منشور ملل متحد، پس از آنکه شورای امنیت، در تاریخ ده سال پس از روز تصویب طرح جامع مشترک اقدام، آن طور که در طرح جامع مشترک اقدام مشخص شده است، همه شروط این قطعنامه انقضا پیدا می‌کند و هیچ کدام از قطعنامه‌های قبلی مشخص شده در بند ۷(a) دیگر اعمال نخواهد شد و در آن زمان شورای امنیت بررسی مسئله هسته‌ای ایران را پایان داده است و موضوع منع تکثیر از فهرست موضوعاتی که این شورا درگیر آن است حذف خواهد شد.»

در واقع وزارت خارجه *terminate* را به انقضا و *conclude* را به پایان دادن ترجمه کرده است. در صورتی که لفظ *conclude* معنای جمع‌بندی نیز می‌دهد. در واقع پس از ۱۰ سال شورای امنیت می‌تواند صرفاً یک جمع‌بندی ارائه دهد و بعد اگر چه تحریم‌های مطرح در قطعنامه پایان می‌یابد اما تضمینی برای خروج از شورا و بسته شدن پرونده‌ی ایران در شورای امنیت وجود نخواهد داشت. شورا می‌تواند در جمع‌بندی خود موارد دیگری را ذکر کند و تحریم‌ها یا محدودیت‌هایی را ادامه دهد.

جالب اینکه طرف ایرانی در بیانه‌ای که پس از صدور قطعنامه و در واکنش به آن منتشر کرد، لفظ *conclude* را به معنی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به کار برده است!^{۱۳۸}

^{۱۳۷} خبرگزاری فارس، وندی شرم‌ن: بازگشت فوری تحریم‌ها ۱۵ ساله خواهد بود/ نمی‌توانستیم شورای امنیت را به خاطر کنگره معطل کنیم، ۱۳۹۴/۴/۲۶.

^{۱۳۸} در بند هفتم بیانه‌ی ایران آمده است:

«Application of the Additional Protocol henceforth is intended to pave the way for a broader conclusion that no undeclared activity is evidenced in Iran either.»

تیم مذاکره‌کننده‌ی سابق مدت‌ها بر سر همین لفظ با آژانس و طرف مقابل بحث می‌کرد و تأکید داشت که به جای concluded نوشته شود concluded and closed تا مبدا طرف غربی لفظ conclude را آن گونه که خود می‌پسندد معنا کند و از بستن و خاتمه دادن به پرونده‌ی ایران سر باز بزند. آژانس اما موافقت نمی‌کرد. یکی از واژه‌های تأویل‌پذیر همین جاست و جالب اینکه در چند خط قبل‌تر از لفظ terminate استفاده شده اما وقتی بحث از بسته شدن پرونده‌ی ایران در شورای امنیت می‌شود، طرف غربی تمایلی به استفاده از این واژه نشان نمی‌دهد و لفظ conclude را قید می‌کند.

نتیجه آنکه متأسفانه باید گفت خانم شرمن صحیح گفته و ۵ کشور می‌توانند از طریق شورا تمهیدهایی را اعمال کنند. وقتی تمهید یک بند ممکن است، تمهید بندهای دیگر یا افزودن محدودیت‌هایی جدید نیز ممکن خواهد بود.

محدودیت‌های موشکی ایجاد شده برای ایران

سید یاسر جبرائیلی طی یادداشتی در خبرگزاری فارس در این خصوص می‌نویسد: «قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که پیرو جمع‌بندی برجام به تصویب رسید، در ضمیمه B خود، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد محدودیت‌هایی را بر صنایع موشکی ایران اعمال کرده است. در بند ۳ ضمیمه B از ایران خواسته شده است (Iran is called upon طراحی شده برای داشتن قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای (Ballistic Missiles Designed to be capable of delivering nuclear weapons)، از جمله شلیک موشک با استفاده از تکنولوژی این دست موشک‌های بالستیک، نزنند. در بند ۴ همین ضمیمه نیز ایران به مدت هشت سال-مگر با مجوز مورد به مورد شورای امنیت- از خرید و فروش تمام اقلام، مواد، تجهیزات و تکنولوژی‌هایی که ممکن است در صنایع موشکی کاربرد داشته باشد، منع شده است.^{۱۳۹}»

وی تأکید می‌کند: «آقای عراقچی می‌گویند: "متن قطعنامه قبلی (۱۹۲۹) که چند سال پیش صادر شد، فرق می‌کرد؛ در آنجا به موشک‌هایی که قابلیت حمل سلاح دارند، اشاره شده بود؛ که می‌توان گفت این عبارت شامل هر دو گروه از موشک‌ها می‌شد؛ اما قطعنامه جدید صراحت دارد و به صراحت می‌گوید موشک‌هایی که برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند و این روشن است موشک‌های ما بدین منظور طراحی نشده‌اند. تمام سیستم موشکی و تمامی موشک‌های ما خارج از صلاحیت قطعنامه جدید شورای امنیت هستند و به هیچ وجه جای نگرانی نیست." ^{۱۴۰} تغییر ادبیات قطعنامه ۲۲۳۱ نسبت به ۱۹۲۹ صحیح است و کلمه "طراحی شده برای..." (Designed to be...) به قطعنامه جدید اضافه شده است. اما عبارت دقیق، با بیان آقای عراقچی قدری متفاوت است. قطعنامه نمی‌گوید "موشک‌هایی که برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند" بلکه در متن آمده است "موشک‌هایی که طراحی شده‌اند تا قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را داشته باشند." درست است که هیچ کدام از موشک‌های ما برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی نشده‌اند، اما قطعنامه از قابلیت (capable of) حمل کلاهک سخن می‌گوید. کلمه قابلیت، طیف وسیعی از موشک‌ها را مشمول این بند فصل هفتمی تحریم می‌کند. چه، خرج موشک‌های شدیدالانفجار،

وزارت خارجه در متن فارسی آورده است: «بنابراین، از این به بعد هدف از اجرای پروتکل الحاقی فراهم کردن زمینه برای "نتیجه‌گیری گسترده‌تر" بر این مبنا است که مدرکی دال بر وجود فعالیت اظهارنشده نیز در ایران وجود ندارد.»

^{۱۳۹} [http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2231\(2015\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2231(2015))

^{۱۴۰} <http://www.isna.ir/fa/news/94050401738>.

خوشه‌ای و بارانی به مراتب از خرج هسته‌ای سنگین‌ترند و موشکی که قادر باشد آن سلاح‌های متعارف را حمل کند، طبیعی است که قابلیت حمل کلاhek سبک‌تر را نیز داشته باشد.»

متأسفانه مذاکره‌کنندگان گمان کرده بودند با افزودن لفظ *Designe* مشکل حل خواهد شد و مشکلی برای موشک‌های بالستیک ایران پیش نخواهد آمد، در حالی که آنچه بیش از همه مهم است لفظ *capable* است که در متن باقی است.

جبرائیلی ادامه می‌دهد: «مهم‌تر از این، رویه‌ی سابق شورای امنیت در رابطه با موشک‌های ایران است. پنل ۸ نفری متخصصان (Panel of Experts) که طبق بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ ایجاد و مأمور گزارش‌دهی درباره پایبندی ایران به قطعنامه شده بود^{۱۴۱}، گزارشی را در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۳ ارائه کرد که با پاراف رئیس شورای امنیت به عنوان سند شماره S/2013/331 در سازمان ملل ثبت شده است. در بند ۸۴ این گزارش (صفحه ۲۱) پنل متخصصان به صراحت موشک‌های شهاب یک و شهاب ۳ ایران را "قادر به حمل کلاhek هسته‌ای" شناسایی کرده و آزمایش آنها در آزمایش پیامبر اعظم ۷ را "ناقص قطعنامه شورای امنیت" دانسته است.^{۱۴۲}

او همچنین می‌گوید: «بند دیگری نیز درباره‌ی تحریم‌های موشکی در ضمیمه B وجود دارد که البته درباره‌ی آن اختلاف نظری نیست. طبق بند ۴، شورای امنیت کشورهای جهان را به مدت ۸ سال از معامله‌ی اقلام و تکنولوژی موشکی با ایران منع کرده است. اینکه این اقلام دقیقاً چه مواردی هستند به انجمنی داوطلبانه موسوم به "رژیم کنترل تکنولوژی موشک" (The Missile Technology Control Regime) باز می‌گردد که کشورهای G7 در سال ۱۹۸۷ تأسیس کردند و هدفشان، جلوگیری از دستیابی دیگر کشورها به تکنولوژی حمل سلاح‌های کشتار جمعی توسط موشک بود. این انجمن هم اکنون ۳۴ عضو دارد و بر سر لیستی از تجهیزات ممنوعه با یکدیگر به اجماع رسیده‌اند.^{۱۴۳} این رژیم تا کنون ارتباطی به شورای امنیت سازمان ملل نداشت، اما اتفاقی که پیرو توافق هسته‌ای افتاد این بود که خانم "سامانتا پاور" نماینده‌ی دائم آمریکا ابتدا لیست اقلام ممنوعه مورد توافق انجمن MTCR را ۴ روز قبل از تصویب قطعنامه طی سند شماره S/2015/546 در سازمان ملل به ثبت رساند.^{۱۴۴} و سپس همین سند در بند ۴ ضمیمه B قطعنامه مورد استناد قرار گرفت. بدین ترتیب، برای نخستین بار تفاهم داوطلبانه و غیر الزام‌آور ۳۴ کشور عضو انجمن MTCR، مورد استناد شورای امنیت قرار گرفت و اگر تاکنون ۳۴ کشور با یکدیگر همکاری داوطلبانه‌ای در رابطه با اقلام مورد اشاره در MTCR داشته و ملزم به رعایت آن هم نبودند، باز برای نخستین بار، یک کشور یعنی ایران به صورت "رسمی و الزام‌آور"، توسط فصل هفتم منشور ملل متحد از دستیابی به اقلام یاد شده منع شد.»^{۱۴۵}

محدودیت‌های تسلیحاتی ایجاد شده برای ایران

در بند پنجم پیوست ب قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ که بعد از توافق صادر شد، آمده است: «تمامی کشورها، مشروط به اینکه شورای امنیت پیشاپیش بر مبنایی مورد به مورد، تصمیم به تصویب بگیرد، باید در این فعالیت‌ها مشارکت داشته و

^{۱۴۱} [http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1929\(2010\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1929(2010))

^{۱۴۲} <http://www.iranwatch.org/sites/default/files/un-panel-of-experts-report-june-2013.pdf>

^{۱۴۳} http://www.mtcrr.info/english/MTCR-TEM-Technical_Annex_02-10-2014_rev/20-20_Updated/20-cover/20-page.pdf

^{۱۴۴} http://www.iranwatch.org/sites/default/files/un_missile_tech_list.pdf

^{۱۴۵} خبرگزاری فارس، همه اتهامات موشکی قطعنامه ۲۲۳۱، ۱۳۸۴/۵/۱۸.

اجازه آن را صادر کنند: تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم، هرگونه تانک جنگی، خودروهای رزمی زرهی، سامانه‌های توپخانه‌ای سنگین، هواپیماهای رزمی، بالگردهای تهاجمی، ناوهای جنگی، موشک‌ها و یا سامانه‌های موشکی، مطابق با اهداف "فهرست تسلیحات متعارف سازمان ملل"، یا مواد مرتبط، شامل قطعات یدکی، از داخل و یا از طریق قلمروهای تحت حاکمیتی‌شان، و یا توسط اتباع آنها و یا افراد تحت حاکمیت آنها، یا با استفاده از هواپیماها و یا کشتی‌های حامل پرچم‌های آنها، اعم از اینکه از قلمروشان نشأت گرفته یا خیر، به ایران، یا برای استفاده در داخل ایران و یا در جهت تأمین منافع ایران، و ارائه آموزش فنی، منابع یا خدمات مالی، پیشنهادات، دیگر خدمات و کمک‌های مرتبط با تأمین، فروش، انتقال، تولید، حفظ و نگهداری و یا استفاده از تسلیحات و مواد مرتبط توصیف شده در این بند فرعی، به ایران توسط اتباع این کشورها و یا از داخل یا از طریق قلمروهای تحت حاکمیتشان. این بند باید تا مدت ۵ سال پس از "روز پذیرش برجام" و یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش تأیید "جمع‌بندی مبسوط" را ارائه دهد، اجرا شود، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد.»

بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹ قرار بود اگر ایران پای میز مذاکره بیاید، این محدودیت‌ها که ایران آنها را مثل سایر محدودیت‌های قطعنامه‌های قبلی به رسمیت نمی‌شناخت، برداشته شود؛ اکنون اما ایران نه تنها پای میز مذاکره نشسته بلکه توافق نیز کرده و با وجود توافق، این محدودیت‌ها برای ۵ سال باقی خواهد ماند.

جان کری وزیر امور خارجه امریکا در نشست مطبوعاتی خود پس از قرائت بیانیه وین توسط ظریف و موگرینی، این اتفاق را یک دستاورد جالب توجه برای امریکا قلمداد کرد.

او از مخالفت جدی سه کشور با این موضوع خبر داد اما رسیدن به آن به واسطه‌ی نرمش تیم ایرانی را یک موفقیت بزرگ دانسته و در پاسخ به خبرنگاری در این باره گفت: «درباره‌ی سؤال اول پیرامون تحریم تسلیحاتی باید بگویم که از میان هفت طرف مذاکرات، سه کشور معتقد بودند که ابداً نباید این تحریم ادامه داشته باشد و چهار طرف دیگر معتقد به ادامه‌ی آن بودند. نتیجه‌ی مذاکرات این شد که این تحریم برای مدت پنج سال، مدت زمانی طولانی که ممکن است اتفاقات جدیدی در آن رخ دهد، تحت بند ۴۱ فصل هفتم باقی خواهد ماند و با پشتوانه شورای امنیت کاملاً قابل اجرا خواهد بود. به نظر من با وجود شرایطی که می‌توانست موجب عدم توافق و کنار رفتن آن سه کشور از مذاکرات شود و یا ما نتیجه‌ی متفاوتی داشته باشیم، رسیدن به این نقطه‌ی موفقیت‌آمیز، مهم بود.»

کری ادامه داد: «اما نکته‌ی بعدی که بسیار مهم است درباره‌ی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ می‌باشد که ما را به اینجا رساند و (پروژه) تحریم را به پیش برد، می‌گوید که اگر ایران به میز مذاکره (نه توافق بلکه فقط مذاکره) بیاید، تحریم‌ها برداشته خواهد شد. ما این کار را درباره‌ی تحریم تسلیحاتی انجام نمی‌دهیم، حتی با وجود این که نه تنها پای میز مذاکره آمدند بلکه به توافق رسیدیم. ما زمان زیادی داریم که طی سال‌های آتی بتوانیم گام‌های مختلف پیرامون این مسئله را برداریم و آن را برطرف کنیم اما گمان می‌کنم که ما برای حفظ این محدودیت خیلی خوب عمل کردیم و در مورد آنچه در آینده رخ خواهد داد نیز بعد از این، تصمیم‌گیری خواهیم کرد.»^{۱۴۶}

جالب آنکه سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه تصریح می‌کند: «ما و چین می‌خواستیم تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود، اما علیرغم حمایت ما، خود تیم ایرانی موافقت کردند که تحریم‌ها تا ۵ سال ادامه یابد! در نهایت، همکاران ایرانی ما که طبیعتاً در این مورد تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی بودند، موافقت کردند که در این مورد معامله کنند. طبیعتاً ما

^{۱۴۶} سایت ۱۲-۲۰۱۰، جان کری: بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹ اگر ایران فقط پای میز مذاکره هم می‌آمد، تحریم تسلیحاتی باید لغو می‌شد/ الان با ایران مذاکره که هیچ، توافق کرده‌ایم و ایران تحریم تسلیحاتی ۵ ساله را پذیرفته است!

و چین با توجه به اینکه ایران با آن موافق بود، از آن حمایت کردیم. در این دوره، تسلیحاتی که به ایران داده می‌شود باید تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل باشد.^{۱۴۷}

پس محدودیت‌های تسلیحاتی اگر چه خود به خود بنابر قطعنامه ۱۹۲۹ لغو می‌شد و اگر چه روسیه و چین مخالف ذکر آن در قطعنامه‌ی جدید بودند، با این حال بنابر نظر تیم ایرانی در قطعنامه ذکر شد.

دکتر ایزدی تصریح می‌کند: «ایران براساس این قطعنامه نمی‌تواند حتی سلاح‌های متعارف معمول را به مجاهدین و نیروهای مخالف داعش بدهد و همین‌طور نمی‌تواند به حزب الله کمک نظامی انجام دهد. نتانیاهو به طور مدام ما را تهدید نظامی می‌کند اما جرأت ندارد که این تهدید را عملی کند چون می‌داند اگر به ایران حمله کند ۱۰ هزار موشک از جنوب لبنان به سرش می‌خورد، آنها از این موضوع که حزب الله یک نیروی بازدارند برای ماست خوششان نمی‌آمد و به این وسیله می‌خواهند جلوی آن را بگیرند تا مانع ارسال کمک نظامی به حزب‌الله لبنان شوند حالا که محدودیت‌های تسلیحاتی بحثی ۵ ساله است و موضوع موشک‌های بالستیک هم محدودیتی ۸ ساله دارد.»^{۱۴۸}

در بند هفتم از همین پیوست آمده است: «از کلیه‌ی دولت‌ها خواسته می‌شود در صورتی که اطلاعاتی دارند که دلایل معقولی مبنی بر وجود اقلامی که عرضه یا فروش یا انتقال یا صادرات آنها بر خلاف مفاد برجام یا این بیانیه در محموله‌ای به مقصد یا از مبدأ ایران وجود دارد، اجرای این برجام را از طریق بازرسی همه‌ی این محموله‌ها، در قلمرو خود از جمله در بنادر و فرودگاه‌ها، طبق اختیارات و قوانین ملی خود و منطبق با قوانین بین‌المللی به خصوص حقوق دریاهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی ذیربط راجع به هوانوردی کشوری، تسهیل نمایند؛ همچنین از دولت‌ها خواسته می‌شود چنانچه اطلاعاتی وجود داشته باشد که دلایل معقولی به دست دهد که کشتی مورد نظر حامل اقلامی است که عرضه، فروش، انتقال یا صادرات آنها بر خلاف مفاد برجام یا این بیانیه است، در انجام بازرسی‌ها در دریای آزاد با رضایت دولت صاحب پرچم کشتی همکاری نمایند.»

بند ۶ نیز تکالیف مختلفی را متوجه دولت‌ها می‌کند. به عنوان نمونه از آنها می‌خواهد تا مانع از عرضه، فروش یا انتقال تسلیحات یا تجهیزات مرتبط از مبدأ ایران توسط اتباع یا کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچم خود شوند.

فواد ایزدی در خصوص این بند تصریح می‌کند: «بند ۷ آن نیز به شدت مشکل دارد و در بند ۷ هر کشتی و هواپیمایی که بخواهد به سمت ایران بیاید دولت‌های دنیا این حق را دارند که محموله‌ی این کشتی یا هواپیما و یا کامیون را بازرسی کنند. بر اساس برجام برخی محدودیت‌ها برای ایران وجود دارد که بر اساس بند ۷ برجام به کشورها حق بازرسی در خصوص این محدودیت‌ها برای محموله‌هایی که خارج یا داخل ایران می‌شوند، داده شده است. از این جهت زمانی که می‌خواهند بند ۶ را اجرا کنند، به راحتی دولت آمریکا یا رژیم صهیونیستی می‌توانند فلان محموله را که می‌خواهد برای عراق یا لبنان رود را متوقف کنند بازرسی کنند و در نهایت این حق هم به کشورها داده شده که همه‌ی خروجی‌ها و ورودی‌های ایران را زیر نظر داشته باشند که این هم به شدت برای استقلال کشور ضرر دارد که گلوگاه‌های ورودی و خروجی کشور در عمل به دست برخی از کشورها باشد.»^{۱۴۹}

^{۱۴۷} سایت خبری رجانیوز، شرح همه خطوط قرمز نقض شده در مذاکرات وین/ ماجرای درخواست لغو تحریم تسلیحاتی توسط روسیه و چین و مخالفت تیم ایرانی با آن؛ ۱۳۹۴/۴/۲۵.

^{۱۴۸} سایت خبری رجانیوز، درگفت‌وگو با دکتر فواد ایزدی استاد دانشگاه تهران، مطرح شد/تشریح یک قطعنامه "خیلی بد" براساس این قطعنامه ۵ کشور می‌توانند هم طرف دعوا و هم قاضی ما باشند/این قطعنامه به شدت استقلال کشور را خدشه‌دار می‌کند، ۱۳۹۴/۴/۲۸.

^{۱۴۹} سایت خبری رجانیوز، درگفت‌وگو با دکتر فواد ایزدی استاد دانشگاه تهران، مطرح شد/تشریح یک قطعنامه "خیلی بد" براساس این قطعنامه ۵ کشور می‌توانند هم طرف دعوا و هم قاضی ما باشند/این قطعنامه به شدت استقلال کشور را خدشه‌دار می‌کند، ۱۳۹۴/۴/۲۸.

خبرگزاری تسنیم ناظر به محدودیت‌های تسلیحاتی و با اشاره به قید تصویب مورد به مورد اقلام صادراتی و وارداتی تسلیحاتی ایران توسط شورای امنیت که در اول بند ۵ ذکر شده، می‌نویسد: «مثلاً در حوزه‌ی خرید جنگنده در ۵ سال بعد از روز توافق، اگر جمهوری اسلامی ایران اقدام به خرید یک نوع جنگنده کند، باید آن مورد در شورای امنیت سازمان ملل متحد که ۱۵ عضو دارد و از این ۱۵ عضو (آمریکا، چین، روسیه، فرانسه، انگلیس) حق وتوی مصوبات شورای امنیت را دارند، بررسی شده و توسط این شورا تأیید شود. حال سؤال اینجاست که اگر بر فرض، شورای امنیت خرید جنگنده مورد نظر ایران را تأیید کرد اما یکی از اعضای این شورا که حق وتو دارد، آن مصوبه را وتو کرد، سرانجام خرید جنگنده یا جنگ‌افزارهای دیگری که در قطعنامه ذکر شده و تحریم‌هایشان در قالب قطعنامه لغو شده است، چه می‌شود؟»

تسنیم می‌افزاید: «فرض بر اینکه شورای امنیت تأیید کند که ایران مثلاً فلان جنگ‌افزار را از یک کشور خریداری کند، یک نکته‌ی مهم اینجا پیش می‌آید و آن اینکه ایران هیچ یک از تجهیزات نظامی اعم از سلاح و مهمات و جنگ‌افزارهای دیگر را بدون اطلاع کشورهای دیگر (۱۵ عضو شورای امنیت) نمی‌تواند خریداری کند. این به معنای آن است که ایران با فرض موافقت شورای امنیت برای خرید یک جنگ‌افزار، از تعداد فروخته شده، نوع فروخته شده، مأموریت جنگ‌افزار فروخته شده، تسلیحات قابل حمل آن جنگ‌افزار، برد جنگ‌افزارها (اعم از سامانه‌های موشکی، موشک‌ها، جنگنده‌ها بالگردها و غیره) و بقیه‌ی اطلاعات و قابلیت‌های تسلیحات فروخته شده به ایران حتماً مطلع خواهند بود و این یعنی آنها از امکان دفاعی ایران به طور کامل مطلع هستند، حال اینکه در عرف خرید و فروش تسلیحات جهانی، معمولاً کشورها با انعقاد "قراردادهای محرمانه" اقدام به خرید سلاح، تجهیزات نظامی و جنگ‌افزار می‌کنند.»

تسنیم تأکید می‌کند: «اگر هم شورای امنیت با فروش جنگ‌افزار مورد نیاز ایران موافقت نکند، باز هم قدرت‌های جهانی از "نیازهای ایران" مطلع می‌شوند و این در دوران حساس جنگ یا صلح، ارتباط مستقیم با نقض امنیت ملی کشور دارد.»^{۱۵۰}

محدودیت‌های مطرح شده در قطعنامه بدین معناست که حتی اگر داعش یا یکی از کشورها به ایران حمله کند، ایران بدون جواز شورای امنیت که آمریکا در آن حق وتو دارد اجازه‌ی واردات هیچ گونه تسلیحاتی را برای دفاع از خود نخواهد داشت.

نقض قطعنامه‌ی شورای امنیت یعنی استقبال از نسل جدیدی از قطعنامه‌ها

جبرائیلی تصریح می‌کند: «آقای دکتر عراقچی گفته‌اند: "شورای امنیت در این قطعنامه از ایران می‌خواهد تا فعالیت‌های موشکی که طراحی حمل کلاهک هسته‌ای را دارند انجام ندهد که ما در این زمینه هیچگونه برنامه‌ای نداریم. البته این موضوع تحت ماده ۴۱ و فصل هفتم منشور سازمان ملل نیست و فقط یک درخواست است و از نظر حقوقی الزام‌آور نخواهد بود."^{۱۵۱} متأسفانه باید گفت این سخن آقای عراقچی نیز دقیق نیست. بند موشکی قطعنامه علی‌رغم اینکه یک درخواست است (Iran is called upon) اما برخلاف گفته آقای عراقچی دقیقاً ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم است و عدم رعایت آن، "مسئولیت بین‌المللی" برای کشور در پی دارد. اگر مقدمه‌ی ضمیمه B به دقت مطالعه شود، به راحتی قابل دریافت است که تمامی بندها از جمله بند موشکی، ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم تعریف

^{۱۵۰} خبرگزاری تسنیم، قطعنامه ۲۳۳۱؛ لغو یا حفظ تحریم تسلیحات متعارف و "بازی دو سر باخت" برای ایران، ۱۳۹۴/۵/۶.

^{۱۵۱} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۴۲۹۰۰۱۰۰۸>

شده است (مقدمه تصریح می‌کند که تمامی اقدامات را ذیل {بند ۴۱} فصل هفتم انجام می‌دهد: Acting Under «Article ۴۱ of the UN Chapter

او تأکید می‌کند: «نکته مهمی که در این میان شایان توجه است اینکه ایران در واکنش به قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ به صراحت آن را "غیر قانونی و بی اعتبار" خوانده بود و خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دید^{۱۵۲}، اما در رابطه با قطعنامه ۲۲۳۱، اولاً موجودیت این قطعنامه ناشی از برجام است و در رابطه با صدور آن نوعی توافق میان ایران و کشورهای ۱+۵ حاصل شده است و حتی آقایان ظریف و عراقچی به صراحت قطعنامه را ضامن اجرای توافق دانسته‌اند. ثانیاً در بیانیه‌ی ۱۴ ماده‌ای ایران در واکنش به قطعنامه، هیچ اثری از غیرقانونی و بی اعتبار خوانده شدن بندهای موشکی نیست بلکه صرفاً گفته شده که "موشک‌های ایران برای حمل کلاهک هسته‌ای طراحی نشده است."^{۱۵۳} علاوه بر این، آقای غلامعلی خوشرو سفیر ایران در سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه از آن به شدت استقبال کرده و اظهار امیدواری کرد که "قطعنامه ۲۲۳۱ نوید بخش گشایش فصل جدیدی در روابط ایران با شورای امنیت و کشورهای عضو گروه ۱+۵ باشد."^{۱۵۴} سؤال اینجاست که چرا نه در سخنرانی آقای خوشرو و نه در بیانیه ۱۴ ماده‌ای وزارت خارجه تصریح نشده است که ایران بندهای موشکی را نمی‌پذیرد و آنها را رعایت نخواهد کرد؟ خبرهایی که درباره‌ی برخی مخالفت‌ها با "برگزاری رزمایش از سوی نیروهای مسلح"^{۱۵۵} منتشر شده و البته با تکذیب آقای شمخانی همراه بوده، بر نگرانی‌ها در این زمینه می‌افزاید.

جبرائیلی می‌افزاید: «استدلال بعدی آقای دکتر ظریف و تیم ایشان در رابطه با بند ۳ ضمیمه B قطعنامه آن است "نقض قطعنامه، نقض برجام نیست"^{۱۵۶} این سخن به معنی آن است که هر چند وزارت خارجه در رویکرد خارجی خود مفاد قطعنامه را رد نکرده اما در رویکرد داخلی از امکان نقض سخن می‌گوید. در پانویشت پاراگراف‌های مربوط به قطعنامه در برجام نیز آمده است که "مفاد این قطعنامه شامل مفاد برجام نیست." اما با توجه به اینکه هویت قطعنامه به برجام گره خورده است، آیا ضمانتی وجود دارد که آمریکایی‌ها تولید و آزمایش موشک توسط ایران را نقض اساسی توافق قلمداد نکرده و مسئله را به سیستم حل و فصل اختلافات ارجاع ندهند؟ سیستمی که طی یک فرآیند ۶۰ روزه می‌تواند صرفاً با نظر آمریکا هم تحریم‌های آمریکا و هم تحریم‌های شورای امنیت را بازگرداند؟ (طبق برجام در صورت اعتراض یکی از اعضا شورای امنیت باید درباره‌ی ادامه‌ی لغو تحریم‌ها رأی‌گیری کند که آمریکا می‌تواند با و تو، از "ادامه لغو تحریم‌ها جلوگیری کرده و آنها را بازگرداند) ممکن است دوستان بگویند آمریکا نمی‌تواند نقض قطعنامه را به برجام ربط دهد چون تأکید شده اینها ربطی به یکدیگر ندارند. اما سؤال اینجاست که مگر تا کنون تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به بهانه هسته‌ای، ارتباطی به پرونده هسته‌ای داشته است؟ در همین قطعنامه خرید و فروش تانک هم تحریم شده است؛ تانک چه ارتباط معقولی می‌تواند به برنامه هسته‌ای داشته باشد؟ ضمن اینکه ادعای آمریکا هر چند بی‌پایه و نامربوط باشد، تصمیم‌گیر درباره‌ی بی‌پایه بودن آن ایران نیست و طبق نظام حل و فصل اختلافات، خود آمریکا به صورت یکجانبه قرار است درباره‌ی مربوط یا بی‌ربط بودن ادعاهایش تصمیم بگیرد.»^{۱۵۷}

^{۱۵۲} <http://alef.ir/vdcbwsbz.rhbszpiuur.html?ywmil>

^{۱۵۳} <http://www.asriran.com/fa/news/۴۰۶۸۸۷>

^{۱۵۴} <http://www.irna.ir/fa/News/۸۱۶۸۸۹۲۰>

^{۱۵۵} <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/۲۸۴۲۷۵>

^{۱۵۶} [http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۴۳۰۰۰۰۰۰۵۱](http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۴۳۰۰۰۰۰۵۱)

^{۱۵۷} خبرگزاری فارس، همه اتهامات موشکی قطعنامه ۲۲۳۱، ۱۳۹۴/۵/۱۸.

بنابر ادعای تیم مذاکره‌کننده، ایران برای این قطعنامه‌ی شورای امنیت را گرفت که توافق برای آمریکا الزام‌آور باشد. وقتی ایران خود از نقض قطعنامه سخن می‌گوید چه الزامی برای آمریکا باقی می‌ماند و اساساً اخذ قطعنامه‌ی شورای امنیت چه جایگاهی خواهد داشت؟

چنانچه گفته شد محدودیت‌های تسلیحاتی و موشکی ایران ذیل بند ۴۱ فصل هفتم مطرح شده و الزام‌آور است. بدیهی است چه نقض قطعنامه را نقض برجام بدانیم؛ چه ندانیم، با نقض این محدودیت‌ها شورای امنیت طبق معمول می‌تواند تشکیل جلسه دهد و قطعنامه‌های بعدی را این بار نه به بهانه‌ی هسته‌ای که به بهانه‌ی تسلیحات نظامی و موشکی علیه ایران صادر کند و تحریم‌های جدیدی را وضع نماید. این بدین معنی است که از همین‌جا باب پرونده‌ی جدید ایران در شورای امنیت گشوده خواهد شد و متأسفانه دولتمردان بعد از این همه مذاکره و بعد از پذیرش این همه محدودیت، این باب را برای طرف غربی با کمال میل مفتوح گذاشته‌اند.

این همه در حالی است که در این قطعنامه این محدودیت‌ها در میز مذاکره و با توافق طرف ایرانی وضع شده است و ایران حتی به تلاش روسیه برای حذف این محدودیت‌ها پشت پا زده. این بدین معنی است که عملاً توجیهی پس از نقض این مفاد وجود نخواهد داشت.

وقتی در برنامه‌ی تلویزیونی از عراقچی پرسیده شد: «آیا این امکان وجود دارد در صورت نقض قطعنامه شورای امنیت از سوی ایران، پرونده هسته‌ای ایران ذیل ماده ۴۲ فصل هفتم منشور ملل متحد قرار بگیرد و مجوز حمله نظامی از سوی شورای امنیت صادر بشود؟»، عراقچی در پاسخ گفت: «ما از این مراحل مدت‌ها است عبور کردیم. اگر که ما ضعیف باشیم... از نظر حقوقی امکانش هست. اما از نظر سیاسی و واقعیت‌های میدانی نه... امکانش در تئوری هست اما در عمل نه... به خاطر اقتدار جمهوری اسلامی و این کار را تا وقتی که این اقتدار وجود دارد نخواهند کرد.»^{۱۵۸} و این در واقع بدین معنی بود که تیم مذاکره‌کننده نیز قطعنامه را کاغذپاره می‌داند.

این همه مذاکره کردیم تا از حیث حقوقی مسیر دشمن را سد کنیم نه اینکه تنها چشممان به اقتدار جمهوری اسلامی باشد. متأسفانه با وجود امتیازدهی‌های مختلف، احتمال دست‌اندازی به ایران اسلامی را نه تنها کم نکردیم بلکه با دست خود بهانه‌ی لازم را در اختیار دشمن قرار داده‌ایم تا پرونده‌ای دیگر همان‌گونه که علاقمند است علیه ایران بگشاید.

جان کری هم البته طی سخنانی تصریح کرد که نقض ممنوعیت‌های تسلیحاتی یا محدودیت‌های موشکی ایران و در واقع نقض قطعنامه موجب بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل و نقض توافق هسته‌ای نخواهد شد اما در عین حال تأکید کرد که در این صورت نیز آمریکا و متحدانش "ابزارهای فراوانی در اختیار دارند"^{۱۵۹} و این یعنی همان سوق دادن بازی به زمین جدیدی که در پس از هسته‌ای در انتظار ایران است.

بازگشت‌پذیری سخت برای ایران و جیب خالی بعد از معامله

حسین آبنیکی معاون سابق سازمان انرژی اتمی در این خصوص می‌گوید: «در بازگشت‌پذیری فنی تعهداتی که ما داریم می‌دهیم چند موضوع مطرح است. یک بحث، بحث نطنز است و تعهداتی که ما در نطنز می‌پذیریم. در نطنز به جز ۵۰۶۰ ماشین سانتریفیوژ ما همه‌ی ماشین‌هایی که هست را جمع می‌کنیم. این جمع کردن هم شامل خود

^{۱۵۸} سایت خبری رجانیز، قطعنامه ۲۲۳۱ چطور راه را برای صدور مجوز جنگ علیه ایران هموار کرده است/ ۹ نکته کلیدی درباره قطعنامه شورای امنیت که تیم مذاکره‌کننده آن را کتمان می‌کند؛ ۱۳۹۴/۴/۳۰.

^{۱۵۹} سایت خبری رادیو فردا، کری: نقض ممنوعیت تسلیحاتی ایران، موجب بازگشت خودکار تحریم‌ها نیست، ۱۳۹۴/۵/۲۱.

ماشین‌های سانتریفیوژ می‌شود هم زیرساخت‌هایش. زیرساخت که می‌گوییم منظور لوله‌هایی است که جوش کاری شده، ماشین‌ها را گازدهی می‌کند و گاز را از ماشین جمع‌آوری می‌کند؛ محصول را از ماشین جمع‌آوری می‌کند. این لوله‌ها باید بریده و جمع‌آوری شوند و تجهیزات دیگر مثل شیرهای خلأ، پمپ‌های خلأ، تجهیزات کنترلی، سیم‌های که برق را می‌رسانند یا ماشین‌ها را کنترل می‌کنند، همه‌ی اینها باید کنده شود و جابه‌جا شود. مثل این می‌ماند که همه‌ی تأسیسات برقی و آب و مخابراتی یک ساختمان را جمع کنید و بعد بخواهید برگردانید. فرآیند بازگشت‌پذیری در نطنز اگر بخواهیم شرایط را به شرایط قبل برگردانیم، حداقل سه سال وقت را به طور کامل خواهد برد.

او می‌افزاید: «در فوردو ما به حدود ۱۷۰۰ ماشین همین فرآیند را تکرار می‌کنیم. یعنی ماشین‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم و همه‌ی زیرساخت ماشین‌ها را می‌بریم، می‌کنیم و وارد انبار می‌کنیم. برگشت‌پذیری در فوردو هم یک زمانی نزدیک به دو سال برای ما خواهد داشت. مضاف بر اینکه ۴ زنجیره‌ی ماشین‌هایی که در فوردو می‌ماند، چون کار نمی‌کند، بعد از یک دوره‌ی ۸ الی ۱۰ ساله آن ماشین‌ها هم بخش قابل توجهی از شرایط فنی‌اش را از دست داده است و دیگر ماشین‌های قابل استفاده‌ای نیست. ۳۵۰ تایی که کار می‌کند هم چون در فرآیند جداسازی ایزوتوپ‌های پایدار استفاده می‌شود، باید تغییر طراحی در آنها انجام شود که آنها هم در فرآیند غنی‌سازی غیر قابل استفاده خواهد بود. ما علاوه بر اینکه در نطنز و فوردو فرآیند بازگشت‌پذیری ۲ تا ۳ ساله را خواهیم داشت و آسیب‌ها و چالش‌های فنی بسیار زیاد و هزینه‌ی مالی بسیار زیادی را باید تحمل کنیم، زنجیره‌ی تأمین‌کننده‌ی قطعات و تجهیزات ماشین‌های سانتریفیوژ و قطعات و تجهیزات خط غنی‌سازی را کاملاً از دست خواهیم داد؛ چرا که ما در طی این ۱۰ سال خط تولید جدیدی را راه نمی‌اندازیم، ماشین جدیدی را تولید نمی‌کنیم. بنابراین کل بخش خصوصی‌ای که در تولید بالای ۱ تا ۱,۵ میلیون قطعه حضور داشتند و این فرآیند را انجام می‌دادند، همه‌ی اینها از فرآیند تولید خارج می‌شوند و تعداد زیادی از نیروی انسانی، هزاران نفر از نیروی انسانی که از داخل و خارج سازمان داشتند این کار را می‌کردند، آنها هم باید از این فرآیند خارج شوند و از دست می‌روند.»

او ادامه می‌دهد: «در اراک ما قلب رآکتور اراک را خارج می‌کنیم. حتی اگر بخواهیم بلافاصله برگردانیم، غیر قابل بازگشت است و دچار آسیب‌های جدی است. حالا ما این را تخریب هم می‌کنیم و از بین می‌بریم و فرآیند ساخت قلب جدید را هم با خارجی‌ها جلو می‌رویم. هر جا آنها اگر تعهداتشان را نقض کنند و بخواهیم برگردیم، قلب رآکتور قبلی را از بین بردیم و قلب رآکتور جدید را نساختیم. مجدداً باید برگردیم و آنجا ما یک فرآیند دو، سه ساله را به سادگی از دست می‌دهیم.»

آب‌نیکی در جمع‌بندی می‌گوید: «در مجموع بازگشت‌پذیری فنی ما ضمن اینکه صدها میلیارد تومان هزینه دارد، حدوداً سه، چهار سال هم زمان را از ما خواهد گرفت.»^{۱۶۰}

همان‌گونه که دولت ایران تا کنون نیز سخاوتمندانه حاصل بسیاری از زحمات در انرژی هسته‌ای را بر باد داده، در توافق نیز همان نخست تمام دارایی‌های خود را در طبق اخلاص می‌گذارد، قلب رآکتور اراک را خارج می‌کند، حجم بالای اورانیوم غنی‌شده طی سال‌های متمادی را به ۳۰۰ کیلو می‌رساند، سانتریفیوژهای فوردو و نطنز را با زیرساخت‌هایش جمع می‌کند و... در عوض این دست و دل بازی که به خالی شدن جیب ایران در این منازعه می‌انجامد، طرف غربی حتی بعد از این اقدامات نیز تحریم‌هایش را لغو نمی‌کند بلکه مکانیزم ماشه را کلید می‌زند و برخی محدودیت‌ها و تحریم‌ها را تا مدت‌ها نگه می‌دارد. مکانیزم ماشه چنانکه گفته شد طوری طراحی شده که برخلاف زمانی که ایران برای بازگشت‌پذیری نیاز دارد، زمان بازگشت تحریم‌ها را به حداقل ممکن کاهش دهد. در

^{۱۶۰} مستند "بازگشت‌پذیری سخت" از سلسله مستندهای "دو نقطه" تولید مجموعه‌ی سفیر.

واقع تیم مذاکره‌کننده زمان‌بندی‌ای را پذیرفته است که طی آن همه‌ی آنچه را دارد در گام اول می‌دهد و بعد دستش جلوی بیگانه دراز است؛ درحالی که شمشیر بازگشت‌پذیری تحریم‌ها نیز بر روی سرش قرار می‌گیرد. این نه با عزت ما سازگار است و نه عقلایی است.

میرکاظمی در این خصوص تصریح می‌کند: «در برداشتن تحریم‌ها شرایط بسیار سختی گذاشتند. در مکانیزم ماشه برگرداندن تحریم‌ها بسیار سریع اتفاق می‌افتد. اگر آنها به تعهد خود عمل نکنند، ایران هیچ ابزاری برای اعمال فشار ندارد.»

او می‌افزاید: «ایران در سال ۸۲ و در دوران اصلاحات یک بار به‌صورت داوطلبانه تعلیق غنی‌سازی را پذیرفت و پس از اینکه طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد، ایران تعلیق را شکست، یعنی تعلیق را ملغی کرد و گاز را مجدداً به سانتریفیوژها تزریق کرد. از همین جا دعوای و تهدیدها از سوی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها شروع شد. پس از آن قطعنامه‌ها یکی پس از دیگری علیه ایران صادر شد و اکنون به‌غلط این موضوع را به گردن دولت نهم می‌اندازند، در حالی که دعوای را در اصل دولت اصلاحات در اواخر دوران خود شروع کرده بود. جالب است که در آن زمان ایران به تمام تعهدات خود عمل کرد ولی آنها به هیچ کدام از تعهدات خود عمل نکردند. در کتابی که آقای روحانی در دوران مسئولیت خود در شورای امنیت ملی نوشته این موضوعات را قید کرده و در نامه‌ای که به البرادعی زده، توضیح داده که ما تعلیق را انجام دادیم، پروتکل الحاقی را پذیرفتیم، بازرسی‌های بیش از پروتکل را پذیرفتیم، بازدید از مراکز نظامی انجام شد، زنجیره سانتریفیوژ را تعطیل کردیم، بعد می‌گویند حتی اروپایی‌ها حاضر نشدند قول‌هایی را که دادند بررسی کنند.»

او می‌افزاید: «وقتی طرف مقابل این‌گونه است، وقتی به عراق قول می‌دهند و عمل نمی‌کنند، به غزه در مورد آتش‌بس قول‌هایی دادند و عمل نکردند. در قطعنامه ۵۹۸ تعهداتی به ایران دادند، فقط آتش‌بس را پذیرفتند و به بقیه قول‌های خود عمل نکردند، سؤال اینجاست: آمریکا در توافق ژنو قرار بود چه کاری انجام دهد؟ چند درصد آن را به‌موقع انجام داد یا اصلاً انجام داد؟ اینها سؤالاتی است که مطرح است، چه ضمانتی وجود دارد که به تعهداتش عمل کند.»^{۱۶۱}

جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید تصریح می‌کند: «در ساز و کار در نظر گرفته شده، ما زمانی تحریم‌ها را کاهش می‌دهیم که ایران همه‌ی اقدامات خود را انجام دهد. بنابراین حتی اگر ایران اجازه‌ی بازرسی را هم صادر نکند، در آن زمان ایران به خانه اول یعنی روز آغاز مذاکرات باز خواهد گشت، و باید دوباره برای مذاکره تلاش کند اما در شرایطی که دیگر ۹۸ درصد ذخایر خود را از دست داده، اراک را بازطراحی کرده و سانتریفیوژهای خود را نیز برچیده است.»^{۱۶۲}

بازرسی از سایت‌های نظامی و پاراچین؛ بازجویی از دانشمندان

ایران در قالب نقشه راه هم بازرسی از پاراچین را پذیرفته و هم ذیل عنوان دیدارهای فنی-کارشناسی راه را برای بازجویی از دانشمندان باز گذاشته است.

جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید در اظهاراتی مهم پس از اعلام متن برجام اعلام داشت که وجود رژیم بازرسی‌های گسترده‌ای که در توافقات گنجانده شده باعث می‌شود حمله نظامی به ایران هدفمندتر بشود. وی در این باره در تهدیدی آشکار آن هم پس از شکل‌گیری توافق گفت: «نکته کلیدی این است که (پس از توافق) گزینه‌ی نظامی

^{۱۶۱} خبرگزاری تسنیم، "مکانیزم ماشه" باعث بازگشت فوری تحریم‌ها خواهد شد، ۱۳۹۴/۵/۱۰.

^{۱۶۲} روزنامه کیهان، ادعای بازگشت‌پذیری تعهدات ایران چه قدر عملی است؟!، ۱۳۹۴/۴/۳۱.

تقویت هم می‌شود، چرا که طی این سال‌ها ما جزئیات بیشتری از برنامه هسته‌ای ایران جمع‌آوری خواهیم کرد. بنابراین، زمانی که وقت تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی آمریکا و اسرائیل در مورد هدف‌گیری می‌رسد، به دلیل اطلاعاتی که طی این سال‌ها به لطف رژیم بازرسی‌ها جمع‌آوری کرده‌ایم، آن تصمیمات به طرز چشم‌گیری مبتنی بر اطلاعات بوده و توانمندی‌های ما ارتقا یافته‌اند.»

یک بیست با اشاره به این مواضع نوشت: «این اظهارات نشان دهنده‌ی میزان خطرناک بودن بازرسی از مراکز نظامی کشور توسط بیگانگان است. همچنین به وضوح این موضوع را که اسرار نظامی ایران توسط آژانس به صورت مستقیم در اختیار آمریکا قرار می‌گیرد را تأیید می‌کند.»

این سایت تحلیلی سپس به سخنان عراقچی اشاره کرد که روز دوشنبه ۲۹ تیر در گفتگوی ویژه خبری گفته بود: «این‌ها آمدند گفتند که یک سری دسترسی‌هایی را به آژانس بدهید به یک سری محل‌ها و یک سری افراد که آژانس با این افراد صحبت بکند یا از محل‌هایی که پیشنهاد کرده بودند بازدید بکند و بعد این موضوع PMD حل و فصل بشود و برود و آژانس گزارش نهایی خودش را بدهد و بگوید با این افراد صحبت کردم و از این محل‌ها بازدید کرده‌ام و در گذشته این جور بوده یا آن جور بوده - چون می‌دانید قضاوت نسبت به تاریخ این طور هست - خوب این راه حل پیشنهادی در تهران مورد قبول واقع نشد و ما اعلام کردیم دسترسی به دانشمندان خودمان به هیچ وجه نمی‌دهیم و به اماکن نظامی‌مان هم دسترسی نمی‌دهیم... قرار هست در طول این بررسی‌ها اگر آژانس مدارکی داشت ارائه بدهد، سؤالاتی داشت ارائه بدهد و ما هم پاسخ‌های لازم را ارائه بدهیم و اگر که احتیاج به اقدامات بیشتری بود بین ما و آن‌ها بحث بشود ولی به طور مسلم بازدید از اماکن نظامی حتی به صورت مدیریت شده قرار نیست که باشد. ما از اماکن نظامی خودمان مطمئنیم و چه درباره PMD و چه درباره‌ی پروتکل الحاقی قطعاً نیازی نخواهد بود که از این تأسیسات بازرسی صورت بگیرد.»

یک بیست افزود: «اما در این میان بررسی متون منتشر شده از مذاکرات وین واقعیات دیگری را بیان می‌کند. متن نقشه راه بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (به عنوان یکی از سه متن منتشر شده از مذاکرات وین در کنار متن برجام و قطعنامه شورای امنیت) صراحتاً حکایت از صدور مجوز بازدید از پارچین - به عنوان یک سایت نظامی - و همچنین انجام "دیدارهای فنی و تخصصی" می‌کند. (متن رسمی نقشه راه از سایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ترجمه‌ی آن). لازم به ذکر است که در بخش‌های مختلف برجام که به اقدامات شفاف‌سازی ایران مربوط است به این نقشه‌ی راه ارجاع داده شده است. در بند C از بخش هسته‌ای برجام تحت عنوان "شفافیت و اقدامات اعتمادساز" که بخشی از تعهدات ایران را مشخص کرده است، می‌خوانیم: "ایران، نقشه راه را که شامل ترتیباتی برای پرداختن به مسائل مورد نگرانی حال و گذشته‌ی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران مندرج در ضمیمه‌ی گزارش مورخ ۸ نوامبر ۲۰۱۱ آژانس (GOV/۲۰۱۱/۶۵)، است، برای رفع ابهام از مسائل مورد اختلاف حال و گذشته‌ی مورد توافق با آژانس، کاملاً اجرا خواهد نمود. اجرای کامل فعالیت‌هایی که ایران بر اساس این نقشه راه برعهده می‌گیرد تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ تکمیل خواهد شد."»

یک بیست ادامه داد: «در قسمت M ضمیمه یک برجام که مربوط به "موضوعات مورد نگرانی گذشته و حال" است نیز می‌خوانیم: "ایران تمام فعالیت‌های تعیین شده در پاراگراف‌های ۲، ۴، ۵ و ۶ "نقشه راه روشن نمودن موضوعات باقیمانده از گذشته و حال" را آن گونه که در گزارش‌های به روزآوری منظم توسط مدیر کل آژانس بر روی اجرای این نقشه راه راستی آزمایی شود، تکمیل خواهد کرد."»

این سایت همچنین افزود: «در بند ۴ از این نقشه راه با اشاره به ملاقات‌های فنی-هسته‌ای، اینطور آمده است:

After the IAEA has submitted to Iran questions on any possible ambiguities regarding such information, technical-expert meetings, technical measures, as agreed in a separate arrangement, and discussions will be organized in Tehran to remove such ambiguities

پس از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سؤالات در خصوص هرگونه ابهام در چنین اطلاعاتی را به ایران ارائه کرد، دیدارهای فنی-کارشناسی، اقدامات فنی و مباحث آنگونه که در ساز و کار جداگانه مورد توافق قرار گرفت، برای رفع این ابهامات، در تهران صورت خواهد گرفت.»

یک بیست ادامه داد: «رویه‌ی کار به این صورت است که آژانس ابتدا سؤالات خود را به ایران می‌فرستد و ایران پاسخ‌هایی مکتوب به این سؤالات می‌دهد اما پس از ارائه‌ی این پاسخ‌ها آژانس درخواست دیدارهای فنی و کارشناسی و اقدامات فنی دیگری را برای رفع ابهامات خود درباره‌ی این پاسخ‌ها می‌دهد که ایران موظف به انجام آن اقدامات است و هیچ توضیح بیشتری درباره‌ی چیرستی این دیدارها و اقدامات داده نشده و به وضوح مشخص کرده که سازوکار آن در توافق دیگری که منعقد شده، آورده شده است. گفتنی است متن توافق مزبور منتشر نگردیده و به صورت محرمانه می‌باشد. احتمال دارد که این توافق منتشر نشده حاوی لیست مربوط به این افراد و دانشمندان باشد. پیش از این نیز در ۹ خرداد ۹۴، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر اسبق دفاع و از فرماندهان ارشد نظامی کشور، با اشاره به ارائه فهرستی در این خصوص از سوی طرف مقابل، در مورد اسامی موجود در این فهرست گفته بود: «اولین نفر خود من هستم، لیست ارائه شده شامل اسامی ۲۳ نفر از مسئولان و متخصصان کشور است.»

یک بیست افزود: «در واقع به نظر می‌رسد که با توجه به حساسیت‌های موجود در کشور مبنی بر ممنوعیت بازجویی از مقام‌ها و دانشمندان کشورمان، ترجیح داده شده است که از عبارت technical-expert meetings (دیدارهای فنی-کارشناسی) برای الزام ایران به انجام این تعهد استفاده شود و از توضیح بیشتر نیز در این سند علنی خودداری شود.»

این سایت تحلیل تأکید کرد: «از سوی دیگر در رابطه با سایت نظامی پارچین نیز در بند پنجم نقشه راه به توافقی اشاره شده است که به آژانس امکان حل و فصل مسائل مربوط به آن را می‌دهد. در بند پنجم سند منعقد شده بین ایران و آژانس می‌خوانیم: «ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر ساز و کار جداگانه‌ای در خصوص موضوع پارچین توافق کردند.» همان طور که مشاهده می‌شود در مورد سایت پارچین نیز به توافقی اشاره شده که منتشر نگردیده و محرمانه می‌باشد. ولی در گزارش نوامبر ۲۰۱۱ دبیرکل آژانس مطالب جالبی را درباره نحوه رفع نگرانی آژانس درباره‌ی پارچین می‌خوانیم. لازم به یادآوری است که این رسیدگی به این گزارش در این نقشه راه مبنا قرار گرفته است و ایران ملزم به پاسخ‌گویی در مورد مسائل حل نشده در این گزارش شده است (بند اول نقشه راه مورد توافق بین ایران و آژانس). به همین خاطر این گزارش اهمیت ویژه‌ای دارد. در گزارش نوامبر ۲۰۱۱، آژانس درخواست دسترسی (Visit) به سایت پارچین را _درست همان طور که در سال ۲۰۰۵ دو بار چنین دسترسی به آن سازمان داده شده بود_ مطرح کرده است. در بند ۵۰ این گزارش می‌خوانیم: «در نتیجه‌ی اطلاعاتی که توسط یک کشور عضو در اوایل سال ۲۰۰۰ به آژانس رسید که دلایلی را مبنی بر آزمایش مواد شدیداً انفجاری -احتمالاً مربوط به مواد هسته‌ای- در مجموعه نظامی پارچین ارائه می‌کرد، آژانس اجازه پیدا کرد که دو بار در سال ۲۰۰۵ (سال ۸۳ و ۸۴) از این پایگاه بازدید کند. در آن زمان به واسطه‌ی تصویربرداری ماهواره‌ای، آژانس نقاط پراهمیتی را شناسایی کرده بود [که از آن نقاط بازدید کافی صورت گرفت] اما هیچ‌کدام از آن نقاط شامل موردی که هم‌اکنون (سال ۲۰۱۱) تصور می‌شود شامل ساختمانی است که استوانه‌ی انفجاری مزبور (در بند ۴۹) در آن قرار دارد، نمی‌شدند.»

یک بیست ادامه داد: «در حقیقت رفع نگرانی آژانس منوط به دسترسی به ساختمانی است که در مجموعه نظامی پارچین قرار دارد و اشتباهی که چندین بار در مذاکرات سال ۸۲ تا ۸۴ رخ داد این بار نیز رخ داده و جواز دسترسی به اسرار حساس نظامی کشور مورد پذیرش قرار گرفته است. این به معنای دسترسی به پایگاهی نظامی است که ۱۰ سال است کشور به سختی در برابر درخواست‌های زیاده‌خواهانه غرب برای دسترسی‌های مکرر به این پایگاه‌های نظامی ایستادگی کرده و به سادگی طی یک قرارداد کوتاه مدت چند ماهه و حتی پیش از امضای توافق و بدون هرگونه دستاورد مشخص این امتیاز به طرف مقابل واگذار شده است.»

یک بیست افزود: «علاوه بر تناقض روشن مفاد موجود در این توافق با اظهارات مسئولین، نکته جالب دیگر اینجاست که در جای جای این سند تأکید شده است که تمام مسائل مورد بحث در این سند تنها مربوط به نگرانی‌های آژانس مطروحه در گزارش دبیرکل در نوامبر ۲۰۱۱ است و آژانس تنها باید گزارشی در رابطه با اقدامات شفاف‌ساز ایران در رابطه با آن مسائل ارائه کند. در بند ۸ این نقشه راه می‌خوانیم: "تا تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ (۲۴ آذر)، مدیر کل ارزیابی نهایی را در مورد حل تمامی مسائل باقی‌مانده گذشته و حاضر آنطور که در ضمیمه گزارش ۲۰۱۱ مدیر کل (GOV/۲۰۱۱/۶۵) تعیین شده، برای اقدام به شورای حکام ارائه خواهد کرد. پیش از صدور گزارش، یک نشست فنی جمع‌بندی میان ایران و آژانس برگزار خواهد شد."»

یک بیست ادامه داد: «عباس عراقچی پس از توافق وین در برنامه نگاه یک در اینخصوص می‌گوید: "تصور ما این هست که احتمالاً ظرف سه چهار ماه آینده می‌شود موضوع PMD را در یک همکاری نزدیک بین ایران و آژانس به یک جمع‌بندی نهایی رساند و این موضوع را هم فیصله داد." اما با توجه به بند ۸ متن نقشه راه مشاهده می‌کنیم که بر خلاف تصور عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده باز هم الزامی برای آژانس وجود ندارد که نسبت به صلح‌آمیز بودن و صلح‌آمیز ماندن برنامه هسته‌ای ایران ابراز اطمینان کند و کماکان پرونده مسائل حل نشده بین ایران و آژانس باز باقی خواهد ماند و مدیر کل آژانس تنها باید گزارشی از اقدامات ایران ارائه کند که امکان بهانه‌جویی را برای آن سازمان باز نگه می‌دارد. نکته جالب اینجاست که تعهدات ایران در سند نقشه راه توافق شده بین ایران و آژانس بدون طی روال قانونی در داخل کشور از زمان اعلام جمع‌بندی مذاکرات (۲۳ تیر ۹۴) در حال اجرایی شدن است.»

یک بیست تأکید کرد: «همچنین به طور خلاصه این نقشه راه به دو توافق محرمانه اشاره می‌کند که یکی از این توافقات مربوط به بازجویی از دانشمندان و دیگری مربوط به توافق ایران و آژانس درباره‌ی مسئله‌ی سایت نظامی پارچین می‌شود. رضا نجفی نماینده جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این باره می‌گوید: "توافقی که ایران با آژانس برای حل تمام مسایل گذشته در یک بازه زمانی محدود و مشخص تحت عنوان نقشه راه امضا کرده اند به دو ترتیبات جداگانه بین ایران و آژانس اشاره دارد. این دو ترتیبات که حاوی موضوعات فنی هستند کاملاً محرمانه تلقی می‌شوند... افشای این ترتیبات محرمانه توسط هر طرفی که صورت گیرد بشدت بر اجرای آن تاثیر منفی خواهد گذاشت و لذا آژانس باید مراقب باشد که مفاد این ترتیبات همانند سایر ترتیبات محرمانه با کشورهای عضو محرمانه باقی بماند."»^{۱۶۳}

صالحی نیز بر اینکه بازدید از پارچین انجام خواهد شد، صحنه گذاشت و البته توضیح داد این بازدید در قالب توافق جداگانه‌ای نیست بلکه در قالب همان نقشه راه صورت می‌پذیرد. علی اکبر صالحی در پاسخ به سؤال خبرنگاران در خصوص دستیابی به توافقی جداگانه در خصوص مرکز نظامی پارچین گفت: «خیر؛ تفاهمی با آژانس بین‌المللی انرژی

^{۱۶۳} سایت ir. ۲۰-۱، پذیرش بازجویی از دانشمندان کشور با عنوان «ملاقات‌های فنی-کارشناسی» و بازرسی از پارچین / اثبات وجود دو توافق محرمانه.

اتمی به دست آمده است و در همین چارچوب، عمل خواهد شد.» او همچنین تأکید کرد: «شورای عالی امنیت ملی ایران از این مسئله آگاه است.»^{۱۶۴}

رهبر انقلاب تصریح کرده بودند: «نکته‌ی بعدی که به مسئولین محترم تذکر دادیم و به شما هم عرض می‌کنیم، این است که به هیچ‌وجه اجازه داده نشود که به بهانه‌ی نظارت، اینها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به هیچ‌وجه مأذون نیستند که به بهانه‌ی نظارت و به بهانه‌ی بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقف کنند؛ توسعه‌ی دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشتمل بر محکم ملت در عرصه‌ی نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود؛ یا حمایت ما از برادران مقاومت‌مان در نقاط مختلف؛ اینها مطلقاً نبایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.»^{۱۶۵}

رهبر انقلاب در خصوص مصاحبه با دانشمندان نیز فرموده بودند: «حالا در همین مذاکرات باز حرف‌های تازه‌ای می‌زنند. [مثلاً] بازرسی‌ها، گفتیم که اجازه نمی‌دهیم از هیچ‌یک از مراکز نظامی هیچ بازرسی‌ای از سوی بیگانگان صورت بگیرد. می‌گویند بایستی ما بیاییم با دانشمندان شما مصاحبه کنیم یعنی در واقع بازرجویی کنیم. ما اجازه نمی‌دهیم به حریم دانشمندان هسته‌ای ما و دانشمندان در هر رشته‌ی حسّاس و مهمّی، اندک اهانتی بشود. من اجازه نمی‌دهم بیگانگان بیایند با دانشمندان ما، با فرزندان برجسته و عزیز ملت ایران که این دانش گسترده را به اینجا رسانده‌اند، بخواهند بنشینند حرف بزنند. در دنیا هیچ عاقلی اجازه نمی‌دهد، هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد؛ دانشمندان را مخفی می‌کنند، نمی‌گذارند اسم‌هایشان را هم کسی بفهمد. دشمن پُرو و وقیح توقع دارد اجازه بدهند راه را باز کنند و بیایند با دانشمندان ما، با اساتید ما، با محققین ما گفتگو کنند، مذاکره کنند. درباره‌ی چه؟ درباره‌ی یک پیشرفت اساسی بومی علمی در کشور. این اجازه مطلقاً داده نخواهد شد؛ این را هم دشمنان بدانند، هم کسانی که منتظرند ببینند تصمیم نظام جمهوری اسلامی چه میشود، بدانند.»^{۱۶۶}

بازرسی‌های فراپروتکل و محدودیت‌های جدی بر سر راه اقلام دارای کاربرد دوگانه

مهدی محمدی می‌نویسد: «اگر بخواهم صریح باشم، قطعنامه ۲۲۳۱ بر خلاف ظاهرش، یک قطعنامه‌ی کاملاً فراهسته‌ای است و به لحاظ راهبردی برنامه هسته‌ای را بهانه‌ای برای ایجاد یک سلسله ترتیبات بسیار درازمدت برای مهار استراتژیک ایران در تمام حوزه‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و عرصه‌های منازعه راهبردی با آمریکا، قرار داده است. یک شاهد بسیار مهم در این زمینه، رژیم دسترسی و بازرسی است که در این قطعنامه تعریف شده است. در ظاهر ادعای مقام‌های آمریکایی این است که هدف از این رژیم دسترسی و بازرسی، کنترل ۲ چیز است: ۱- صلح‌آمیز باقی ماندن برنامه هسته‌ای ایران برای همیشه (بسته شدن همه راه‌ها به سمت سلاح) ۲- راستی آزمایی اجرای برجام در ایران.»

او می‌افزاید: «وقتی به متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مراجعه و در آن تأمل می‌کنیم، یکی از حقایق که خیلی زود خود را نشان می‌دهد این است که مکانیسم دسترسی و بازرسی مندرج در این متون، بسیار فراتر از میزانی است که صرفاً برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران یا مطمئن شدن از پایبندی ایران به تعهداتش طبق برجام نیاز است. در واقع این مکانیسم کیلومترها فراتر از پروتکل الحاقی است و چتری از نظارت بر فراز ایران می‌گسترده که خروجی آن به

^{۱۶۴} خبرگزاری مهر، صالحی: توافق جداگانه‌ای برای بازرسی از «پارچین» در کار نیست، ۱۳۹۴/۵/۳.

^{۱۶۵} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۱۶۶} بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۴/۲/۳۰.

کنترل درآوردن همه‌ی فعالیت‌های دانشی، تحقیقاتی، ساخت‌وساز و تحقیق و توسعه مرتبط با برنامه‌های امنیت ملی ایران در حوزه‌های علمی، صنعتی، فناوری‌های نوین، نظامی، فناوری‌های پیشرفته و... است.»

مهدی محمدی ادامه می‌دهد: «شاید این ادعا در ابتدا کمی عجیب جلوه کند. چگونه یک توافق می‌تواند دسترسی‌های تا این حد فراگیر ایجاد کند؟ پاسخ در سندی نهفته است که هم در برجام و هم در قطعنامه ۲۲۳۱ به آن ارجاع داده شده است. این سند که در هر دو متن با عنوان INFCIRC/۲۵۴ به آن ارجاع داده شده، از ایران خواسته یک نظام خرید و کنترل صادرات و واردات را بر اساس آن، در طول دوران اجرای قطعنامه شورای امنیت (حداقل ۱۰ سال) مستقر و اجرا کند.»

او می‌افزاید: «من به هیچ وجه قصد ندارم در این نوشته وارد جزئیات پیچیده فنی و تکنیکال شوم. به طور بسیار خلاصه، این سند، فهرستی است که گروهی تحت عنوان «گروه تامین‌کنندگان تجهیزات هسته‌ای» (NSG: Nuclear Suppliers Group) از اقلام دارای کاربرد دوگانه (اقلامی که ادعا شده همزمان می‌تواند هم در یک برنامه صلح‌آمیز مصرف شود و هم در یک برنامه تسلیحات هسته‌ای) تهیه کرده و به تایید شورای امنیت هم رسیده است. در واقع ادعای NSG این است که اقلامی که در این سند فهرست شده می‌تواند بخشی از یک برنامه نظامی هسته‌ای باشد. وقتی به متن سند دقت می‌کنیم، آنچه جالب است این است که به سرعت مسئله‌ی هسته‌ای رنگ می‌بازد و عملاً با فهرستی طویل از فناوری‌ها، تجهیزات و قطعاتی مواجه می‌شویم که همه‌ی حوزه‌های فناوری‌های نوین (نظامی و غیرنظامی) را در بر می‌گیرد. در این فهرست طیف بسیار وسیعی از اقلام گنجانده شده است که از پمپ، دوربین، ماشین تراش، ماشین جوشکاری تا دوربین‌های سرعت بالا، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای صنعتی، پمپ‌های تخلیه، انواع فلزات نظیر آلومینیوم و فولاد را شامل می‌شود. حقیقتاً مراجعه به فهرست NSG سرگیجه‌آور است و تردیدی در این باره باقی نمی‌گذارد که تهیه‌کنندگان این فهرست به بهانه‌ی مسئله‌ی هسته‌ای به همه‌ی حوزه‌های مهم فنی-مهندسی سرک کشیده و بخش‌های کلیدی آن را در فهرست خود گنجانده‌اند.»

او می‌نویسد: «تعهدی که در متن برجام و قطعنامه شورای امنیت آمده دقیقاً این است: ۱- ایران می‌پذیرد این سند مبنای استقرار یک نظام کنترل صادرات و واردات در ایران باشد؛ به این معنا که اگر ایران قصد خرید هر یک از کالاها، تجهیزات و فناوری‌های مندرج در این سند (و اصلاحیه‌های آن) را داشته باشد باید بابت آن از کارگروه خرید (یکی از دو کارگروه کمیسیون مشترک) مجوز بگیرد. ۲- باید نام، مشخصات، آدرس، ایمیل و... نهاد و فرد واردکننده را رسماً به کارگروه خرید و آژانس اعلام کند. ۳- باید امکان راستی‌آزمایی این موضوع را فراهم آورد که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها منحصراً در همان جایگاهی که کارگروه خرید برای آن مجوز داده در حال استفاده است. ۴- باید اجازه‌ی بازدید آژانس و حتی کشور صادرکننده از مکانی را که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها در آن استفاده می‌شود و افرادی که درگیر کار با آنها هستند، فراهم کند.»

مهدی محمدی نتیجه می‌گیرد: «بسیار خوب! ببینیم در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد: اول- قبل از هر چیز دسترسی‌ها و بازرسی‌هایی که آژانس و ۱+۵ می‌تواند بر این اساس درخواست کند، به نحو حیرت‌انگیزی از پروتکل الحاقی یا هر سند دیگری در حوزه هسته‌ای فراتر می‌رود. آژانس می‌تواند دسترسی به مکان‌های نظامی، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های خصوصی، کارخانه و کارگاه‌های صنعتی، دانشگاه‌ها، پادگان‌های نظامی و... را صرفاً به این بهانه که در آنها یک کالا یا قطعه یا ماشین یا تجهیزات یا فناوری مرتبط با فهرست NSG وجود دارد، درخواست کند. دوم- آژانس می‌تواند در همه‌ی این مکان‌ها امکانات نظارتی و کنترلی را مستقر کند که هدف ادعایی آن این باشد که می‌خواهد مطمئن شود از آنها در جهت ساخت سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌شود ولی در واقع، به دنبال

جمع‌آوری اطلاعات و کنترل هر نوع اقدامی باشد که در مکان‌های کاملاً غیرمرتبط با موضوع هسته‌ای در حال انجام است. فقط به عنوان نمونه - که البته مسبوق به سابقه هم هست - کشورهای غربی می‌توانند مثلاً درخواست نصب دوربین بالای سر ماشین تراشی را بکنند که در یک پادگان نظامی مشغول ساخت هزاران قطعه است؛ با این بهانه که یکی یا چند عدد از آنها - یا حتی خود ماشین تراش - در فهرست NSG قرار دارد! سوم - دشمنان ما قادر خواهند بود با تکیه بر این رژیم دسترسی و بازرسی، اطلاعات بسیار وسیع و خطرناکی از همه‌ی حوزه‌های فناوری‌های حساس در ایران جمع‌آوری کرده و نقشه‌ی جامعی از فعالیت‌های حساس نظامی و پیشرفته ایران و افراد، مکان‌ها و بروکرایی مرتبط با آنها به دست بیاورند. غیر قابل تصور است که این حجم از اطلاعات می‌تواند منجر به طراحی چه نوع عملیات‌های اطلاعاتی یا ایجاد محدودیت‌های تجاری علیه ایران شود.»

او تأکید می‌کند: «متن قطعنامه شورای امنیت امکاناتی فراهم می‌کند که مشخصاً پیشرفت ایران را هدف گرفته نه صلح‌آمیز ماندن ماهیت برنامه هسته‌ای آن را. در بدترین حالت، آنچه ایران حاضر به پذیرش آن است محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای است تا منجر به برداشته شدن تحریم‌های غیرقانونی اعمال شده علیه آن شود اما مراجعه به متن به ما می‌گوید، اتفاقاتی بسیار فراتر از این رخ داده است.»^{۱۶۷}

رهبر انقلاب فرموده بودند: «تذکر بعدی این است که هیچ شیوه‌ی نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل می‌کند، به هیچ‌وجه مورد قبول نیست. همین نظارت‌های متعارفی که در همه‌ی دنیا معمول است، اینجا هم همان نظارت‌ها [باشد]، و نه بیشتر.»^{۱۶۸}

فؤاد ایزدی نیز تصریح می‌کند: «بند ۲ پیوست D قطعنامه، بحث اقلامی که کاربرد دو گانه دارند را مطرح نموده است. انواع قطعات صنعتی، انواع فناوری‌ها که استفاده‌ی دوگانه نظامی و هسته‌ای و غیر نظامی دارند که در ۲۰۰ صفحه آمده است و شامل اقلام بسیار زیادی از مایحتاج کشور می‌شود که در صنایع غیر نظامی ما همچون نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاه‌ها و انواع صنایع به کار می‌رود. ایران در برجام پذیرفته است این ۲۰۰ صفحه که توسط آژانس انرژی اتمی در پیوستی آماده شده است و قطعنامه آن را تأکید کرده است که اگر این اقلام بخواهد وارد کشور شود: اولاً: نهادی باید اجازه‌ی ورود بدهد که شرط آن ارائه‌ی کامل اطلاعات از مصرف‌کننده‌ی نهایی است. ثانیاً: برای اطمینان هم آژانس حق بازرسی و راستی‌آزمایی از محل مصرف‌کننده‌ی نهایی پیدا کرده و حق دریافت اطلاعات از آن پروژه و یا نیاز برای راستی‌آزمایی خواهد داشت که توسط ۱۵۰ بازرسی که قرار است در ایران مستقر شوند این راستی‌آزمایی انجام خواهد شد تا آژانس مطمئن شود آیا این اقلام در همان مصرف‌کننده‌ی نهایی که اعلام شده مورد استفاده قرار گرفته است یا خیر. و این راستی‌آزمایی توسط کشور سازنده‌ی آن اقلام هم شکل خواهد گرفت و این یعنی ایجاد امکان برای جاسوسی از تمامی سایت‌های صنعتی، آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های صنعتی کشور که اطلاعات آنها نیز محرمانه تلقی می‌گردد و با این کار تمامی زیر ساخت‌های صنعتی و تأسیسات و امکانات صنعتی کشور توسط آنها شناسایی می‌شود.»^{۱۶۹}

^{۱۶۷} روزنامه وطن امروز، کیلومترها فراتر از پروتکل‌ها، ۱۳۹۴/۵/۷.

^{۱۶۸} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

^{۱۶۹} سایت خبری رجانیوز، باج‌گیری چند ده میلیارد دلاری اسرائیل از آمریکا به بهانه توافق/ پشت پرده مخالفت‌های جمهوری خواهان، نتانیاهو و عده ای از دموکرات‌ها با توافق وین چیست؟/ شرح برنامه آمریکا برای خاورمیانه پس از توافق وین، ۱۳۹۴/۵/۱۳.

امکان کلید خوردن بازی ایالتی برای حفظ تحریم‌های آمریکا

سید یاسر جبرائیلی می‌نویسد: «اولاً اهمیت تحریم‌های ایالتی چیست و ثانیاً آیا پیرو برجام و توافق احتمالی، تحریم‌های ایالتی نیز تعلیق شده و ایالات از وضع تحریم‌های جدید منع خواهند شد؟ در پاسخ به پرسش نخست باید گفت ماهیت تحریم‌هایی که آمریکا علیه ایران وضع کرده، در عبارت عوامانه‌ی "یا ایران یا آمریکا" قابل خلاصه شدن است. بدین معنی که آمریکایی‌ها وقتی تحریمی وضع می‌کنند کسی در دنیا از لحاظ حقوقی الزامی به تبعیت از آن ندارد؛ منتهی آمریکایی‌ها می‌گویند اگر شخصیتی حقیقی یا حقوقی با ایران وارد همکاری شود، اموالش در آمریکا ضبط می‌شود و هیچ فرد و نهاد آمریکایی حق معامله با آن را ندارد. حال این قانون وقتی در کنگره آمریکا وضع می‌شود، در کل خاک و حوزه‌ی اختیارات آمریکا اجرایی است و اگر در یک مجلس ایالتی وضع شود، در خاک و حوزه‌ی اختیارات آن ایالت اجرایی است. نتیجه این‌که اگر فی‌المثل مجلس ایالتی نیویورک ایران را تحریم کند، ساکنین این ایالت و شرکت‌های ثبت شده در آن، باید از قوانین تحریم خاص مجلس نیویورک نیز علاوه بر قوانین کنگره آمریکا تبعیت کنند. از آنجائی که موسسات اقتصادی، مالی و تجاری آمریکا حتماً مشمول قوانین یکی از ایالات هستند، تحریم‌های خاص مجالس ایالتی دقیقاً همان اثری را دارد که تحریم‌های کنگره دارد. لذا اگر تحریم کنگره توسط رئیس‌جمهور تعلیق شده و تحریم ایالتی باقی بماند، یا مجالس ایالتی، تحریم‌های تعلیق شده توسط رئیس‌جمهور را در چارچوب اختیارات خود وضع نمایند، عملاً تحریم‌ها پابرجا خواهد ماند.»

او می‌افزاید: «اما برجام درباره‌ی این قوانین تحریم ایالتی سکوت اختیار نکرده است. ماده ۲۵ برجام ناظر به همین امر است و در آن آمده است: "چنانچه قانونی در سطح ایالتی یا محلی در ایالات متحده مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در این برجام شود، ایالات متحده، با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای مزبور اتخاذ خواهد نمود. ایالات متحده به طور فعال، مقامات در سطح ایالتی یا محلی را تشویق خواهد کرد که تغییرات در سیاست ایالات متحده منعکس شده در لغو تحریم‌های وفق این برجام را در نظر داشته و از اقداماتی که با این تغییر در سیاست همخوانی ندارد خودداری نمایند.»

جبرائیلی ادامه می‌دهد: «همانطوری که مشاهده می‌شود، ماده ۲۵ به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول، مربوط به "قوانین مزاحم اجرای برجام" است. یعنی اگر قانونی در سطح ایالتی وجود داشته باشد که مانع از انتفاع ایران از تعلیق تحریم‌ها شده و نقش "درب‌های بسته" را در مثال سرآغاز یادداشت حاضر ایفا کند، آمریکا مکلف شده است که "با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود"، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای برجام بردارد. عبارت "با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود"، تعهدات آمریکا را "مشروط" کرده است و امروز، کسانی در آمریکا می‌گویند بر اساس حکم شماره ۵۵۲ ۴۹۱ U.S. سال ۲۰۰۸ دادگاه عالی آمریکا در قضیه‌ی موسوم به مدلین و تگزاس (Medellin v. Texas)، دولت حق ندارد ایالات را مجبور به اجرای پیمان‌های بین‌المللی نماید "مگر با مصوبه کنگره"؛ فلذا ایالات تعهدی به اجرای برجام ندارند.^{۱۷۰}

جبرائیلی می‌افزاید: «بخش دوم ماده ۲۵ برجام اما مربوط به تحریم‌های ایالتی است. اینجا دیگر عبارت "با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود" نیز مشاهده نمی‌شود و آمریکایی‌ها به صورت کلی قول داده‌اند ایالات را "تشویق" کنند (Encourage) تغییرات سیاست آمریکا درباره‌ی لغو تحریم‌ها را "در نظر داشته باشند". حال اگر ایالتی در نتیجه‌ی این تشویق، تحریم‌های خاص خود را برنداشت یا از وضع تحریم جدید خودداری نکرد، آمریکا هیچ تعهدی ندارد و به وظیفه‌ی خود مبنی بر "تشویق" عمل کرده است! از همین روست که اخیراً سه ایالت میشیگان، کانزاس و

^{۱۷۰} <http://www.breitbart.com/big-government/2015/07/22/surprise-the-states-can-reject-the-iran-deal/>

میسوری اعلام کرده‌اند قصد اعمال تحریم‌هایی جدید علیه ایران دارند^{۱۷۱} و اوبامای مودب و باهوش نیز سکوت اختیار کرده است.»

جبرائیلی می‌نویسد: «همه‌ی این بازی‌های ثانویه ناشی از آن است که آمریکایی‌ها صادقانه پای میز مذاکره نیامدند و در قبال امتیازات بی‌سابقه‌ای که تیم مذاکره‌کننده‌ی ایرانی حاضر شد به آنها بدهد، به بهانه‌های گوناگون زیر بار "لغو همه‌ی تحریم‌ها" نرفتند. اگر قوانین تحریم به کلی لغو و توافقی قرص و محکم منعقد می‌شد که ایالات متحده آمریکا از وضع هرگونه تحریم جدید منع شود، بلاتردید این شرایط مبهم و تاریک پیش نمی‌آمد. در حداقل‌ترین شرایط ممکن، آمریکا می‌توانست در چارچوب اختیارات آقای اوباما، بندهای مربوط به اعطای اختیار به ایالات برای تحریم ایران را نیز به حالت تعلیق درآورد، اما چنین نیز نکرد.»^{۱۷۲}

پا بر جا ماندن تحریم سوئیفت^{۱۷۳} و دارای‌های بلوکه شده ایران تا ۸ سال

دو مورد از تحریم‌های مهم اتحادیه اروپا پس از آنکه ایران تعهدات خود را انجام داد و قلب راکتور اراک را خارج کرد و...، حتی تعلیق نیز نمی‌شوند. با وجود دست و دل‌بازی ایران، تحریم‌های سوئیفت و دارای‌های بلوکه شده‌ی ایران تا ۸ سال باقی می‌ماند که این را نیز می‌بایست به عدم توازن‌های توافق افزود.

در نتیجه در روز اجرای توافق دارایی‌های بانک مرکزی، شرکت ملی نفت و نهادهای وابسته، شرکت کشتیرانی و نهادهای وابسته و افراد و نهادهایی که در فعالیت‌های موشکی و اشاعه‌ای فعال هستند، آزاد نمی‌شود.

تحریم‌های مرتبط با فناوری‌های و اقلام حساس و مواد خاص مورد استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای، نرم‌افزارها و تسلیحات که در بندهای ۱،۵،۱، ۱،۶،۱، ۱،۷،۱، ۱،۸،۱ از ضمیمه دوم مورد اشاره قرار گرفته است نیز تا روز انتقال یعنی تا ۸ سال دیگر باقی می‌مانند.^{۱۷۴}

محدودیت‌های عجیب در مسیر تحقیق و توسعه

متأسفانه توافقنامه محدودیت‌هایی جدی بر سر راه تحقیق و توسعه و حرکت علمی هسته‌ای کشور قرار داده است. در بند سوم توافقنامه آمده است: «تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران با اورانیوم برای مدت ۱۰ سال شامل صرفاً ماشین‌های IR-۴، IR-۵، IR-۶ و IR-۸ به نحو تشریح شده در پیوست ۱ خواهد بود، و ایران به نحو مشخص شده در پیوست ۱ در سایر فناوری‌های جداسازی ایزوتوپ برای غنی‌سازی اورانیوم وارد نخواهد شد. ایران به تست دستگاه

^{۱۷۱} <http://farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۵۲۰۰۰۶۱۵>

^{۱۷۲} خبرگزاری فارس، راز ماده ۲۵ برجام/ آیا آمریکا با قوانین ایالتی تحریم‌ها را حفظ می‌کند؟، ۱۳۹۴/۵/۲۴.

^{۱۷۳} سوئیفت یا «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی» بستری خصوصی و غیردولتی برای تبادل اطلاعات بین بانکی است که به عنوان یک شرکت خصوصی تحت قوانین اتحادیه اروپا و به طور مشخص تحت قوانین کشور بلژیک عمل می‌کند و تسهیلات بسیار قابل توجهی برای بانک‌ها ایجاد کرده به نحوی که بخش مهمی از اطلاعات بین‌بانکی از طریق این شبکه مبادله می‌شود. امنیت، استاندارد، سرعت و ... مزایای استفاده از سوئیفت است.

در ۲۵ اسفند ۱۳۹۰ این شرکت در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «امروز سوئیفت به پیروی از تصمیم اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است تا ارایه خدمات ارتباطی به بانک‌ها و موسسات مالی ایرانی که موضوع تحریم اتحادیه اروپا هستند را قطع کند.» در تحریم‌های اتحادیه اروپا تمامی موسسات خدمات مالی و اعتباری از همکاری با موسسات مالی ایرانی که مورد تحریم هستند، منع شدند. سوئیفت قطع خدمات خود را از دو روز بعد آغاز کرد. (سایت خبری رجانیوز، بیانیه شرکت سوئیفت پس از اعلام توافق: تحریم‌های ما علیه بانک‌های ایران همچنان برقرار است/ رئیس بانک مرکزی: خدمات سوئیفت از هم اکنون برقرار است! متن ۱۵۹ صفحه‌ای درباره سوئیفت چه می‌گوید؟، ۱۳۹۴/۴/۲۵)

^{۱۷۴} سایت خبری رجانیوز، لغو تحریم سوئیفت و آزادسازی دارایی بلوکه شده در اروپا؛ شاید ۸ سال دیگر! / تحریم بانک، بیمه و کشتیرانی توسط اروپا فقط تعلیق می‌شود/ تنها تحریم خرید و فروش فلزات گرانبها لغو خواهد شد، ۱۳۹۴/۴/۲۴.

های IR-۶ و IR-۸ ادامه خواهد داد، و در میانه سال هشتم، تست تا سی دستگاه ماشین IR-۶ و IR-۸ را به نحو مشخص شده در پیوست ۱ آغاز خواهد کرد.»

اینکه ایران در طول مدت زمان ده ساله صرفاً بر روی نسل‌های مشخصی امکان تحقیق دارد، نخستین محدودیت است. بندهای ۳۲ تا ۴۳ ضمیمه‌ی اول انواع و اقسام محدودیت‌های مطرح در زمینه‌ی تحقیق و توسعه را فهرست کرده است. آزمایش بر روی آبشارهای ۱۶۴ تایی برخی سانتریفیوژها مثل IR-۲m و IR-۴ تنها تا تاریخ اجرای توافق یعنی ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ ممکن است. پس از این تاریخ ایران باید این آبشارها را به کلی جمع کند و از آن پس امکان انجام آزمایش بر روی آبشارهای ۱۶۴ تایی این سانتریفیوژها و نسل‌های بالاتر از آن را نخواهد داشت.

در فرآیند تحقیق و توسعه آنچه اهمیت دارد این است که بتوان پس از آزمایش انفرادی سانتریفیوژها، عملکرد مجموعه‌ی آنها و آبشارهای ۱۶۴ تایی آنها را مورد بررسی و آزمایش قرار داد و سوخت با غنای پایدار از مجموع سانتریفیوژها تهیه کرد. به این ترتیب تحقیق و توسعه بدون امکان آزمایشات این چینی معنای اصلی خود را از دست می‌دهد. با این توضیح، باید گفت توافقتنامه در خصوص برخی نسل‌های سانتریفیوژ مثل IR-۵ تنها آزمایش بر روی یک سانتریفیوژ را در طول ۱۰ سال مجاز دانسته! و در خصوص برخی دیگر چون IR-۴ تنها آبشار ده تایی را در طول ۱۰ سال ممکن می‌داند!

در مورد IR-۶ ایران تازه نیم‌سال مانده به پایان محدودیت ده‌ساله امکان آزمایش ۳۰ سانتریفیوژ را خواهد داشت! این محدودیت زمانی برای سانتریفیوژهای IR-۸ یک سال و نیم قبل از پایان محدودیت ده‌ساله خواهد بود!

علاوه بر اینها محدودیت‌های مختلفی در خصوص تست‌های مکانیکی سانتریفیوژها در نظر گرفته شده است. این تست‌ها برای بررسی استحکام، مقاومت به سایش و مانند آن انجام می‌شود. تست‌های مکانیکی نیز بر روی نسل‌های مشخصی از سانتریفیوژها و تحت ضوابطی مجاز است.

ایران همچنین هیچ‌گاه حق تحقیق در خصوص بازفرآوری سوخت هسته‌ای را نیز نخواهد داشت. در متن توافقتنامه آمده است: «به جز فعالیت‌های جداسازی با هدف تولید رادیوایزوتوپ‌های پزشکی و صنعتی از نمونه‌های تابش‌دیده‌ی اورانیوم غنی شده، ایران به مدت ۱۵ سال وارد بازفرآوری یا ساخت تأسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرفی، یا فعالیت‌های تحقیق و توسعه بازفرآوری که منتج به ایجاد قابلیت بازفرآوری سوخت مصرفی شود، نگردیده و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد.»

در طول محدودیت ۱۰ ساله اگر ایران با شبیه‌سازی کامپیوتری تحقیقاتی روی سانتریفیوژها انجام دهد و بخواهد تست‌های مکانیکی را بر روی یک نمونه‌ی جدید از آنها انجام دهد، باید قبلاً تحقیقات خود را برای طرف‌های مذاکره تشریح کند و موافقت آنها را کسب نماید. طرف مقابل می‌تواند موافقت کند؛ می‌تواند موافقت نکند.

ایران برای ۱۵ سال فلز اورانیوم یا پلوتونیوم و آلیاژهای آن را نخواهد ساخت و حق ریخته‌گری، شکل‌دهی و ماشین‌کاری این آلیاژها یا تحقیق درباره‌ی آنها را نخواهد داشت. طبعاً دامنه‌ی این محدودیت به دانشکده‌های مواد کشور نیز می‌رسد! فرآیند تحقیق و توسعه نیز تنها در نطنز می‌بایست متمرکز شود.

در شرایطی که تحقیقات علمی در دنیا به روز است و گذشت چند سال، تحولاتی جدی در حوزه‌های علمی و تکنولوژی فراهم می‌آورد، باید از تیم مذاکره‌کننده پرسید محدودیت‌های پذیرفته شده جز عقب‌ماندگی ایران و کند کردن حرکت علمی کشور چه چیز را به همراه دارد و این آیا در تعارض با خطوط قرمز اعلام شده از سوی رهبر

انقلاب نیست؟ آیا پذیرفته است که ایران اسلامی مثلاً در طول "۱۰ سال" فقط امکان آزمایش بر روی "یک" سانتریفیوژ IR-۵ را داشته باشد؟!

رهبر انقلاب فرموده بودند: «در همین مدّت محدودیت هم که ما قبول می‌کنیم، کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز باید ادامه پیدا کند، که این هم از جمله‌ی خطوط قرمزی است که مسئولین محترم روی آن تکیه کردند؛ گفتند ما حاضر نیستیم از تحقیق و توسعه دست برداریم؛ حق با اینها است. در طول این سال‌های محدودیت هم، بایست تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آنها حرف دیگری می‌زنند؛ آنها می‌گویند شما ده سال دوازده سال یا بیشتر هیچ کاری نکنید، بعد از آن شروع کنید به تولید، شروع کنید به ساخت! که این حرف زور مضاعفی است، حرف غلط مضاعفی است.»^{۱۷۵}

ایشان همچنین می‌فرمایند: «اگر حرکت علمی در فناوری هسته‌ای با قدرت و جدیت ادامه یابد، طیف متنوعی از فناوری‌ها، با شتاب، به وجود خواهد آمد، بنابراین مطلقاً در زمینه حرکت علمی هسته‌ای، امکان توقف و یا کُند شدن وجود ندارد.»^{۱۷۶}

بر مبنای خط قرمز مطرح شده از سوی رهبر انقلاب فرآیند تحقیق و توسعه باید ادامه پیدا کند و حرکت علمی هسته‌ای نیز کُند نشود. مجلس بر همین مبنا در قانون مصوب خود، آورده است: «هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه پذیرفته نیست و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.»

رؤیایی شدن ظرفیت غنی‌سازی ۱۹۰ هزار سو؛ ۱۵ سال بعد ایران تنها ۴۷ هزار سو دارد

عراقچی در کمیسیون امنیت ملی مجلس از رسیدن ایران به یک میلیون سو در سال پانزدهم سخن گفت. او تصریح کرد: «آینده‌ی غنی‌سازی صنعتی ایران ماشین‌های IR-۱ نیست، بلکه ماشین‌های پیشرفته [مثل] IR-۸ است. خوب ما پذیرفتیم که تا ۱۰ سال ۵ هزار ماشین بمانیم در مقابل تحقیق و توسعه ما روی ماشین‌های IR-۴، IR-۵، IR-۶ و IR-۸ ادامه پیدا می‌کند. آینده‌ی غنی‌سازی صنعتی ما با این ماشین‌ها رقم می‌خورد و ما باید این ماشین‌ها را متحول بکنیم و توسعه بدهیم و به مرحله تولید برسانیم. در پایان دوره محدودیت تولید این ماشین‌ها آغاز خواهد شد ولی وقتی که دوره‌ی محدودیت را پشت سر بگذاریم و ان شاء الله تا آن مقطع ماشین‌های IR-۶ و IR-۸ را و به خصوص IR-۸ را به مرحله‌ی تولید رساندیم، بلافاصله تولید شروع خواهد شد. به نظر خیلی دقیق و معقول می‌شود محاسبه کرد که در ظرف چهار الی پنج سال حتماً می‌توانیم میزان تولید ماشین‌های IR-۸ را به پنجاه هزار ماشین برسانیم و در نطنز مستقر بکنیم. اگر همه چیز خوب پیش برود و ماشین‌ها در تحقیق و توسعه جواب بدهد و آن میزان سویی که ازش انتظار می‌رفته به آن برسیم که ان شاء الله می‌رسیم و می‌شود در یک فاصله‌ی چهارده الی ۱۵ سال به یک میلیون سو رسید.»^{۱۷۷}

این در حالی بود که صالحی اعلام کرده بود در سال پانزدهم به ۱۹۰ هزار سو می‌رسیم. او تصریح کرده بود: «ظرفیت غنی‌سازی را باید پلکانی بالا برد و یک دفعه که نمی‌شود. ما از انتهای سال هشتم شروع به تولید ۲۰۰ دستگاه IR-۶ و IR-۸ می‌کنیم. از انتهای سال ۸، سالن ب را آماده می‌کنیم. بعد از سال ۱۱، ۵ زنجیره‌ی سانتریفیوژهای IR-۶ ما

^{۱۷۵} بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

^{۱۷۶} دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۱/۲۰.

^{۱۷۷} سایت IR-۲۰، ۱-۲۰، صالحی: ۱۵ سال دیگر ۱۹۰ هزار سو را خواهیم داشت! / عراقچی: ۱۵ سال دیگر به یک میلیون سو غنی‌سازی می‌رسیم! / متن برجام: ۱۵ سال بعد، ایران حداکثر اجازه ایجاد ۴۷ هزار سو دارد، آن هم به صورت بالقوه!

۱۶۴ تایی می‌شود و زنجیره‌ی سانتریفیوژهای IR-۸ ما نیز ۸۰ تا. اینها را بایستی پیش‌بینی کنیم. بعد از سال ۱۳ شیب را زیاد می‌کنیم طوری که در سال پانزدهم ما به ۱۹۰ هزار «سو» برسیم. شاید هم زودتر در انتهای سال ۱۴ برسیم.»^{۱۷۸}

با این همه بررسی‌ها نشان می‌دهد ایران در پایان سال پانزدهم با توافق انجام شده تنها ۴۷ هزار سو خواهد داشت. در پاراگراف شماره ۴ از بند الف فصل هسته‌ای برجام تصریح شده ایران از پایان سال هشتم امکان می‌تواند سانتریفیوژهای IR-۶ و IR-۸ را البته بدون روتور بسازد و البته باید آنها را فعلاً انبار کند.

در پاراگراف ۲۷ پیوست الف آمده است: «ایران به مدت ۱۰ سال ظرفیت غنی‌سازی خود را در حد ۵۰۶۰ ماشین سانتریفیوژ IR-۱ و در ۳۰ زنجیره با چیدمان فعلی در واحدهای در حال تولید سایت نطنز (FEP) حفظ خواهد کرد.» این بدین معنی است که تا ده سال ظرفیت غنی‌سازی کشور بیش از ۵ هزار سو نخواهد بود.

در پاراگراف ۶۳ پیوست یک آمده است: «بر اساس برنامه‌ی خود، در پایان سال هشتم ایران تولید سالیانه ۲۰۰ عدد ماشین سانتریفیوژ IR-۸ و IR-۶ از هر نوع را به غیر از روتور تا سال دهم شروع خواهد کرد. بعد از سال دهم ایران ماشین کامل را به همین مقدار در سال تولید خواهد کرد تا نیازهای غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی خود را برآورده سازد. ایران این ماشین‌ها را در نطنز در روی زمین و تحت پایش آژانس تا هر زمان براساس برنامه‌ی غنی‌سازی و تحقیق و توسعه‌ی غنی‌سازی، برای مونتاژ نهایی مورد نیاز باشد، انبار خواهد کرد.»

سایت یک بیست با ذکر این مستندات می‌نویسد: «با توجه به بند بالا مشخص می‌شود که ایران در پایان سال ۱۱۵ حداکثر ۱۴۰۰ ماشین IR-۸ و ۱۴۰۰ ماشین IR-۶ خواهد داشت (این عدد با احتساب ۴۰۰ عدد ماشین بدون روتور IR-۸ و ۴۰۰ ماشین بدون روتور IR-۶ تولید شده پیش از سال دهم است، که تکلیف آن در متن روشن نشده است و بسیار محتمل است که ایران در سال ۱۱۱ و ۱۱۲م تنها اجازه‌ی تکمیل این ماشین‌ها را داشته باشد و در واقع در پایان سال ۱۱۵م از هر کدام از ماشین‌های IR-۶ و IR-۸ تنها ۱۰۰۰ عدد داشته باشیم). همچنین پیش از این علی اکبر صالحی طی سخنانی صراحتاً اعلام کرده بود که ظرفیت غنی‌سازی برای ماشین‌های IR-۸ برابر با ۲۴ سو است و نیز ظرفیت ماشین‌های IR-۶ برابر ۱۰ سو می‌باشد. در نتیجه با احتساب ۱۴۰۰ ماشین IR-۸ و ۱۴۰۰ ماشین IR-۶، کل ظرفیت غنی‌سازی پیش‌بینی شده در برجام که ایران مجاز است تا پایان سال ۱۱۵م کسب کند، حداکثر ۴۷ هزار سو خواهد بود. این عدد فاصله‌ی بسیار چشمگیری با نیاز قطعی کشور (تقریباً ۴ میلیون سو برای تأمین ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای) و حتی تنها تأمین نیاز سوخت نیروگاه بوشهر (۱۹۰ هزار سو) دارد. در عین حال باید در نظر داشت، در شرایطی این ارقام درست است که به طور کلی از خرابی سانتریفیوژهایی که در طول این سال‌ها خراب و از دور خارج می‌شوند، صرف نظر کنیم چون حتی خراب شدن سانتریفیوژهای قبلی نیز باعث جواز ساخت بیش از ۲۰۰ سانتریفیوژ نسل جدید در سال نمی‌شود. همچنین در بند فوق که مربوط به ضمیمه‌ی هسته‌ای برجام است، بیان شده که این سانتریفیوژهای تولید شده، انبار می‌شوند و مونتاژ نهایی نیز نخواهند شد. در واقع ایران در پایان سال ۱۵م به صورت بالقوه به این ظرفیت می‌رسد و در دسترس بودن و بالفعل بودن این ظرفیت ناچیز نیز در هاله‌ای از ابهام است.»^{۱۷۹}

^{۱۷۸} سایت ۱۲-۲۰، صالحی: ۱۵ سال دیگر ۱۹۰ هزار سو را خواهیم داشت! / عراقچی: ۱۵ سال دیگر به یک میلیون سو غنی‌سازی می‌رسیم! / متن برجام: ۱۵ سال بعد، ایران حداکثر اجازه ایجاد ۴۷ هزار سو دارد، آن هم به صورت بالقوه!

^{۱۷۹} سایت ۱۲-۲۰، صالحی: ۱۵ سال دیگر ۱۹۰ هزار سو را خواهیم داشت! / عراقچی: ۱۵ سال دیگر به یک میلیون سو غنی‌سازی می‌رسیم! / متن برجام: ۱۵ سال بعد، ایران حداکثر اجازه ایجاد ۴۷ هزار سو دارد، آن هم به صورت بالقوه!

جمع‌بندی

متأسفانه محورهای متعدد خطرناکی در توافق و قطعنامه ۲۲۳۱ وجود دارد که راه دست‌اندازی بیگانگان به منافع ملی و سوء استفاده‌ی دشمن را فراهم می‌آورد. در اینجا چند محور که تا کنون بیشتر مورد توجه کارشناسان قرار گرفته به عنوان نمونه ذکر شد. موارد دیگری نیز مثل چماق راستی‌آزمایی آژانس که موارد متعدد و بیشمار به آن اهااله شده است، محدودیت‌های بلند مدت و حتی مادام‌العمری که توافق برای ایران ایجاد می‌کند، ماهیت آب‌سنگین ماندن اراک و... وجود دارد که باید با مشورت کارشناسان فهرست کاملی از آنها تهیه شود. فهرست عدول‌های متعدد از خطوط قرمز تعیین شده از سوی رهبر انقلاب نیز در جزوه‌ی دیگری توسط جناب آقای کامران غضنفری فهرست شده که می‌تواند مورد مراجعه قرار گیرد.

یکی از نگرانی‌های موجود عدم التزام رئیس‌جمهور آینده‌ی آمریکا و کنگره‌ی آینده‌ی این کشور به توافق است که احتمالاً از جمهوری خواهان خواهند بود. وقتی بحث عدم التزام پیش می‌آید، برخی به جوانب حقوقی ماجرا نگاه می‌کنند و تنها راه فسخ توافق را در تصویب قانون در کنگره یا مخالفت رسمی رئیس‌جمهور آمریکا معرفی می‌نمایند. در حالی که آن قدر همین متن توافق کنونی و قطعنامه‌ی صادره بهانه به دست کنگره‌ی آتی و رئیس‌جمهور آتی می‌دهد که آنان می‌توانند از همین منافذ و با متهم کردن ایران به بدعهدی کار خویش را پیش ببرند و با وجهه‌ای حق به جانب ایران را با مشکلات جدی و اساسی مواجه کنند. متأسفانه این وضعیت به شدت نگران‌کننده است و اساساً نیازی به تصویب قانون جدید در کنگره‌ی آتی آمریکا و مانند این اقدامات نیست.

در جمع‌بندی لازم است به تحلیل استاد حسن عباسی در خصوص توافق اشاره کنیم. حسن عباسی می‌نویسد: «"داده"‌های توان هسته‌ای، "ستانده"‌های اقتصادی در رفع بخشی از تحریم را در برداشت. به این "بده-بستان" عنوان "برد-برد" نهاده شد. اما این بده-بستان، یک ضلع سوم دارد: پیامدهای این بده-بستان.»

او ادامه می‌دهد: «پیامدهای بده-بستان مذاکرات اخیر، عمدتاً در حوزه‌ی دفاعی-امنیتی انقلاب اسلامی خود را می‌نمایند و اثرات مخرب آن در ماه‌ها و سال‌های آینده به معضلی کلیدی در امنیت ملی جمهوری اسلامی تبدیل می‌گردد. درواقع از رهگذر توافق وین، مشکلاتی از کشور حل شده و مشکلات جدیدی پدیدار خواهد گردید؛ نسبت "آنچه حل شد" و "آنچه به گونه‌ای نوظهور حادث می‌شود"، قطعاً نسبت متوازی نیست. درواقع، ساده‌انگاری است که کسی "داده" و "ستانده" را محصور به مباحث فنی هسته‌ای و حوزه‌های رفع شده در تحریم نماید. در صورتی که ظاهراً با یک "داده"‌ی اولیه (در کاهش توان هسته‌ای) روبه‌رو بوده، و با یک "ستانده" (در کاهش بخشی از تحریم‌ها) مواجه هستیم، اما عملاً یک "داده"‌ی ثانویه هم وجود دارد: کاهش توان دفاعی-امنیتی. اگر مقام مسئولی بگوید: "ضمانت اجرا ندارد و نمی‌پذیریم"، در این صورت از نظر حقوقی مشکلات جدیدی مبتنی بر قطعنامه ۲۲۳۱ ظهور و بروز می‌یابد.»

حسن عباسی می‌افزاید: «برای نمونه، همان گونه که در بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ موضوع توان موشکی بالستیک ایران هدف قرار گرفت، اکنون در قطعنامه ۲۲۳۱ نیز توان موشکی بالستیک مجدداً آماج دشمن واقع شده است. همچنین در قطعنامه ۲۲۳۱ فروش تسلیحات به ایران ذیل نظارت سازمان ملل متحد دیده شده و خرید سلاح از ایران نیز کاملاً کانالیزه شده است که به نظر می‌رسد با توجه به عدم تمرکز جمهوری اسلامی بر تجارت صنعت دفاعی، هدف طرح این موضوع در قطعنامه ۲۲۳۱، موضوع کمک ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی است. پیامدهای "بده-بستان" مذاکرات منتج به توافق برجام، چهار مؤلفه‌ی کلیدی در حوزه دفاعی-امنیتی دارد: (۱) مهار فعالیت‌های دفاعی بومی (موشکی) که محصول داخل کشور است. (۲) مهار و کنترل فروش تسلیحات ایران، با هدف

مهار کمک ایران به نهضت‌های مقاومت اسلامی. ۳) مهار و کنترل خرید تسلیحات از سوی ایران. ۴) تحقق اشراف اطلاعاتی دشمن بر حوزه‌ی دفاعی - امنیتی نیروهای انقلاب اسلامی ایران.»

او در جمع‌بندی می‌نویسد: «در مذاکرات اخیر که منتج به توافق وین (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گردید، قاعده این است: ۱) داده‌ی اولیه: توقف و کاهش بخش‌های قابل توجهی از توان و ظرفیت هسته‌ای کشور؛ ۲) ستانده: رفع بخشی از تحریم‌های مالی، تجاری و اقتصادی از سوی استکبار جهانی، و ۳) پیامد (داده‌ی ثانویه): مهار و کنترل توان دفاعی - امنیتی کشور خواهد بود (مبتنی بر پذیرش تعهدات، محدودیت‌ها و فشارهای وارده که در ماه‌ها و سال‌های آتی، مشکلات عدیده‌ای را برای کشور به بار خواهد آورد).»^{۱۸۰}

فصل سوم: چه باید کرد؟

ناگفته پیداست توافق هسته‌ای، مجلس شورای اسلامی را در یک دوقطبی دشوار قرار داده؛ دوقطبی‌ای که تیم مذاکره کننده‌ی کشور نیز آن را پررنگ‌تر کرده است. گفته می‌شود مجلس تنها می‌تواند در خصوص "کلیت" توافق نظر دهد؛ یعنی یا باید آن را به کلی رد کند یا به کلی تصویب. این نکته‌ای است که عراقچی نیز در گفت‌وگوی تلویزیونی بدان اشاره کرد: «این امکان وجود ندارد که بخشی از این توافق رد و یا تأیید شود و یا این که اصلاحاتی در بخشی از آن صورت بگیرد. بلکه باید کلیت آن را رد و یا مورد تأیید قرار بگیرد. اگر کلیت آن رد شود ما باید دوباره به میز مذاکره برگردیم و برای آن مذاکره کنیم و این که این توافق با اصلاحاتی تصویب شود مقدور نیست.»^{۱۸۱}

مشکلات موافقت مجلس با توافق

تصویب توافق از سوی مجلس به منزله‌ی پذیرفتن تمامی نقصان‌های آن خواهد بود. باید توجه داشت:

۱- مجلس با تصویب توافق از مواضع گذشته‌ی خویش عدول کرده و قانون مصوب خود در خصوص حفظ دستاوردهای هسته‌ای را نقض می‌کند؛ چه آنکه توافق، شروط مطرح شده در قانون را رعایت نکرده است که این را می‌توان نوعی بی‌اعتنایی به قانون نیز تلقی کرد. به عنوان نمونه مجلس محترم تصویب کرده هیچ محدودیتی برای تحقیق و توسعه پذیرفته نیست در حالی که توافق، محدودیت‌های متعددی را در این زمینه ذکر می‌کند که برخی نه ۱۰ ساله و نه ۲۰ ساله که مادام‌العمر هستند!

۲- توافق در موارد متعددی خطوط قرمز نظام را رد کرده و مجلس با تصویب خود به این بی‌اعتنایی به خطوط قرمز رنگ قانونی می‌دهد.

۳- توافق به دلیل نقصان‌هایی که در درون خود دارد، در همین آغاز کار با سوء استفاده‌ی آمریکا و بدعهدی کشورهای غربی مواجه شده. آنچه به عنوان نمونه وندی شرمین در خصوص افزایش ۵ ساله‌ی زمان بازگشت‌پذیری تحریم‌ها مطرح کرد، چنانکه توضیح داده شد، ریشه در همین نقصان‌ها دارد. جان کری و ارنست مونیز وزرای خارجه و انرژی آمریکا نیز طی یادداشتی در روزنامه واشنگتن پست تصریح کردند: «برنامه‌ی تأیید شده در وین، منقضی نمی‌شود، بلکه نامحدود است.» مسئله‌ی موشک‌های بالستیک، مسئله‌ی محدودیت‌های تسلیحاتی، مسئله‌ی موکول شدن بسیاری از اقدامات فنی ایران به نظر کمیسیون مشترک، مسئله‌ی عدم تقارن زمانی مناسب اقدامات که به

^{۱۸۰} سایت خبری رجانیوز، ارزیابی استراتژیک برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ / چهارچوب نظری استراتژی آمریکا در مواجهه هسته‌ای با ایران چیست؟/وقتی فرمول مذاکرات برد - برد دروازه عملیاتی پروژه آمریکا می‌شود/داده‌ها و ستانده‌ها و پیامدهای استراتژیک در توافق وین، ۱۳۹۴/۵/۷.

^{۱۸۱} خبرگزاری ایسنا، محدودیت‌های موشکی نه ماده ۴۱ و نه فصل ۷ است، ۱۳۹۴/۴/۲۹.

مکانیسم ماشه قوت دوچندان بخشیده، مسئله‌ی برخی بازدیدها و مصاحبه‌ها که می‌تواند اسباب بهانه‌گیری طرف غربی و تحت فشار قرار دادن ایران باشد، مسئله‌ی محدودیت‌های بلندمدت و موانع ایجاد شده بر سر تحقیق و توسعه و... همه و همه نموده‌ای از این امکان سوء استفاده است. مجلس با تصویب توافق آن هم در شرایطی که این سوء استفاده‌ها و زیاده‌خواهی‌ها علنی شده و برخی نقصان‌های توافق را روشن کرده، عملاً به این سوء استفاده‌ها مشروعیت و امکان عملیاتی شدن می‌دهد. در واقع مجلس توافقی را تصویب می‌کند که به خوبی می‌داند نه تنها امکان سوء استفاده از آن به خاطر نقصان‌های حقوقی‌اش وجود دارد، بلکه عزم این سوء استفاده‌ها از هم اکنون جزم و علنی شده است.

۴- توافق نه تنها امکان سوء استفاده را فراهم می‌آورد، بلکه چنانکه گفته شد از حداقل‌های لازم برای دادخواهی ایران نیز برخوردار نیست. نقض عهد آمریکا اگر چه می‌تواند به شکایت ایران و پیگیری او برای کشاندن موضوع به شورای امنیت منجر شود، اما از یک سو با حق وتوی کشورهای عضو شورای امنیت ستاندن حق تقریباً غیرممکن است و از سوی دیگر پذیرش اعتراض ایران به معنای بازگشت تحریم‌ها خواهد بود، بدون هیچ اقدام تنبیهی در خصوص طرف مقصر. در واقع اگر کشور دیگری تخلف کند، ایران با بازگشت تمامی تحریم‌ها تنبیه خواهد شد و هیچ حقی برای ایران محفوظ نمی‌ماند. این در شرایطی است که بسیاری از اقدامات ایران بازگشت‌پذیر نیست یا زمان برگشت‌پذیری طولانی دارد. مجلس با تصویب خود نقایص توافقتنامه در خصوص دادخواهی را نیز می‌پذیرد.

۵- توافق برای لازم الاجرا شدن مصوبه‌ی شورای امنیت را نیز در پی داشت؛ مصوبه‌ای که در آن سخن از برخی محدودیت‌ها نظیر موشک‌های بالستیک آمده است و موشک‌های شهاب ۳ نیز چنانکه گفته شد مصداقی برای این محدودیت‌هاست. عدم اجرای این بند از قطعنامه چنانکه مذاکره‌کنندگان کشورمان اعلام می‌کنند، طبیعتاً می‌تواند قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت را به همین بهانه در پی داشته باشد. در مقابل نیز وقتی ایران پایبندی و التزامی به قطعنامه نداشته باشد، طرف غربی هم به تبع چنین الزامی برای خود نخواهد دید. تصویب مجلس اگر چه متوجه توافق است اما عملاً به معنای پذیرش ساز و کارهای قانونی بین‌المللی در نظر گرفته شده و به رسمیت شناختن محدودیت‌های شورای امنیت که در توافق هم اشاره‌ای کلی به آنها شده، نیز هست. به این ترتیب مجلس با تصویب خود هزینه‌های عدم اجرای بندهای محدودیت‌زای قطعنامه‌ی شورای امنیت و صدور و وضع نسل جدیدی از قطعنامه‌ها و تحریم‌ها را بیش از پیش متوجه ایران خواهد کرد.

۶- بدیهی است که مجلس با تصویب این توافق مسئولیت آن را می‌پذیرد و هر جا که نقایص توافق برملا شود، انگشت اتهام علاوه بر دولت، مجلس را نیز نشانه خواهد گرفت و دولت نیز می‌تواند به همین بهانه برای خود شریک جرم معرفی نماید.

و...

مشکلات مخالفت مجلس با توافق

رد کردن توافق از سوی مجلس نیز تبعاتی به همراه خواهد داشت و بهانه‌گیری طرف غربی را همزمان با تشدید فشارهای داخلی بر روی مجلس به دنبال خواهد آورد. از آنجا که در خصوص توافق قطعنامه‌ای در شورای امنیت به تصویب رسیده، رد کردن توافق از سوی ایران می‌تواند قطعنامه‌ی بعدی این شورا را در پی داشته باشد. علاوه بر اینکه ایران در نبرد دیپلماتیک با آمریکا به بدعهدی متهم خواهد شد که این به نفع آمریکاست.

تبدیل شدن بازی باخت باخت ایران برای آمریکا به بازی باخت باخت برای ایران

پیشتر توضیح داده شد که موافقت رهبر انقلاب با مذاکره موافقت به عنوان یک تاکتیک جنگی با آمریکا بود. ایشان در عین حال برای اینکه کسانی در داخل به غلط به مذاکرات دل نبندند، توضیح دادند که مشکلات کشور با توافق حل نمی‌شود و...

پیشتر گفته شد که با طرح این بازی اوباما در دوراهی‌ای قرار گرفت که هر دو سویش او را به شکست رهنمون می‌شد. اگر اوباما واقعاً به استقبال کاهش تحریم‌ها می‌رفت و روحانی را جدی می‌گرفت، خواه‌ناخواه به نفع ایران عمل کرده بود. در مقابل اگر اوباما بدعهدی می‌کرد، طبیعی بود که خوش‌بینی‌های موجود در ایران نسبت به آمریکا از بین می‌رفت و جایگاه آمریکا نیز در میان کشورهای طرف مذاکره‌ی ایران تضعیف می‌شد که این به معنی فروپاشیدن تحریم‌ها نیز بود.

اتفاقی که افتاد این است که متأسفانه دولت محترم و تیم مذاکره‌کننده مذاکرات را با تعجیل بی‌مبنایی پی گرفت، از موضع ضعف وارد شد، به بهره‌برداری سیاسی از نتایج مذاکرات فکر کرد، به جای آنکه آمریکا را دشمن قلمداد کند و صحنه را صحنه‌ی نبرد ببیند، مذاکرات را فضایی برای رفع سوء تفاهم و مخاصمه‌ی ایران و آمریکا را نوعی سوء تفاهم تلقی کرد، از خطوط متعددی که رهبر انقلاب برای مذاکرات تعیین کرده بودند، رد شد، بدون در نظر گرفتن ضرورت بررسی ریزبینانه‌ی داخلی سریعاً قطعنامه‌ی شورای امنیت را گرفت و تا کنون نیز حتی از ارائه‌ی لایحه به مجلس و بررسی توافق در مجلس پرهیز می‌کند.

متأسفانه باید گفت حاصل عملکرد نادرست تیم مذاکره‌کننده و عدول از خطوط قرمز تبدیل شدن بازی باخت باختی که رهبری با هوشمندی تمام برای آمریکا طراحی کرده بود به بازی باخت باخت برای ایران از سوی اوباما است. به این معنی که اگر ایران این توافق را با این شرایط بپذیرد، توافق خطرناکی را پذیرفته که در آن داشته‌های خود را به راحتی با این امید که تحریم‌ها برداشته می‌شود در همان گام نخست در طبق اخلاص می‌گذارد و بعد که دستش خالی شد، طرف غربی با دست‌مایه قرار دادن کوچکترین مسئله‌ای می‌تواند تمامی تحریم‌ها را یکجا بازگرداند. طرف غربی همچنین می‌تواند به راحتی پرونده‌ی ایران در شورای امنیت را این بار ذیل بحث موشکی و تسلیحاتی پی بگیرد و فصل جدیدی برای ایران در شورای امنیت بگشاید. چنین فضای خطرناکی که تحت فشار دوچندان قرار دادن ایرانی که دیگر اورانیوم ۲۰ درصد هم ندارد را در پی دارد، به معنی شکست ایران در این عرصه‌ی جنگ است.

اگر ایران با توافق انجام شده مخالفت هم بکند، حرف مقامات آمریکایی مبنی بر بدعهد بودن ایران و غیرقابل مذاکره بودن کشورمان به اثبات خواهد رسید و فرصت برای گزینه‌های تندروها باز خواهد شد. این نیز طبیعتاً به معنای شکست ایران است.

این اما متأسفانه همه‌ی ماجرا نیست. واقعیت، نگران‌کننده‌تر از این حرف‌هاست. واقعیت این است که دولت آمریکا اکنون بازی را در سطحی بسیار بالاتر کلید زده و آن مواجهه با پشتوانه‌ی تئوریک انقلاب و مبنای اندیشه‌ای مقام معظم رهبری است. آمریکا به خوبی می‌داند یک نگاه واقع‌بینانه نسبت به این دشمنی‌ها و خصومت‌های او با سردمداری مقام معظم رهبری در ایران وجود دارد و البته کسانی هم هستند که با نوعی ساده‌انگاری و سطحی‌نگری به این منازعه نگاه می‌کنند. دولتمردان آمریکا طیف دوم را اعتدال‌گرایان ایران می‌دانند و معتقدند اگر کنگره توافق را به هم بزند، حرف آیت‌الله خامنه‌ای اثبات خواهد شد. جان کری در گفت‌وگو با آتلانتیک، رد توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا را عامل پراکنده شدن متحدان آمریکا دانست و گفت: «می‌دانم- نه اینکه فکر می‌کنم- که آنها به دلایل زیادی پراکنده خواهند شد. نظام ایران با دقت و احتیاط بالایی با این روند و آزمون برخورد کرد. ما به توافقی رسیدیم

و آن را اعلام کردیم و پنج کشور دیگر هم به آن اعتقاد دارند، اکنون کنگره آمریکا سوءظن رهبر ایران را اثبات خواهد کرد و هیچ راهی برای اینکه ایران به مذاکره برگردد، وجود ندارد.»^{۱۸۲} در واقع دولت آمریکا به خوبی می‌داند نوعی دوئل بدعهدی شکل گرفته است.

اوباما در عین حال از امید خود به دولت جدید برای ایجاد گذار در ایران سخن می‌گوید. او تصریح می‌کند: «در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد. گذاری که طی آن درک شود که شعار "مرگ بر آمریکا" و انکار هولوکاست توسط رهبران ایران، و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب‌الله، گروهی که در فهرست تروریستی قرار دارد، و کارهایی از این دست، از ایران، در چشم بخش اعظم جهانیان، کشوری طرد شده می‌سازد.»

باراک اوباما حاصل این گذار را به نفع ایران معرفی می‌کند و می‌افزاید: «چنین امری نیازمند تغییر در سیاست و رهبری ایران است. تغییر طرز فکر در زمینه‌ی رویکرد ایران به بقیه‌ی جهان و رویکردشان به کشورهای مثل ایالات متحده.»

او تأکید می‌کند: «و شاید همین نسل جدید باشد که بتواند این امر را محقق کند.»^{۱۸۳}

جان کری از نگرانی خود در مورد اینکه در صورت رد توافق از سوی کنگره در انتخابات بعدی چه بر سر روحانی خواهد آمد سخن می‌گوید. او تصریح می‌کند: «اگر ما به این توافق پشت کنیم، یک پیام به افراط‌گرایان در ایران می‌فرستیم و آنان احساس خوبی خواهند کرد و کسی نمی‌داند که در انتخابات بعدی چه بر سر روحانی می‌آید. توان بالقوه روحانی و ظریف برای مذاکره با غرب و رسیدن به جمع‌بندی از قضاوت من با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بود. ظریف در مقامی نبود که درباره‌ی چنین مسائلی مذاکره کند هر چند که من تلاش زیادی کردم تا این موضوعات را طرح کنم ولی وی چنین اختیاراتی نداشت. با این حال، هم روحانی و هم ظریف به روشنی گفته‌اند که با توافق، آماده هستند که درباره موضوعات منطقه‌ای صحبت کنند... می‌دانید ظریف این هفته در امارات در دیدار با خاندان بن زاید چه گفت؟ وی خواستار دیدار با سعودی‌ها شده است. آنها به دنبال مذاکره برای مناسباتی متفاوت هستند.»^{۱۸۴}

جان کری می‌گوید در صورت لغو توافق از سوی آمریکا، حسن روحانی و جواد ظریف به دردمر خواهند افتاد. کری می‌افزاید: «چه کسی می‌داند که در انتخابات چه می‌شود؟ اما روحانی و ظریف که خود را در مذاکره با غرب به خطر انداختند و توانستند با غرب مذاکره کنند و به یک نتیجه برسند، به نظرم به دردمر جدی می‌افتند.»^{۱۸۵}

اوباما و کری دلسوز دولتمردان ایران نیستند بلکه آنان را به مثابه‌ی فرصتی می‌دانند که می‌توانند با حضور آنان در ایران اهداف خود را پی بگیرند و در نهایت به نتایجی چون رفع نزاع بر سر حزب الله و هولوکاست و... برسند. این در واقع یک نزاع با مبانی تئوریک انقلاب با اتکاء به یک جریان داخلی در کشور است.

به عبارت دیگر بازی باخت باختی که آمریکا برای ایران طراحی کرده بسیار فراتر از آن چیزی است که توضیح داده شد. در این بازی اگر ایران با توافق مخالفت کند بدعهد قلمداد خواهد شد و تندروها با همگرایی و وحدت بیشتر مجال بیشتری پیدا خواهند کرد. اما اگر ایران با توافق موافقت کند، نه تنها با یک توافق خطرناک و نسل جدید قطعنامه‌های شورای امنیت موافقت کرده که شرایط را برای به اجرا درآمدن طرح آمریکا برای به شکست کشاندن نگاه تئوریک ایران نیز آماده کرده است. آمریکا در این حالت هیچ گاه در فرآیند توافق به گونه‌ای عمل نمی‌کند که

^{۱۸۲} خبرگزاری تسنیم، کری: ظریف گفت پس از توافق هسته‌ای امکان گفتگو درباره موضوعات منطقه‌ای وجود دارد، ۱۳۹۴/۵/۱۴.

^{۱۸۳} سایت خبری رادیوفرادا، اوباما: در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، ۱۳۹۴/۵/۲۰.

^{۱۸۴} سایت جوان آنلاین، کری: توافق نمی‌کردیم معلوم نبود در انتخابات بعدی چه بر سر روحانی می‌آمد، ۱۳۹۴/۵/۳.

^{۱۸۵} خبرگزاری مهر، دلواپسی جان کری برای روحانی و ظریف، ۱۳۹۴/۵/۶.

بدعهد شناخته شود. آمریکا اتفاقاً بالا می‌نشیند و با استناد و اتکاء قانونی و حقوقی به مفاد همین توافق و همین قطعنامه ایران را بدعهد می‌نامد و در یک بازی دوطرفه می‌کوشد گام به گام با چماقی که بر سر ایران نگاه داشته جمهوری اسلامی را از مواضع تئوریک خود عقب بنشاند و فضا را برای همگرایان خود در داخل ایران مهیا کند و اگر ایران مقاومت کرد با اتکاء به همان بندهایی که امکان سوء استفاده دارد با وجهه‌ای حق به جانب تندروهای ایران را به خاطر ایستادگی بر روی انرژی هسته‌ای و فعالیت‌های موشکی و تسلیحاتی و... متهم کند. این فرآیند خطرناک در نهایت به انزوا کشاندن ایران و پایین کشیدن او از جایگاه قدرت طلبانه‌اش را در پی دارد. وقتی محور مقاومت که خط مقدم امنیتی ایران است، شکسته شد و جنگ به جای آنکه کیلومترها خارج از مرزهای ایران باشد به مرزهای ایران رسید، آن‌گاه دیگر مواجهه با ایران دشوار نخواهد بود.

دولت محترم به جهت اینکه ایران اسلامی را در شرایطی قرار داده که چه رد توافق و چه تصویب آن برای کشور هزینه‌های خطرناک خواهد داشت، باید از مردم و مسئولین کشور عذرخواهی کند و این نیز نکته‌ای است که مجلس محترم می‌تواند متذکر شود. دولت باید در خصوص نقایص فاحش توافق که مجال سوء استفاده‌ها را در همین ابتدای کار فراهم آورده پاسخگو باشد. مهم آن است که مجلس مراقبت کند از رهبری در این میان هزینه نشود.

راه برون‌رفت از بازی جدید آمریکا

اما چاره‌ی کار چیست؟ باید قبل از آنکه آمریکا ما را به بدعهدی متهم کند، ما انگشت اتهام را به سوی آمریکا بگیریم. به نظر می‌رسد مجلس محترم نه توافق را باید رد کند و نه تصویب؛ بلکه باید دوقطبی تصویب یا رد توافق را از بین ببرد و دوقطبی "توافق با امکان سوء استفاده" و "توافق بدون امکان سوء استفاده" را جایگزین کند و به عبارت بهتر به جای ایجاد دودستگی بر سر رد یا تأیید و یا مخالفت و مخالفت، وحدتی بر روی "توافق بدون امکان سوء استفاده" را در کشور شکل دهد. در واقع نمایندگان محترم می‌توانند با فهرست کردن موارد بدعهدی طرف غربی که بعد از توافق روشن شده و نیز برشمردن سوابق این بدعهدی‌ها و نیز برخی نقایص توافق که زمینه‌ی بدعهدی را ایجاد می‌کند، بررسی توافق را منوط به رفع امکان سوء استفاده از آن از طریق اصلاح متن اصلی توافق و نیز اصلاح قطعنامه شورای امنیت کنند و مانع قانونی مناسبی را بر سر راه اجرای توافق قبل از کسب رضایت مجلس و رفع امکان سوء استفاده ایجاد نمایند. برخی موارد عدول از خطوط قرمز نیز ذیل همین فضا می‌تواند مطرح شود.

دوقطبی "توافق با امکان سوء استفاده" و "توافق بدون امکان سوء استفاده" قابلیت توجیه بهتری در داخل کشور دارد و برای مردم ایران که آمریکا را به خوبی می‌شناسند، قابل درک است. از دیگر سو اگر چه این تصمیم در واقع نوعی مخالفت با توافق است اما می‌تواند با ادبیاتی کاملاً متفاوت و در قالب موافقت مشروط با توافق مطرح شود. می‌توان بدون اظهارنظر مستقیم در خصوص توافق، قانونی با عنوان "قانون جلوگیری از سوء استفاده‌ی آمریکا از توافق هسته‌ای" یا مانند آن را تصویب کرد که الزام‌آور باشد و بعد از این، توپ در زمین دولت محترم و طرف غربی خواهد بود. پیش از این آقای عراقچی هم از امکان پیگیری دوباره‌ی مذاکرات سخن گفته بود و این می‌تواند فرصتی برای چانه‌زنی مجدد نیز فراهم آورد.

برای این اقدام حتی نیاز به ارائه‌ی لایحه از سوی دولت نیست. حتی اگر دولت از ارائه‌ی لایحه استنکاف کند، نمایندگان می‌توانند طی قانونی راه‌های سوء استفاده و بدعهدی طرف مقابل را سد کنند و امکان اجرایی کردن توافق قبل از اصلاح موارد خطرناک و مشکوک را از دولت سلب نمایند. باید حتی شورای امنیت به گونه‌ای در قطعنامه‌ی خود تجدید نظر کند. مجلسی که در یک موضوع ساده مثل تغییر رسمی کشور وارد می‌شود و قانون تصویب می‌کند، چرا در خصوص مسئله‌ای به این مهمی ساکت نشسته و منتظر لایحه‌ی دولت است؟

باید توجه داشت که این گزینه نیز می‌تواند بی‌هزینه نباشد اما اگر با هوشمندی پی گرفته شود، قطعاً هزینه‌هایی به مراتب کمتر از تصویب و اجرای توافق به همراه دارد.

در خصوص زمان رونمایی از قانون مجلس نیز می‌توان تدبیرهایی اندیشید. در این خصوص باید تحلیلی دقیقی از وضعیت کنگره‌ی آمریکا صورت پذیرد. اگر از سوی آمریکا توافق به کلی رد شود، هم مشکلات توافق گریبان ایران را نخواهد گرفت، هم ایران می‌تواند طرف غربی را بار دیگر به بدعهدی متهم کند و هم تحریم‌ها فرو خواهد ریخت.

اما اگر چنین اطمینانی نبود، به نظر می‌رسد بهترین زمان برای این اقدام بلافاصله بعد از رد شدن توافق از سوی کنگره و قبل از وتو شدن آن از سوی رئیس‌جمهور آمریکاست. پیش‌بینی کارشناسان این است که چنین اتفاقی ولو به عنوان یک حرکت نمایشی برای به رخ کشیدن ایستادگی اوپاما پای توافق حتماً خواهد افتاد اما در خصوص اینکه آیا کنگره آرای لازم برای رد مجدد توافق را خواهد داشت یا خیر تردید وجود دارد. اگر رد مجدد در کنگره رأی نیابد فضا برای ایران دشوارتر خواهد شد. البته نباید مجلس اگر نتوانست به هر دلیلی در بازه‌ی زمانی پیشنهادی عمل کند، از واکنش باز بماند. باید خطرات توافق را در نظر داشته باشد و تلاش کند در اقدامی تیزبینانه و انقلابی راه سوء استفاده را با کمترین هزینه‌ی ممکن سد کند.

اما یک ملاحظه‌ی مهم باقی است. آنچه رهبر انقلاب در خصوص وحدت و متانت گفتند، توصیه‌ای ساده نبود. ملاحظه‌ای جدی و هوشمندانه بود با شناخت دقیق از منازعه‌ای که در جریان است و البته برخی با ساده‌انگاری به آن نگاه می‌کنند. این بدین معناست که باید کوشید جریانی یکپارچه در داخل کشور برای رفع امکان سوء استفاده و برخی عدول‌ها از خطوط قرمز شکل بگیرد. باید جبهه‌ی اصلی نبرد در میان ایران و آمریکا ترسیم شود و اگر نقد و بحثی با دولت هست به تبع و به عنوان جبهه‌ی فرعی قلمداد گردد. هر گونه تعمیق شکاف در داخل و ایجاد دودستگی‌های جدی بازی اوپاما برای تقویت اعتدال‌گرایان در ایران و اتهام افراط‌گرایی زدن به دلسوزان انقلاب را تقویت خواهد کرد. هر گونه بهره‌برداری سیاسی از این ماجرا توسط هر جریان سیاسی در کشور ممنوع است.

مردم و دانشجویان باید در صحنه باشند و نقش‌آفرینی کنند. نباید بنشینند و گمان کنند هیچ رسالتی ندارند. باید به مسئولین مطالبات خود را برسانند. دانشجویان باید مردم را آگاه کنند و شرایطی فراهم کنند که اولاً پذیرش مردمی لازم به وجود بیاید و ثانیاً مردم پیام خود را به مسئولین برسانند. مسئولین باید متوجه باشند در این صحنه پشتیبانی مردم را با خود به همراه دارند. دانشجویان باید عمل کنند اما با تمام ملاحظات که رهبری تذکر دادند. سخت بودن و حساس بودن میدان نبرد به معنی لزوم کناره‌گیری از صحنه نیست؛ به معنی لزوم ورود هوشمندانه و تیزبینانه است.